

یا ابا صالح المهدی اور کیا

# مصالح جمع

علی خوانساری



بِسْمِ تَعَالَى

# مُصْلِح جِهَان

تألیف:

علی خوانساری

انتشارات احرار تبریز

۱۳۸۶



عنوان کتاب:

فصلح جهان

تألیف: علی خوانساری

ناشر: انتشارات احرار تبریز / مدیر نشر: کریم باوفا

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد / صفحات: ۱۶۸ صفحه وزیری / چاپ: ۱۳۸۶ / سلسله انتشارات: ۲/۸۴

□ حق چاپ برای مؤلف و ناشر محفوظ است.

حروفچینی: احرار / طرح روی جلد: طرح وردنگ / لیتوگرافی: تبریز اسکندر / چاپ: نیکنام / صحافی: تابان کتیبه

این کتاب برابر مجوز شماره  $\frac{۵/۳۱}{۸۶/۱/۶}$  اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی آذربایجان شرقی در تبریز به چاپ رسیده است.

آدرس: تبریز - خیابان دارائی - روبروی مسجد شهید مطهری - کوچه مجتهد لک - بازارچه امیریه، طبقه همکف

فروشگاه و نمایشگاه کتاب آزادگان - انتشارات احرار تبریز

کد پستی: ۵۱۳۳۹۳۴۶۱۴ / تلفن و نمابر: ۵۲۳۲۸۷۴-۰۴۱۱ / همراه: ۰۹۱۴۳۱۵۱۲۱۶

نشانی پست الکترونیکی: ahrar\_public\_tabriz @ yahoo.com

(عضو تعاونی ناشران استان آذربایجان شرقی)

شابک ۹۶۴-۹۷۶-۰۱۲-۱ / ISBN 964-976-012-1

بها: ۱۸۰۰ تومان

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۴	صلوات و سلام بر معصومین
۹	مقدمه
۱۱	فصل اول - منجی بشر در اندیشه ملل
۱۲	در میان هندوان و برهمنائیان
۱۵	در میان چینیان و اقوام شرقی
۱۶	در میان اقوام مغول و سرخ‌پوستان
۱۵	در میان زرتشتیان
۱۸	در میان یهودیان و در تورات و ملحقات آن
۲۰	در میان مسیحیان و اناجیل
۲۱	اسامی مقدّس حضرت مهدی(ع) در کتب مذهبی و ادیان ملل
۲۲	ز - انتظار فرج در منابع اسلامی
۲۲	الف) در قرآن
۲۶	ب) در روایات اسلامی
۲۸	ج) تفکیک روایات
۲۹	د) اتفاق علمای فریقین در حضرت مهدی(ع)
۳۱	هـ) نظریه فرق اهل سنت
۳۶	و) تفاوت انتظار بین شیعه و سایر مذاهب و ادیان
۳۷	ز) نظریه سیاستمداران غرب و صهیونیسم به مهدویت

۴۱	فصل دوم - سوالاتی در پیرامون مهدویت
	سؤال اول - آیا غیبت برای حضرت مهدی(ع) امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر بوده است؟
۴۱	
۴۴	سؤال دوم - چرا غیبت باید اینقدر طولانی باشد؟
	سؤال سوم - آیا غیبت امام از روی ناچاری و اضطرار است؟
۴۸	یا مبتنی بر حکمت و مصلحت الهی است؟
۴۹	سؤال چهارم - چرا امام دارای ۲ غیبت صغری و کبری می‌باشد؟
۵۱	سؤال پنجم - پیدایش مدعیان دروغین مهدویت از چیست؟
۵۶	سؤال ششم - علت عدم امتداد غیبت صغری چیست؟
۵۷	کلام نغز شهید صدر
۵۷	سؤال هفتم - مدعیان دروغین نیابت چه کسانی بوده‌اند و چرا؟
۶۰	توقیع مبارک خطاب به جناب حسین ابن روح نوبختی
۶۲	سؤال هشتم - توقیع چیست و از امام مهدی(ع) به چه کسانی صادر شده است؟
۶۴	آخرین توقیع
۶۵	سؤال نهم - نواب خاص چه کسانی بودند و چگونه انتخاب می‌شدند؟
۷۲	وکلائی امام(ع)
۷۳	سؤال دهم - در غیبت کبری بهره‌وری از آن وجود چگونه حاصل می‌گردد؟
۷۸	نکته آخر در این بحث
۷۹	سؤال یازدهم - مرجعیت و رهبری دینی از کی بوده و مبنای شرعی آن چیست؟
۸۲	شیخ مفید
۸۳	توقیع اول
۹۰	توقیع دوم
۹۷	سؤال دوازدهم - اصحاب و یاران مهدی(ع) کیانند؟
۱۰۹	خطبه دوم امام
۱۱۲	سؤال سیزدهم - حضرت مهدی(ع) در چه مکان‌هایی بیشتر حضور دارند؟
۱۱۴	سؤال چهاردهم - نشان‌های ظهور امام چیست؟
۱۱۴	۱ - علائم و نشانه‌های عمومی
۱۱۸	۲ - نشانه‌های نزدیک ظهور
۱۲۰	۳ - نشانه‌های غیرقطعی و پراکنده
۱۲۲	۴ - نشانه‌های قطعی و علائم حتمی
۱۲۴	۱ - ندای آسمانی
۱۲۶	۲ - جنبش ارتجاعی و باطل سفیانی
۱۲۹	۳ - فرو رفتن سپاه سفیانی

۱۳۰	۴ - جنبش اصلاح طلبانه یمّتی
۱۳۰	۵ - قتل نفس زکیّه
۱۳۱	سؤال پانزدهم - دجال کیست و مشخصات و حامیان او کیانند؟
۱۳۷	فصل سوّم - پیروزی و حکومت آن حضرت
۱۳۷	الف) حکومت واحد جهانی و پایتخت امام(ع)
۱۴۱	ب) پیروزی امام بر قدرت‌های جهان چگونه خواهد بود؟
۱۴۶	ج) میراث پیامبران و کتاب سنّت‌های آنان با مهدی(ع) است
۱۴۹	د) فرود آمدن حضرت عیسی ابن مریم(علیهما السلام)
	هـ) تحولات عظیم فرهنگی و تربیتی و امنیتی و اجرای احکام قرآن
۱۵۲	در حکومت جهانی مهدی(ع)
۱۵۵	و) جایگاه و منزلت شیعه و مؤمنین در حکومت امام مهدی(ع)
۱۵۸	ز) عمر شریف و حکومت و رجعت خاصّه نماز معصوم بر او
۱۵۹	خاتمه و نکات کسانی که در زمان غیبت کبری به دیدار آن سرور نائل شده‌اند
۱۶۲	نکته آخر
۱۶۵	منابع و مأخذ

## سلام و صلوات بر معصومین

الحمد لله رب العالمین

سلام بر محمد مصطفی خاتم الانبیاء

سلام بر علی مرتضی سید الأوصیاء

سلام بر فاطمه زهراء سیده نساء العالمین

سلام بر حسن و حسین سید شباب اهل الجنة

سلام بر ائمه معصومین الهداه المهدیین

سلام بر خاتم الاوصیاء بقیة الله فی الارضین

سلام بر خورشید فروزنده و مِیْم نورالهی

سلام بر موعود أمم مهدی زهرا و نور خدا

یا ایها العزیز مسننا و اهلنا الضرُّ و جئنا بیضاعه مُزجاة فأوف لنا الكیل<sup>۱</sup>

## مُصَلِحِ جِهَانِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ<sup>١</sup>

اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيكَ الْحُجَّةَ الْحَسَنَ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَعَلَىٰ آبَائِهِ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ وَ  
فِي كُلِّ سَاعَةٍ وَلِيًّا وَحَافِظًا وَقَائِدًا وَنَاصِرًا وَدَلِيلًا وَعَيْنًا حَتَّىٰ تُسْكِنَهُ  
أَرْضَكَ طَوْعًا وَتُمَتِّعَهُ فِيهَا طَوِيلًا آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ



## مقدمه

بشر به رغم همه ویژگی‌های فردی و اجتماعی‌اش که زمینه‌ساز ره‌پویی وی به هر یک از راه‌های تعالی و انحطاط و تکامل و نقص و سعادت و شقاوت می‌باشد، همواره یک خصیصه ثابت ولایت‌غیر داشته که از آن هرگز عدول نمی‌کند و آن آرمان‌گرایی و جستجوی او به دنبال برتری و بلندی رتبه اوست و روح دمیده شده در کالبد بشر که از سوی خالق حکیم عنایت گردیده همواره او را به سوی آن ارزش به ویژه ۲ اصل امنیت و عزت می‌خواند که «فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» می‌باشد<sup>۱</sup> ممکن است انسان راه بلندی روح و کمال را گم کرده و نتواند در مسیر هدایت قرار گیرد، اما هیچگاه آگاهانه به سوی تاریکی و گمراهی قدم بر نمی‌دارد، چرا که سیر فطری او همواره به سوی نور و سعادت است.

در این میان نقش حکومت‌ها و رهبران سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در سطوح طبقات دارای نقشی مؤثر و حیاتی است چرا که «واقِعاً النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ» و مردم به امیران‌شان شبیه‌تر از پدران‌شان در رفتار و کردار می‌باشند

و بدیهی است اگر بزرگان و نخبگان جامعه از زمره صالحین و سالم‌ترین آن جامعه باشند آن جامعه دچار ظلم و فساد و فقر و پوچی نمی‌شود.

پس تعالی و تکامل و عدالت و امنیت از کجا و از کدامین راه میسر است و عقل و اندیشه مغرورانه علمی علم‌فروشان و یا کلاهبرداران کلان سیاست که بشریت از دغل‌بازی و فریبکاری آنان به‌ستوه آمده است و خسته از تاریکی‌ها و مایوس از بی‌مهری‌ها و ستمگری‌ها در پی آرزوی نور و به دنبال خورشید تابان و منجی مهربان می‌گردد، و مصداق حدیث معروف پیامبر (صفحه ۴) «يَمَلَأُ اللَّهُ بِهِ - الْأَرْضَ قِسْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»<sup>۱</sup> تحقق می‌یابد.

آری عدالت آنگاه محقق می‌شود که همگان در جستجوی آن باشند. آنچه در ادیان و آموزه‌های دینی تحت عنوان اصلاحگر آسمانی و منجی بشریت می‌بینیم چراغی است که خداوند برای متوجه ساختن تفکر بشری فراراه او نهاده که طالب عدالت و منتظر موعود مصلح باشد و به گفته آیت‌الله شهید صدر (رض): «مهدویت تبلور یک الهام فطری برای نفی هر نوع ظلم و ستم در شخصیتی که به همه ظالمان نه می‌گوید و انتظار روح حیات سیاسی شیعیان و الهام‌بخش حرکت‌های دینی و اصلاحی آنانست».<sup>۲</sup> و دکتر علی وردی استاد دانشگاه بغداد می‌گوید: «تشیع آتشفشان خاموش کوهسار اسلام است که گاه‌بی‌گاه دود و بخار آن لرزه آفریده و نوید انقلاب بزرگی را می‌دهد».<sup>۳</sup>

۱ - مُعْجَمُ الْأَحَادِيثِ الْإِمَامِ الْمَهْدِيِّ، ج ۳، ص ۲۶۲.

۲ - بحث حول المهدی.

۳ - فصلنامه انتظار، ش ۲.

# فصل اوّل

## منجی بشر در اندیشه ملل

ظهور یک نجات‌بخش بزرگ و داشتن رهبری پاک و حاکمیت قانون خدا و تشکیل حکومت جهانی واحد، برقراری عدالت و التیام زخم‌های جانکاه بشریت و نابودی ظلم و ظالم، همه و همه مسائلی است که از دوران کهن تاکنون مستضعفین و مُصلحان و حکیمان و انقلابیون در همه اقوام و ملل اعم از دینی و غیردینی بوده است.

این اعتقاد و آرزو حتی منحصر به مذاهب شرقی و اسلامی نیست، بلکه اسناد و مدارک نشان می‌دهد که این یک اصل و آرمان عمومی و قدیمی است که اعم از ادیان توحیدی و ابراهیمی و مکاتب دیگر در آن مشترکند.

اگرچه دین اسلام تأکید و تعیین بیشتری بر آن دارد. و اگرچه همه اقوام او را به نام خاصی می‌شناسند ولی همگی در اوصاف کلی و نشانه‌ها و اصول برنامه‌های انقلابی او اتفاق نظر دارند. این موعود مُصلح در بین

مسلمین مهدی، قائم، منتظر، صاحب الزمان، بقیه الله و... خوانده می شود. در کتاب النجم الثاقب بیش از یکصد و هشتاد اسم و لقب برای آن حضرت ذکر شده است.<sup>۱</sup> در کتب اقوام و ملل دیگر مثل کتاب های دیند، باسک، پاتیکل، دداتک، اصفنیه نبی، زند، اشعیاء نبی، جاماسب، شاکمونی، وشن جوک، حگی نبی، مکاشفات یوحنا، دانیال، اناجیل چهارگانه، تورات، زبور، و حتی در کتاب بودائیان و برهمنیان و سایر کتاب های ملل مختلف نام و القاب متعدد ذکر گردیده است.<sup>۲</sup>

اخیراً کتابی<sup>۳</sup> توسط مؤسسه اسلامیة تدوین شده که در آن از چهارصد و هشت منبع در رابطه با مهدی سخن گفته است. و همچنین در کتاب «در جستجوی قائم» از یک هزار و هشتصد و پنجاه اثر اعم از کتاب و مقاله در مورد مهدویت خبر داده است. که در محل خود (مهدی در قرآن و روایات) بحث خواهد شد. و اینک در کتاب های ملل و ادیان بحث می شود.

### در میان هندوان و برهمنیان

۱ - کتاب (وشن جوک) هندوها: «سرانجام نیکو (به کسی) برگردد که خدا را دوست دارد و از بندگان خاص او باشد و نام او فرخنده و خجسته باشد».<sup>۴</sup>

۱ - ظهور مهدی در دیدگاه ملل، اثر اسدالله هاشمی شهیدی.

۲ - النجم الثاقب.

۳ - معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۲.

۴ - بشارات عهدین، صص ۲۴۶ - ۲۴۵.



۲ - کتاب (دید) از کتب مقدّس هندویان آمده است: «پس از خرابی دنیا، پادشاهی در آخرالزمان پیدا شود که پیشوای خلاق باشد و نام او منصور و تمام عالم را بگیرد و به آئین خود آورد».<sup>۱</sup>

۳ - کتاب (دداتک) از کتب مقدّس برهمنیان آمده است: «دست حق درآید و جانشین آخر مُمتاطا ظهور می کند و مشرق و مغرب عالم را بگیرد، همه جا و همه خلاق را هدایت کند».<sup>۲</sup>

۴ - در کتاب (باسک) از کتب هندویان آمده است: «دور دنیا تمام شود به پادشاه عادل در آخرالزمان، که پیشوای فرشتگان و پریان و آدمیان باشد. و به راستی حق با او باشد و آنچه در دریاها و زمینها و کوهها پنهان باشد همه را به دست آورد و آنچه از آسمان و زمین باشد خبر می دهد و از او بزرگتر کسی به دنیا نیاید».<sup>۳</sup>

۵ - در کتاب (شاکمونی) که در بین هندوها به عنوان پیامبر می شناسند چنین آمده است: «او یقیناً از اولیای الهی است و مصلح بزرگ جهانی در آخرالزمان است و پادشاهی جهان به او که فرزند سیدخلاق جهان (کِشِن) نام گرامی پیامبر به زبان هندی است می باشد و او کسی باشد که کوههای مشرق تا مغرب را می گیرد و برابر فرمان می راند و برابرها سوار می شود و فرشتگان کارکنان او می باشد و جن و انس در خدمت او می باشند و از

۱ - بشارات عهدین، صص ۲۴۶ - ۲۴۵.

۲ - همان.

۳ - مهدی از ظهور تا پیروزی، سیدحسین تقوی، ص ۸۶.

سودان که زیر استوا است تا عرض تسعین که زیر قطب شمال می‌باشد و ماوراء بحار را صاحب می‌شود. و دین خدا زنده گردد. و نام او ایستاده می‌باشد و او بنده واقعی خدا باشد»<sup>۱</sup>.

۶ - کتاب (دیه) که نزد هندوها از کتب آسمانی است چنین آمده است: «او تمام عالم را می‌گیرد و بر همه مردم حکومت می‌کند و دین واحد در جهان باشد. و او همه مردم را می‌شناسد حتی به باطن آنها آگاهی دارد. و او مستجاب الدعوة است»<sup>۲</sup>.

۷ - کتاب (پاتیکل) که از بزرگان هندویان می‌باشد آمده: «چون مدّت روز تمام شود و دنیای کهنه نو شود و صاحب ملک تازه پیدا شود. از فرزندان دو پیشوای بزرگ جهان که یکی ناموس اعظم و دیگری صدیق اکبر وصی او که (پیشن) نام دارد منظور علی و نام صاحب ملک تازه، هادی و مهدی و قائم بالحق باشد. به حق پادشاه باشد و او را معجزه زیاد باشد. هر که پناه به او برد و دین پدران او را اختیار نماید و دولت او بسیار گشود و آخر دنیا به او تمام شود. و از دریای محیط و جزایر سرانندیب و جبال القمر تا شمال و اقیانوس‌ها را مسخر می‌کند و همه بت‌ها را می‌شکند و تنها دین خدا را در جهان مستقر می‌سازد»<sup>۳</sup>.

۸ - کتاب (اوپانیشاد) که از کتب معتبر هندویان است چنین آمده است:

۱ - بشارات عهدین، صص ۲۸۶ - ۲۳۳.

۲ - مهدویت در ادیان، نوشته مهدی باباپور.

۳ - مهدی در دیدگاه ملل، نوشته اسدالله هاشمی شهیدی.

«این مظهر ایزد در عصر آهن تمام، سوار بر اسب سفیدی در حالیکه شمشیر برهنه و درخشانی همچون ستاره دنباله‌دار می‌درخشد و نور می‌دهد ظاهر می‌گردد و در انقضای عالم همه اختراعات در دین خدا را از بین می‌برد و فقط دین پدرانش را در دنیا جاری می‌سازد».<sup>۱</sup>

۹ - در کتاب (ریگودا) چنین آمده: «او از همه قوی‌تر و مهربان‌تر است و در یک دست شمشیر برآن و در انگشت انگشتری دارد که اسم اعظم اوست و ماه و خورشید تاریک گردیده و زمین می‌لرزد و او هر بدی را سزا می‌دهد. و دولت او دارای شوکت بی‌حد باشد و او و یارانش پادشاهی طولانی در زمین می‌کنند. و او همه شریران و ظالمان را از بین می‌برد».<sup>۲</sup>

۱۰ - کتاب دیگر هندوها (ددا تک) آمده: «او از دودمان بزرگ اولین انسان ظاهر گردیده و انسان را بزرگ و پاک می‌نمایاند».

### در میان چینیان و اقوام شرقی

در همه قرون و اعصار آرزوی پیدایش مُصلح بزرگ جهانی در دل‌های انسان‌های پاک و ستم‌دیده اعم از مسلمان و یهودی و مسیحی و غیر ادیان توحیدی و حتی در میان اقوام شرقی و غربی همانند کتاب چینیان و اهالی اسکانداوناوی و بومیان آفریقا و مکزیک نیز دیده می‌شود.<sup>۳</sup>

۱ - مهدویت در ادیان.

۲ - مهدویت در دیدگاه ملل و نحل، اسدالله هاشمی شهیدی.

۳ - علامه ظهور، ص ۴۷، که از کتاب زند و هومن سن ترجمه شده به وسیله قائمیان.

## در میان اقوام مغول و سرخ‌پوستان

گلدزیهر خاورشناس نامی (۱۹۲۲-۱۸۵۰) که وی را بنیانگذار علم اسلام‌شناسی در اروپا می‌شناسند. در پاییز سال ۱۹۰۸ در آمریکا سخنرانی کرده و مسئله مهدویت را مورد بررسی قرار داده می‌گوید: «اعتقاد به بازگشت و ظهور منجی موعود اختصاص به اسلام ندارد. پندارهای مشابهی را می‌توان در اقوام و ادیان دیگر به فراوانی یافت. بنابراین اعتقاد هندو ایسم و شینو در حالیکه بر اسب سفیدی سوار است می‌آید. و در میان اقوام مغول و سرخ‌پوستان شرق این عقیده شایع است که در هشت و نه قرن بعد از چنگیز فردی ظاهر می‌شود قوی‌تر و نیرومندتر و اقوام شرق و مغولان را از زیر یوغ ظلم اقوام دیگر رهایی می‌بخشد.<sup>۱</sup>

## در میان زرتشتیان

۱ - در کتاب معروف (زند) پس از ذکر مبارزه همیشگی یزدان و اهریمنان آمده «آنگاه پیروزی بزرگ از آن یزدان می‌شود. و اهریمنان را منقرض می‌سازد. عالم کیهان به سعادت اصلی خود رسیده. بنی آدم بر تخت نیکبختی خواهد نشست».<sup>۲</sup>

۱ - دیباچه بر رهبری، ص ۱۰۶.

۲ - زرتشت پیغمبر ایرانی که در حدود قرن هفتم قبل از میلاد می‌زیسته است دوره فرمانروایی مادها و بعد دوره هخامنشیان و در نهایت در دوره ساسانیان دین او دین رسمی ایران بوده است.



۲ - جاماسب: <sup>۱</sup> در کتاب جاماسب‌نامه از زرتشت نقل می‌کند «مردی بیرون می‌آید از بین تازیان و مردی بزرگ و بزرگ‌سان به آئین جد خویش و با سپاه بزرگ‌روی به ایران می‌نهد و آبادانی می‌کند و زمین را پر از داد می‌کند».<sup>۲</sup>

۳ - زرتشتیان که اوستا کتاب مذهبی و مقدّسشان می‌باشد معتقدند که بهرام جاوید و قائم که همان (مهدی) است دنیا را پر از داد می‌کند.

۴ - در کتاب (گاتّها) که بخشی از اوستای زرتشت می‌باشد، چنین آمده است: «هنگامی که سزای این گناهکاران فرا رسد. پس آنگاه ای مزدا کشور تو را بهمن<sup>۳</sup> در پایان برپا کند برای کسانی که دروغ را به دست‌های راستی سپرند. و خواستاریم از آنان باشیم که زندگی تازه کنند. آری آنگاه انسان به کامیابی رسد».<sup>۴</sup>

و در جای دیگر می‌گوید: «ای مزدا بامداد روز فراز آید، جهان دین راستین فرا گیرد با آموزش‌های افزایش بخشی پر خودرهانندگان کیانند. آنانی که بهمن به یاری‌شان خواهد آمد. از برای آگاه ساختن، من ترا برگزیده‌ام».<sup>۵</sup>

۵ - در کتاب جاماسب باز هم آمده است: «از فرزندان دختر پیامبر که خورشید جهان و شاه زنان نام دارد کسی پادشاه و به حکم یزدان در دنیا

۱ - جاماسب داماد زرتشت و وزیر گشتاسب بود، فرهنگ عمید، ص ۱۱۳۰.

۲ - بشارات عهدین، ص ۱۴۳.

۳ - بهمن نماینده قدرت و پارسایی مزداست.

۴ - کتاب ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۱۸.

۵ - همان مدرک، ص ۲۳.

جانشین پیامبر شود. و در میان دنیا که (مکه) باشد ظهور می‌کند. و دولت او تا قیامت دوام یابد. و او اهریمنان را در حبس نموده و از میان بردارد.<sup>۱</sup>

### در میان یهودیان و در تورات و ملحقات آن

۱ - در تورات و در پاراش لخلخا فصل ۱۷ از آیه ۲۰ از سفر تکوین از قول خداوند به ابراهیم خلیل (ع) آمده: «وَلْ يَشْمَاعِيلَ شَمَعْتِيخَا بَيْرِخْتِي أُوتِسُو هُفَوِيْتِي أُوتُو بِمَادُ سِينِيمَ عَاشَارُ نَسِيْمُ يُولِيدُ وَ أَنْ تَبِيْتُ لُغُوي كَادُلُ».<sup>۲</sup>

ترجمه: در مورد اسماعیل به تو شنواندم و اجابت کردم و او را برکت دادم و نسلش را به مثل خاک زیاد کردم به وسیله محمد (ص) و دوازده امام و امتی عظیم از وی به وجود خواهم آورد.

۲ - در زبور داود:<sup>۳</sup> و در زبور آیه ۳۷ از مزامیر که چهل آیه است چنین آمده: «زیرا که شریران منقطع می‌شوند»؛ اما متوکلان به خداوند وارث زمین خواهند شد؛ و حال اندک است که شریر نیست شود و هر چند مکانش را استفسار نمائی پیدا نمی‌شود؛ اما متواضعان وارث زمین شده و از کثرت سلامتی لذت می‌برند؛ و چون بازوهای شریران شکسته می‌شود. و خداوند صدیقان را تکیه‌گاه است؛ خداوند روزهای صالحان را می‌داند و میراث ایشان ابدی خواهد شد؛ خداوند عدالت را دوست می‌دارد؛ و مقدّسان خود

۱ - ادیان و مهدویت، محمد بهشتی، ص ۴۳.

۲ - انیس الاعلام، ج ۷، ص ۳۸۳.

۳ - همان مدرک، صص ۳۸۹ - ۳۸۵.

را نمی‌بازند و همواره محفوظ می‌مانند؛ صالحان وارث زمین شده و در آن ساکن خواهند بود؛ بُرهان صِدِّیق<sup>۱</sup> به حکمت متکلم خواهد بود؛ شریعت خدا در قلبش بوده و قدم‌هایش نخواهد لرزید.<sup>۲</sup>

و این بشارت‌ها کاملاً با قرآن منطبق است. جایی که خداوند می‌فرماید: «وَ لَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».<sup>۳</sup>

۳ - در کتاب حقیوق نبی، فصل ۷ آمده است:

«و اگرچه تأخیر نماید و برایش منتظر باش، زیرا که او البته خواهد آمد و درنگ نخواهد نمود، بلکه امت‌ها را نزد خویش جمع می‌کند و امت واحد قرار می‌دهد».<sup>۴</sup>

۴ - و در کتاب اشعیای، نبی فصل ۱۱ آمده است: «و نهالی از تنه یسی<sup>۵</sup> (پدر داود) برآمده<sup>۶</sup> و شاخه‌ای از شاخه‌هایش قد برافراشته برای ذلیلان به عدالت حکم می‌کند و برای مسکینان زمین، به راستی مایه بیداری خواهد بود. کمربندش عدالت و حکم‌اش منطبق و وفا و در دوران او گرگ و بره در کنار هم سکونت کنند، و در تمامی کوه مقدس من هیچ ضرر و فساد نخواهد بود. زیرا که زمین از دانش خداوند مثل آب دریاها بهره‌مند خواهد شد».<sup>۷</sup>

۱ - صِدِّیق مراد حضرت مهدی (ع) است.

۲ - دوازده آیه از زبور داود انیس‌الاعلام که در حکمت واقعی از زبان مبارک او جاری خواهد شد.

۳ - سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۴ - مهدی در ادیان و ملل.

۵ - یسی به معنی قوم پدر داود است.

۶ - منظور از شاخه‌هایی، یعنی مهدی از اولاد انبیاء است.

۷ - آیه طولانی کتاب اشعیای نبی - انیس‌الاعلام، ص ۱۸۳.

## در میان مسیحیان و اناجیل

- ۱ - در انجیل مرقس<sup>۱</sup> باب ۱۳: آیه ۳۳ می فرماید: «پس بر حذر باشید و بیدار شده دعا کنید، زیرا که نمی دانید آنوقت کجا می شود.
- آیه ۳۴: «بیدار باشید چون نمی دانید که صاحبخانه<sup>۱</sup> کی می آید. در شام یا نصف شب یا بانک خروس صبح».
- آیه ۳۵: «مباد که ناگهان آمده و شما را خفته یابد».<sup>۲</sup>
- ۲ - در انجیل لوقا<sup>۳</sup> باب ۱۲: آیه ۳۵ می فرماید: «کمرهای خود را بسته و چراغهای خود را افروخته دارید».<sup>۳</sup>
- آیه ۳۶: «شما مانند کسانی باشید که انتظار آقای خود می کشید تا هر وقت بیاید در را بکوبد - بی درنگ - برای او باز کنید».<sup>۴</sup>
- ۳ - در انجیل متی<sup>۵</sup> باب ۲۴: آیه ۳۷ می فرماید: «چون برق که از مشرق بیرون آید، تا مغرب ظاهر گردد. آمدن فرزند انسان چنین خواهد بود».<sup>۵</sup>
- آیه ۳۰: «خواهید دید فرزند انسان را بر ابرهای آسمان که می آید با قدرت و جلال عظیم».<sup>۶</sup>
- آیه ۳۱: «و فرشتههای خود را خواهد فرستاد. با صور بلند و آنها

۱ - منظور از صاحبخانه امام مهدی می باشد چون در روایات اسلامی صاحب الدار اطلاق شده است.

۲ - مهدی از ظهور تا پیروزی، سیدحسین تقوی، ص ۹۱.

۳ - مهدی از ظهور تا پیروزی، سیدحسین تقوی، ص ۹۲.

۴ - همان.

۵ - همان.

۶ - مهدی از ظهور تا پیروزی، سید حسین تقوی، ص ۹۲.



برگزیدگان را جمع خواهند نمود از اطراف اربعه از اقصای فلک تا به طرف دیگر»<sup>۱</sup>.

آیه ۴۴: «شما هم برای آمدن ناگهانی او آماده باشید تا غافل گیر نشوید»<sup>۲</sup>.

### اسامی مقدّس حضرت مهدی(ع) در کتب مذهبی و ادیان ملل

- ۱ - در صحف ابراهیم: صاحب
- ۲ - در کتاب زیور سیزدهم: قائم
- ۳ - در تورات ترکوم: قیدمو
- ۴ - در تورات عبّرانی: ماشیع
- ۵ - در انجیل: مَهْمیدْ آخر
- ۶ - در زمزم زرتشت: سیروس ایزد
- ۷ - در ایستاق زند پازند: بهرام
- ۸ - در زند زرتشت: بنده یزدان
- ۹ - در هزارنامه هندویان: لَنْدَبَطَاوَا
- ۱۰ - در ارماتس یهود: شَماخیل
- ۱۱ - در جاویدان نامه: خُوراند
- ۱۲ - در کُندرال فرنگیان: خُجسته
- ۱۳ - در کتاب مجّوس قدیم: خسرو

۱ - مهدی از ظهور تا پیروزی، سید حسین تقوی، ص ۹۲

۲ - همان.

- ۱۴ - در کتاب حَجّی نبی: میزان الحقّ
- ۱۵ - در کتاب برزین آزر فارسیان: پرویز
- ۱۶ - در کتاب قنبروس رومیان: فردوس اکبر
- ۱۷ - در کتاب صحیفه آسمانی: کلمه الحقّ
- ۱۸ - در کتاب دُوهر هندویان: صمصام الاکبر
- ۱۹ - در کتاب دید براهمه: منصور
- ۲۰ - در کتاب شاکمونی: قائم
- ۲۱ - در کتاب ریگ ودا: ویشنو
- ۲۲ - در کتاب وشن جوک: فرخنده
- ۲۳ - در کتاب عهد جدید: پسر انسان
- ۲۴ - در کتاب هومن یسن زرتشیان: سوشیانس
- ۲۵ - در کتاب شعیای نبی: فیروز.
- همچنانکه قبلاً ذکر گردید در کتاب النّجم الثّاقب حدود یکصد و هشتاد اسم و لقب آمده است.

## ز - انتظار فرج در منابع اسلامی

### الف) در قرآن

سابقه موضوع مهدویت در اسلام از قرآن شروع می‌شود. که به صورت یک نوید کلی جهانی مطرح نموده و خبر از یک حکومت عدل جهانی داده است. در کتاب امام مهدی در قرآن مجموعاً یکصد و شش آیه به عنوان

تفسیر یا تنزیل و یا تطبیق و تشبیه درباره حضرت مهدی (ع) نازل شده است آورده که به ذکر بعضی از آنها به عنوان نمونه اشاره می‌گردد:

۱ - «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: «در کتاب زبور پس از تورات نوشتیم که زمین را بندگان صالح و شایسته من صاحب خواهد شد.

امام باقر (ع) می‌فرماید: «هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ»<sup>۲</sup>.

قندوزی به سند خود از امام صادق (ع) در تفسیر آیه مذکور فرموده «بنندگان صالح خدا قائم (ع) و اصحاب او هستند»<sup>۳</sup>.

۲ - «وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لِيُمَكِّنَ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَ لِيُبَدِّلَ لَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَ مَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»<sup>۴</sup>.

وعده دهنده در این خداوند است.

وعده گیرنده مؤمنان صالح هستند.

مواد وعده در این آیه ۳ مورد است:

۱ - سوره انبیاء، آیه ۱۰۵.

۲ - مجمع‌البیان، ذیل تفسیر آیه.

۳ - امام مهدی در قرآن، ص ۹۸.

۴ - سوره نور، آیه ۵۵.

الف) استخلاف فی الارض یعنی حکومت حق و عدالت و خلیفه خدا بودن.

ب) تمکین دین یعنی نفوذ معنوی حکومت و قوانین دینی بر تمام عرصه زندگی.

ج) تبدیل خوف به امنیت یعنی برطرف شدن همه عوامل ناامنی و ترس و برقراری امنیت و آرامش در روی زمین.

از امام سجاد(ع) نقل شده: «این گروه همان پیروان ما هستند که خداوند به وسیله مردی از خاندان ما این موضوع را تحقق می بخشد و او مهدی این امت است همین موضوع از امام باقر(ع) نیز نقل شده است»<sup>۱</sup>.

۳ - «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَ دِينَ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»<sup>۲</sup>.

ترجمه: خداوند پیامبرش را با هدایت و آئین حق فرستاد تا او را بر همه ادیان پیروز گرداند.

الف) عیاشی به اسناد خود از عمران ابن میثم نقل می کند که امیرالمؤمنین(ع) فرمود: که تحقق معنای این آیه وقتی است که قائم ظهور نماید.<sup>۳</sup>

ب) قندوزی از امام صادق(ع) نقل می کند که فرمود: «به خدا قسم تاویل این آیه محقق نمی شود مگر مهدی قائم ظهور نماید و دین اسلام را بر همه

۱ - مجمع البیان، ذیل تفسیر همین آیه است...

۲ - سوره توبه، آیه ۳۳.

۳ - سوره صف، آیه ۹.

عالم پیروز گرداند».<sup>۱</sup>

ج) امام باقر(ع) می‌فرماید: این پیروزی به هنگام قیام مهدی از آل محمد خواهد بود. چنانکه هیچ کس در جهان باقی نماند مگر اینکه اقرار به رسالت حضرت محمد(ص) خواهد کرد».

۴ - جابر ابن عبدالله انصاری از امام علی(ع) نقل می‌کند که فرمود:  
«يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ».<sup>۲</sup>

ترجمه: منظور از نور خدا امام قائم مهدی موعود(ع) می‌باشد».<sup>۳</sup>

۵ - «وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا».<sup>۴</sup> امام رضا(ع) فرمود:

ترجمه: نور رب قائم ما می‌باشد».<sup>۵</sup>

۶ - از مجموع آیات قرآنی حاکم حسکانی در کتاب شواهد التنزیل دویست و ده آیه در مورد اهل بیت آورده که یکصد و شصت آیه را در رابطه با مهدی(ع) دانسته است.

۷ - سید هاشم بحرانی از محدثین نامدار شیعه در کتاب خود به نام (المُحَجَّةُ فِيمَا نَزَلَ فِي الْقَائِمِ الْحُجَّةَ) حدود یکصد و شش آیه را در رابطه با مهدی(ع) آورده است.

۱ - سوره فتح، آیه ۲۸.

۲ - سوره نور، آیه ۳۵.

۳ - آخرین سفیر حجازی، ص ۹۹.

۴ - سوره زمر، آیه ۶۹.

۵ - آخرین سفیر حجازی، ص ۱۰۰.



- ۸ - جناب حجّة الاسلام والمسلمین محمودزاده شریعت خراسانی در کتاب ارزشمند خود به نام (مهدی در قرآن) یکصد و چهارده آیه به تعداد سُور قرآنی در مورد مهدی(ع) از منابع شیعه و سنی نقل نموده است.
- ۹ - آیه (وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى) سیّد جمال الدین حجازی در کتاب آخرین سفیر خود از محمد ابن مسلم از امام باقر(ع) نقل کرده که «النَّهَارُ هُوَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنَّا أَهْلَ الْبَيْتِ».
- ۱۰ - بانوی دانشمند امّ هانی از حضرت باقر(ع) از تفسیر (فَلَا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوَارِ الْكُنَّسِ) آیات ۱۶ - ۱۵ کُورْت سؤال نمود؛ فرمود: آن ستاره پنهان قائم ما مهدی است.

### (ب) در روایات

- ۱ - انتظار ظهور مُصلِح جهانی در روایات به حدّی فراوان است که کمتر موضوعی به آن کثرت پیدا می شود. مهدویت موضوعی است که علماء و دانشمندان و محدثین بزرگ اعم از شیعه و سنی پیرامون آن همراه با جمع هزاران حدیث و تحلیل های کلان جهانی صدها کتاب نوشته اند.<sup>۱</sup>
- ۲ - شهید آیت الله سیّد محمد باقر صدر مجموع اخبار رسیده از شیعه و سنی را درباره حضرت مهدی(ع) بیش از شش هزار روایت نقل می کند. و

۱ - برای اطلاع از کثرت کتاب های اهل سنت و مؤلفان شیعه که در این رابطه نوشته اند بهتر است به کتاب های:

۱- النجم الثاقب، ۲- منتخب الاثر، ۳- معجم الاحادیث الامام المهدی(ع)، ج ۲ مراجعه فرمائید.

این آمار بزرگی است که کمتر مسئله‌ای نظیر آن در قضایای اسلامی می‌توان یافت. به طوری که اصلاً وقوع آن قطعی و غیرقابل شک و تردید است.<sup>۱</sup>

۳ - در باب احادیث مربوط به حضرت مهدی (ع) شمار راویان از صحابه و تابعین و اهل سنت به طور کلی کمتر از شیعه نیست. شاید کهن‌ترین کتابی که از اهل سنت درباره حضرت مهدی (ع) می‌شناسیم کتاب (الفتن، حافظ نعیم ابن حماد مروزی متوفای ۲۲۷ هـ. ق) باشد که از علمای بزرگ اهل سنت و استاد بخاری و دیگران بوده است.<sup>۲</sup>

۴ - استاد علی محمد دخیل در کتاب خود (الامام المهدی) اسامی ۲۰۵ نفر از علمای اهل سنت را آورده است که تعداد ۳۰ نفر آنها کتاب مستقلی درباره حضرت مهدی نوشته‌اند و ۳۱ نفر فصلی از کتاب خود را به موضوع مهدویت اختصاص داده‌اند و تعداد ۱۴۰ هم به تناسب‌های مختلف روایت‌هایی در مورد حضرت مهدی (ع) در کتاب خود آورده‌اند.<sup>۳</sup>

۵ - در کتاب منتخب‌الاثر صفحات ۳۴۱ - ۳۲۲ اسامی ۶۵ نفر از علمای بزرگ سنی که با شیعه موافق بوده با ذکر اسامی کتاب‌هایشان را آورده است.<sup>۴</sup>

۶ - قدیمی‌ترین اثر شیعی درباره مهدویت بنا به نوشته اهل فن «کتاب

۱ - بحث حول المهدی، صص ۲۴ - ۲۳.

۲ - حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی، سیدحسین تقوی، ص ۱۰۰.

۳ - او خواهد آمد، نشریه دارالتبلیغ اسلامی، ص ۹۵.

۴ - منتخب‌الاثر، تألیف آیت... صافی.

غیبت یا کتاب قائم تألیف فضل ابن شاذان نیشابوری است» که متأسفانه نسخه آن در حال حاضر موجود نیست ولی بزرگان از آن ذکر حدیث نموده و علامه مجلسی در کتاب گرانقدر بحارالانوار روایاتی از آن کتاب نقل فرموده است.<sup>۱</sup>

برای اطلاع از کتاب‌های قدیمی شیعه در این موضوع، می‌توان الغیبه طوسی، الغیبه نعمانی، کافی کلینی، کمال‌الدین شیخ صدوق و ارشاد مفید، کشف الغمّة اربلی و جلد‌های ۵۱ تا ۵۳ بحارالانوار را از علامه مجلسی نام برد.<sup>۲</sup>

۷ - کتاب معجم الاحادیث الامام المهدی (ع) که تاکنون ۶ جلد آن چاپ شده است بیش از ۱۶۰۰ حدیث از پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) نقل نموده است.<sup>۳</sup>

در کتاب منتخب الاثر نیز اعمّ از شیعه و سنی در رابطه با مهدی موعود (ع) حدود ۲۹۵۱ روایت نقل کرده که در نوع خود بی‌نظیر است.<sup>۴</sup>

### ج) تفکیک روایات

۱ - روایاتی که می‌گویند مهدی از خاندان پیامبر است، ۳۸۹ حدیث.

۲ - روایاتی که می‌گویند ائمه دوازده تن هستند اول آنها علی و آخر آنها

مهدی است، ۹۱ حدیث.

۱ - مهدی از ظهور تا پیروزی، سیدحسین تقوی، صص ۱۰۲ - ۱۰۱.

۲ - همان.

۳ - همان.

۴ - منتخب الاثر، نوشته حضرت آیت‌العظمی صافی گلپایگانی.

- ۳ - روایاتی که می‌گویند مهدی از دودمان علی است، ۲۱۴ حدیث.
- ۴ - روایاتی که او را از نسل فاطمه (علیها السلام) می‌داند، ۱۹۲ حدیث.
- ۵ - روایاتی که او را نهمین فرزند امام حسین (ع) می‌داند، ۱۴۸ حدیث.
- ۶ - روایاتی که او را از فرزندان امام زین العابدین می‌داند، ۱۸۵ حدیث.
- ۷ - روایاتی که او را پسر امام حسن عسگری می‌داند، ۱۴۶ حدیث.
- ۸ - روایاتی که او را امام دوازدهم و امام آخر می‌داند، ۱۳۶ حدیث.
- ۹ - روایاتی که درباره ولادت آن حضرت رسیده، ۲۱۴ حدیث.
- ۱۰ - روایاتی که درباره طولانی بودن عمر آن حضرت رسیده، ۳۱۸ حدیث.
- ۱۱ - روایاتی که او را دارای غیبت طولانی می‌داند، ۹۱ حدیث.
- ۱۲ - روایاتی که مبشر ظهور آن حضرت است، ۶۵۷ حدیث.
- ۱۳ - روایاتی که می‌گویند شخص امام مهدی جهان را پر از عدل می‌کند، ۱۲۳ حدیث.
- ۱۴ - روایاتی که می‌گویند دین اسلام به وسیله او جهان گیر می‌شود، ۴۷ حدیث.

#### (د) اتفاق علمای فریقین در حضرت مهدی (ع)

همه فرق اسلامی اعم از شیعه و سنی بدون استثناء در انتظار قیام یک مصلح بزرگ از دودمان پیامبر (ص) به نام مهدی هستند و چنانکه از مصادر معتبر اسلامی نقل کرده‌اند و این اتفاق نظر به حدی است که تندروترین

گروه‌های آن (وهابی‌ان) نیز آن را پذیرفته و نه تنها پذیرفته بلکه چنانکه با اسناد نقل خواهد شد از آن به‌طور جدی دفاع نموده‌اند، در جای خود ذکر خواهد شد. و اینک نمونه‌هایی از آراء علمای بزرگ و مشهور اهل سنت.

۱ - عبدالرحمن ابن‌خلدون (۸۰۸ - ۷۳۲ هـ. ق) که گروهی از خاورشناسان او را پدر فلسفه تاریخ و پاره‌ای او را پدر جامعه‌شناسی می‌دانند و مقدمه مشهور او را یکی از شاهکارهای اندیشه بشری تلقی کرده‌اند. در قرن هشتم هجری فصلی بالغ بر چهل صفحه را به بحث درباره مهدویت و انتظار مردم در باره منجی موعود اختصاص داده است. و می‌گوید «بدان که بین همه مسلمانان، مشهور است که با گذشت روزگار، ناگزیر در آخرالزمان مردی از اهل بیت پیامبر، ظهور می‌کند که دین را یاری و عدالت را آشکار می‌سازد و مسلمانان از او پیروی می‌کنند و بر ممالک اسلامی استیلا یافته و مهدی نامیده شود».<sup>۱</sup>

۲ - دانشمند بزرگ و معاصر اهل سنت، و شیخ منصور علی ناصف نویسنده کتاب التاج الجامع للاصول، می‌نویسد: «در میان همه دانشمندان امروز و گذشته مشهور است که سرانجام مردی از اهل بیت پیامبر (ص) ظاهر می‌شود که بر تمام کشورهای اسلامی مسلط می‌گردد و مسلمانان از او پیروی می‌کنند و سپس بحث مشروحی درباره تواتر احادیث مربوط به مهدی (ع) را مطرح کرده و می‌گوید: «هَذَا يَكْفِي لِمَنْ كَانَ عِنْدَهُ ذَرَّةٌ مِنْ

## الایمان و قلیل من الأنصاف»<sup>۱</sup>.

### هـ) نظریه فرق اهل سنت

۱ - نظریه وهابیان: نظریه وهابیان که تندروترین و افراطی‌ترین گروه سنی‌ها و پیرو مذهب حنبلی هستند به شرح زیر است:

«شخصی به نام ابومحمد از کنیا درباره ظهور مهدی منتظر و از مرکز دینی رابطه العالم الاسلامی - که با نفوذترین مراکز مذهبی حجاز و مکه است - سؤال کرده است. دبیر کل رابطه (مَجْهَر صالح القزاز) در پاسخی که بر او فرستاده ضمن تصریح به این که ابن تیمیّه، نیز احادیث مربوط به ظهور مهدی را پذیرفته و متن رساله کوتاهی را که پنج نفر از علمای معروف فصلی حجاز تهیه کرده‌اند برای او ارسال نموده‌اند. در این رساله پس از ذکر نام مهدی (ع) و محل ظهور او، مکه چنین نوشته‌اند: به هنگام ظهور فساد در جهان و انتشار کفر و ستم، خداوند به وسیله او (مهدی) جهان را پر از عدل و داد می‌کند. او از آخرین خلفای راشدین دوازده‌گانه است که پیامبر (ص) از آنها در کتب صحاح خبر داده است. احادیث مربوط به مهدی را بسیاری از صحابه از جمله عثمان ابن عفان و علی بن ابیطالب و طلحة ابن عبدا...، عبدالرحمن ابن عوف، عبدالله ابن عباس، عمار یاسر، عبدا... ابن مسعود، ابوسعید خدری، ثوبان، قره ابن اساس مزنی، عبدا... ابن حارث،

۱ - التاج الجامع للاصول، ج ۵، صص ۳۲۷ - ۳۱۰. این کتاب اخیراً تألیف شده و جمعی از علمای دانشگاه الازهر مصر بر آن تقریظ نوشته‌اند.



ابوهریره، حذیفه ابن یمان، جابر ابن عبدالمطلب، ابوامامه، جابر ابن ماجه، عبدالمطلب... ابن عمر، انس ابن مالک، عمر ابن حصین، ام سلمه نقل کرده‌اند. اینها بیست نفر از کسانی هستند که روایات مهدی را نقل کرده‌اند. و غیر اینها نیز زیادند.

احادیث نقل شده و شهادت صحابه در بسیاری از کتب معروف اسلامی و متون اصلی حدیث پیامبر(ص) همانند سنن و معجم و مسانید از جمله سنن ابوداود، ترمذی ابن ماجه، ابن عمر والدانی، مسند احمد، ابی لیلی، براز، صحیح حاکم، معجم طبرانی، دارقطنی، اخبارالمهدی ابونعیم، تاریخ بغداد خطیب، تاریخ دمشق ابن عساکر، و غیر اینها.

دانشمندان معتبر اسلامی که در این زمینه کتاب‌های مستقلی تألیف نموده‌اند. همانند ابونعیم کتاب اخبارالمهدی، ابن حجر هیثمی القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، شوکانی التوضیح فی تواتر ما جاء فی المنتظر، ادریس عراقی مغربی، المهدی، ابوالعباس ابن عبدالؤمن مغربی کتاب الوهم المکنون فی الرد علی ابن خلدون. و آخرین کسی که در این زمینه بحث مشروحی را نگاشته؛ مدیر دانشگاه مدینه منوره که در چندین شماره مجلات دانشگاه آورده است. عده‌ای از بزرگان و دانشمندان اسلام از قدیم و جدید نیز در نوشته‌های خود تصریح کرده‌اند که احادیث در این زمینه در حدّ تواتر است و به هیچ عنوان قابل انکار نیست. بنابراین اعتقاد به ظهور مهدی موعود بر هر مسلمانی لازم است و هیچ مسلمانی جز افراد

نادان آنرا انکار نمی‌کنند.<sup>۱</sup>

تا اینجا جوابیه رابطه‌الاسلامی بود به ابومحمد کنیائی که ملاحظه گردید.

۲ - نظریه علمای شافعی: محمد ابن یوسف گنجی متوفای (۶۵۸ هـ. ق)

در باب ۲۵ کتاب البیان فی اخبار صاحب الزمان می‌گوید: «مهدی ممکن است تا زمان ظهورش زنده بماند و هیچ مانعی در این مسئله نیست همچنانکه حضرت عیسی و خضر زنده می‌باشند».<sup>۲</sup>

احمد ابن حجر هیشمی شافعی متوفای (۹۷۴ هـ. ق) در کتاب خود به

نام الصواعق المٌحرقة نقل می‌کند: «أخبار مُتواتر و فراوان از پیامبر(ص) نقل شده که سرانجام مهدی ظهور می‌کند و او از اهل بیت پیامبر است و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد».<sup>۳</sup>

۳ - نظریه علمای حنبلی: ابن قیم جوزی متوفای (۷۵۱ هـ. ق) در کتاب

خود به نام المنار المنیف فی تصحیح و الضعیف می‌گوید: «دیدگاه صحیح این که مهدی مردی از خاندان پیامبر و از فرزندان حسین ابن علی است و در آخرالزمان وقتی که زمین آکنده از ظلم و جور شده باشد ظهور کرده آن را پر از عدل و داد می‌نماید که بیشتر روایات بر این قول دلالت دارد».<sup>۴</sup>

۴ - نظریه یکی از علمای مالکی: ابن صباغ مالکی (متوفای ۸۵۵ هـ. ق)

۱ - مدرک این سوال جواب، کتاب مهدی انقلابی بزرگ، ص ۱۵۵ - ۱۴۶.

۲ - منتخب‌الاثار، ص ۳۲۴.

۳ - الصواعق المٌحرقة، ص ۹۹.

۴ - الامام المهدی عند اهل السنه، ج ۱، ص ۲۸۹.

در کتاب خود به نام الفصول المهمّة فی معرفة احوال الائمه می گوید: «ابوالقاسم محمد حجّة ابن الحسن العسکری الخالص، در شب نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق در شهر سامرا به دنیا آمد. و القاب او حجت، مهدی، خلف صالح، قائم، منتظر، صاحب الزمان و مشهورترین لقبش مهدی (ع) است»<sup>۱</sup>.

۵ - نظریه یکی از علمای حنفی: سلیمان قندوزی در کتاب خود به نام ینابیع المودة که دهها حدیث در تطبیق آیات با حضرت مهدی (ع) نقل کرده است و در اینجا تنها به یک حدیث اکتفا می کنیم به سند خود از امام علی ابن موسی الرضا (ع) آورده که آن حضرت فرموده است: «چهارمین فرزند من که خداوند به وسیله او زمین را از هر ظلم و ستمی پاک می کند، او همان کسی است که مُنادی برای او از آسمان به طوری که تمامی اهل زمین می شنوند ندا می کند. آگاه باشید که حجت خداوند نزدیک خانه خدا ظهور کرده و از او پیروی نمائید زیرا که او در مسیر حق بوده و حق با اوست. سپس امام فرمود: همین است سخن خداوند (إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ آيَةً فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ)<sup>۲</sup>».

۶ - نظریه یکی از علمای معتزلی: ابن ابی الحدید معتزلی<sup>۳</sup> در شرح نهج البلاغه در شرح کلام امام علی (ع) که می فرماید: «بِنَا يَخْتِمُ لَابِكُمْ». «این گفته اشاره به مهدی (ع) است که در آخر الزمان ظهور می کند. و بیشتر

۱ - الفصول المهمّة فی معرفة اطول الائمة، ص ۲۹۲.

۲ - سوره شعراء، آیه ۴.

۳ - ابن ابی الحدید معتزلی بزرگترین شارح نهج البلاغه از بزرگان معتزلی و از ادبای مشهور عرب می باشد.

محدثان برآیند که وی از فرزندان فاطمه می‌باشد و بزرگان معتزله این نظر را انکار نمی‌کنند. بلکه در کتاب‌های خود به آن تصریح کرده‌اند و اعتراف نموده‌اند.<sup>۱</sup>

سپس ابن ابی الحدید در شرح این جمله مولا که (لَتَعْطِفَنَّ الدُّنْيَا عَلَيْنَا بَعْدَ شِمَا سِهَا عَطْفَ الضَّرْوُسِ عَلٰی وَكِدِّهَا)<sup>۲</sup> دنیا با ما نرم‌خوئی خواهد نمود بعد از آنکه چموشی کرد سپس امام آیه (وَ تَرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلٰی الَّذِينَ اسْتَضَعُوا الْخ) را تلاوت کرد. ابن ابی الحدید گفته است: «شیعه می‌گوید این جملات دلالت بر امام غائب است که مالک زمین شود». ولی اهل سنت می‌گویند: «این جمله دلالت بر امامی دارد که در آخرالزمان مالک زمین شود ولی لازم نیست الان موجود باشد».<sup>۳</sup>

لازم به ذکر است که بعضی از فرقه‌های اهل سنت همانند معتزلی‌ها معتقدند که لازم نیست مهدی از همین حالا موجود باشد بلکه او در آخرالزمان خواهد بود.

۷ - نظریه یکی از عرفای بزرگ جهان اسلام: محی‌الدین عربی<sup>۴</sup> متوفای (۶۳۸ هـ. ق) در کتاب پیرارج خویش به نام (الفتوحات المکیة) می‌گوید: «آگاه باش، خداوند ما را یاری گرداند که پروردگار را خلیفه‌ای است ظهور

۱ - الامام المهدي عند اهل السنة، ج ۱، ص ۱۶۴.

۲ - نهج البلاغه، حکمت ۲۰۹.

۳ - الامام المهدي عند اهل السنة، ج ۱، ص ۱۷۴.

۴ - محی‌الدین عربی یکی از اعجوبه‌های جهان اسلام و عرفای نامی است که قضاوت‌های کاملاً ضد و نقیض درباره او شده و هنوز شناخته نشده است.

می‌کند در حالی که زمین پر از ظلم و جور شده باشد و او آن را از نو پر از عدل و داد می‌کند و اگر از عمر جهان تنها یک روز مانده باشد و خدای سبحان آن روز را به حدی طولانی می‌کند تا خلیفه‌اش از خاندان رسول... (ص) و از فرزندان فاطمه (علیهاالسلام) و همنام با پیامبر خدا بر جهان حکمرانی کند او در کارزار بزرگ در مُرج عکا حاضر می‌شود. ستم و ستمگران را نابود می‌کند و دین را برپا داشته و جان تازه بر کالبد اسلام می‌دهد. اسلام بعد از خواری به سبب او عزیز می‌شود»<sup>۱</sup>.

همچنین این دو بیت شعر نیز از مُحیی‌الدین در فتوحات آمده است.

هُوَ السَّيِّدُ الْمَهْدِيُّ مِنْ آلِ أَحْمَدَ      هُوَ الصَّارِمُ الْهِنْدِيُّ حِينَ يُبِيدُ  
هُوَ الشَّمْسُ يَجْلُو كُلَّ غَمٍّ وَ ظُلْمَةٍ      هُوَ الْوَابِلُ الْوَسْمِيُّ حِينَ يَجُودُ<sup>۲</sup>

### (و) تفاوت انتظار بین شیعه و سایر مذاهب و ادیان

انتظار اگر واقعی باشد، انسان را می‌سازد، یک عقیده قلبی است که آثارش در اندیشه و اعمال مشهود است. زیرا امیدواری به آینده زمانی خوب است که او را به کار و تلاش وادارد و اگر امید نباشد انسان از حرکت می‌ایستد. پس امید واقعی کجاست؟ در سایر ادیان می‌گویند: نجات بخش خواهد آمد. مثلاً یهود می‌گویند، مشیا می‌آید، ولی در پاسخ به این سوال که هویت او چیست؟ می‌گویند، نمی‌دانیم. و یا انجیل می‌گویند:

۱ - الفتوحات المکیه، باب ۳۶۶، صص ۳۲۹ - ۳۲۶.

عیسی خواهد آمد، ولی چه خواهد کرد؟ می‌گویند: نمی‌دانیم و حتی آنها می‌گویند: طبق نوشته انجیل، وقتی عیسی بیاید قیامت برپا می‌شود، بنابراین مسیحیان، نسبت به آینده، حیرت زده‌اند. پس انتظار واقعی نیست. انتظار مرگ است، چون قیامت برپا می‌شود. اکثر اهل سنت هم می‌گویند: مهدی خواهد آمد، ولی هنوز متولد نشده است. اما این که هویت او چیست؟ چه کسی او را انتخاب می‌کند؟ پاسخ درستی نمی‌دهند، پس منتظر واقعی نیستند و متحیرند - ولی شیعه او را مشخص می‌کند. می‌گوید: او به دنیا آمده، پدر و مادرش معلوم است، اکنون در غیبت کبری است، خداوند او را حفظ کرده و کسانی او را دیده‌اند. بنابراین، انتظار شیعه یک انتظار واقعی و سازنده است.

### (ن) نظریه سیاستمداران غرب و صهیونیسم به مهدویت

بحث‌های آخرالزمانی که توسط افرادی چون تافلر، فوکویاما، هانتینگتون، برژینسکی و... مطرح می‌شود خیلی جدی‌تر از آرمانگرایی و فضای امیدوارانه ماست. آنها وارد میدان مبارزه با مهدویت گردیده و در این رابطه علاوه بر هزار مقاله و کتاب فیلم‌هایی همانند شَبَح، خلیج فارس جهنم، بازی کامپیوتری یا مهدی، روز استقلال، نوستر آداموس، همه و همه برای نفوذ در عقاید مهدی باورانه مسلمین از سویی و تحریک اقوام خود برای مقابله از سوی دیگر و اینکه ما قدرت برتر جهان هستیم و همه چیز را کنترل کرده و نمی‌توانیم تغییرش دهیم.

نظریه گاسپاروان برگر: وزیر دفاع اسبق آمریکا کتاب (جنگ بعدی)



نوشته و بخشی از آنرا به محمد منتظر یعنی (مهدی(ع)) اختصاص داده و برای آمریکا و غرب هشدار می‌دهد. و در تحلیل عقاید شیعیان می‌گوید اینها دو نگاه دارند: یکی سرخ یعنی عاشورای امام حسین(ع) و با او قیام می‌کنند و دوّمی سبز یعنی انتظار مهدی و با آن امید یافته قیام‌های خود را نگه می‌دارند. و ما باید اولی را خرافات و جنگ قبیله‌ای قلمداد نموده از بین ببریم و شک و تردید در آن از سویی و خرافات از سوی دیگر وارد نمائیم و از درون تُهی سازیم و دوّمی انتظار مهدی را نه سبز بلکه سیاه نشان دهیم و به وسیله کتاب‌ها و نوشته‌ها و مقالات علمی و فیلم‌های نظیر آرماگدون<sup>۱</sup> و صهیون و... برتری خودمان را و نابودی آنان را نشان دهیم و دنیا را کنترل کنیم. و این همان حادثه بزرگ می‌باشد که در منابع اسلامی از آن به عنوان سفره خدا برای حیوانات و پرندگان یاد شده از کثرت کشته شدگان اشرار و کفار و ملاحده<sup>۲</sup>.

**نظریه ویژه صهیونیست‌ها:** به نظر صهیونیست‌ها محل این نبرد در ۲۰ مایلی جنوب شرقی حيفا و ۱۵ مایلی دریای مدیترانه میان مرز اردن و

۱ - یعنی نبرد نهایی حق باطل در آخرالزمان و آرماگدون در کتب منابع اسلامی همان قرقیسیا در منطقه عمومی فلسطین و در ۲ مایلی جنوبی تل‌آویو می‌باشد. بنابر آنچه در باب ۱۶ مکاشفات یوحنا آمده جنگ عظیمی در آنجا رخ خواهد داد و این همان حادثه بزرگی است که در کلام ائمه ما به نام جنگ قرقیسیا آمده است.

۲ - هم از امام صادق(ع) و هم از امام حسین(ع) منقولست که در این جنگ بزرگ میلیون‌ها نظامی از روم و غرب و خاورمیانه و ایران و سوریه و لبنان و عراق گرد می‌آیند. و سپاهیان سفیانی و کفار و اشرار در قرقیسیا (آرماگدون) جمع می‌آیند برای کشتن آل محمد و شیعیان ایشان و مسلمانان واقعی جنگ سختی می‌گیرد که میلیون‌ها نفر در آن و به روایتی (۲۰۰ میلیون نفر) کشته می‌شوند. و سفره بزرگ از جانب خدا برای سیر کردن شکم پرندگان و حیوانات گسترده می‌شود و منادی ندا کرده همه را خبر می‌دهد.

فلسطین اشغالی است. در این منطقه ارتشی بالغ بر ۲۰۰ میلیون از شرق و غرب عالم جمع در محل باستانی آرماگدون گرد می‌آیند تا مسیحای موعود بزعم مسیحیان و مهدی موعود بزعم مسلمانان را شکست بدهند. و بزرگتر از این جنگی نخواهد بود و پیروزی از آن یهودیان می‌شود. و در این باره جار و جنجال زیادی راه انداخته و کتاب‌ها و مقاله‌ها نوشته و فیلم‌ها ساخته‌اند. تلویزیون اسرائیل دائم از این جنگ سخن گفته و نویدهایی می‌دهند و کتاب‌های: ۱ - زمین سیاره بزرگ مرحوم، ۲ - جهان نوینی در حال رسیدن است، ۳ - شما و سال آرماگدون بعد از سال ۲۰۰۰، ۴ - چه بر سر ما می‌آید؟، ۵ - آمادگی برای بحران فردای جهان و... آنان مهدی این رحمت واسعه الهی و وارث انبیاء و نقطه امید بشریت را خشن و خونریز نشان می‌دهند. به طوری که می‌نویسند در آرماگدون خون به دهان اسب‌ها می‌رسد ولی عاقبت با آگاهی یهودیان و پیشرفت ماشین جنگی آمریکا شکست خواهد خورد.<sup>۱</sup>

۱ - کنفرانس تل‌آویو، مقاله دکتر برنارد لوئیس، میشل فوکو و مارتین کرامر، سال ۱۹۹۷.

## فصل دوم

### سوالاتی در پیرامون مهدویت

در رابطه با امام عصر مهدی موعود(ع) سخن بسیار گفته شده و مطالب فراوان به رشته تحریر درآمده. چرا که یک موضوع مهم جهانی و از سویی یک اعتقاد مهم دینی و کلامی و عقلانی کلان در عرصه جهانی است. لذا به موضوعات بسیار اساسی در حوزه اندیشه اسلامی پرداخته شده و به عنوان سوالاتی مهم در اذهان عمومی مطرح و در حد توان پاسخ‌هایی مناسب از منابع اسلامی توسط اهل فن و دانشمندان داده شد که ذیلاً به بعضی از آنها اشاره می‌گردد.

سؤال اول: آیا غیبت برای حضرت مهدی(ع) امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر بوده است؟

جواب: ۱ - در روایتی از امام حسن عسگری(ع) چنین آمده است: «قَدْ

وَضَعَ بَنُو أُمِّيَّةَ وَ بَنُو الْعَبَّاسِ سِيُوفَهُمْ عَلَيْنَا لِعَلَّتَيْنِ أَحَدُهَا إِنَّهُمْ كَانُوا يَعْلَمُونَ أَنْ

لَيْسَ لَهُمْ فِي الْخِلَافَةِ حَقٌّ، فَيَخَافُونَ مِنْ طَلَبِنَا إِيَّاهَا لِتَسْتَقِرَّ فِي مَرْكَزِهَا، وَثَانِيهَا قَدْ وَقَفُوا مِنَ الْأَخْبَارِ الْمُتَوَاتِرَةِ عَلَى أَنَّ زَوَالَ مُلْكِ الْجَبَابِرَةِ الظَّلْمَةِ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِنَّا وَكَانُوا لَا يُشْكُونَ أَنَّهُمْ مِنَ الْجَبَابِرَةِ الظَّلْمَةِ، فَسَعَوْا فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ... (ص) وَ أَبَادَةَ نَسْلِهِ طَمَعًا مِنْهُمْ فِي الْوِلَايَةِ إِلَى مَنْعِ تَوْلُدِ الْقَائِمِ (ع). أَوْ قَتْلِهِ فَأَبَى... أَنْ يَكْشِفَ أَمْرَهُ لِوَاحِدٍ مِنْهُمْ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورُهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: بنی امیه و بنی العباس شمشیرهایشان را به دو دلیل بر علیه ما آل محمد به کار بردند: ۱ - اینکه آنها می دانستند که مستحقّ خلافت نبوده و برای آن مشروعیت ندارند. پس می ترسیدند که ما آن حقّ مسلم خویش را از آنان بستانیم تا خلافت و ولایت در مرکز و جایگاه آن قرار گیرد. ۲ - آنها از اخبار متواتره پیامبر و ائمه (ع) فهمیده بودند که زوال حکومت ستم پیشه گان به دست قائم ما (مهدی (ع)) خواهد افتاد و در این شکی نداشتند که آنها از ستمکاران و ظلمه هستند. پس سعی در قتل و از بین بردن اهل بیت رسول... نمودند و در از بین بردن و محو کردن نسل پیامبر که آنها صاحبان اصلی خلافت و ولایت رسول هستند و اینکه جلوگیری از تولد قائم و یا او را به قتل برسانند. پس خدا هم نگذاشت احدی از آنان بر این امر واقف شوند. تا اینکه خودش را به اتمام رسانده و اراده اش را تحقق بخشید اگرچه مشرکان و جبّاران آن را دوست ندارند.

جواب: ۲ - تلاش جبّاران برای جلوگیری از تولد مهدی (ع) به حدّی شدید بوده که حتی امامان بعد از امام صادق (ع) از لحاظ ازدواج و

۱ - اثبات الهداة، ج ۳، ص ۷۰؛ معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۲ که سند حدیث را صحیح یا موثّق دانسته اند.

خانوادگی نیز تحت نظارت و کنترل بوده، به طوری که مادر شش امام همگی کنیز بوده‌اند. و بعد از امام رضا(ع) کنترل و نظارت شدیدتر و سخت‌تر بوده است. و در این میان تولد امام مهدی(ع) از نرجس خاتون و جریان خریدن امام علی‌النقی(ع) نرگس خاتون اسیر از روم و فرزند قیصر رومی از نسل شمعون‌الصفا توسط بشیر ابن سلیمان از اولاد جابر ابن عبدالمطلب از بغداد و مسئله پنهان بودن حاملگی آن که حتی تا شب تولد حکیمه خاتون نزدیک‌ترین فرد به امام هم نمی‌دانست و از این جهت ولادت امام مهدی(ع) همانند ولادت حضرت ابراهیم و موسی و عیسی(ع) بوده است که خود حکایت مفصل و معجزه‌آسایی دارد، که بزرگان دین در کتاب‌های خود به آن پرداخته‌اند و در جای خود به آن اشاره خواهد شد.<sup>۱</sup>

جواب: ۳ - در این رابطه روایاتی که شاهد بر مُدعا است از امام

عسگری(ع) نقل می‌کنیم:

۱ - «هَذَا جَزَاءُ مَنْ اجْتَرَ أَعْلَى اللَّهِ فِي أَوْلِيَائِهِ يَزْعَمُ أَنَّهُ يَقْتُلُنِي وَ لَيْسَ لِي عَقَبٌ فَكَيْفَ رَأَى قُدْرَةَ اللَّهِ فِيهِ»<sup>۲</sup> بعد از مرگ خلیفه ستمگر، امام(ع) در توقیعی به بعضی از وکلای خود می‌فرماید که مُتَعَزِّلَعین می‌خواست بعد از امام هادی امام عسگری را نیز به قتل رساند امام می‌فرماید این کیفر کسی است که گمان می‌کند مرا می‌کشد در حالی که خلف و عقب برای من

۱ - در همه کتاب‌های نوشته شده درباره مهدی(ع) این مسائل در حد متواتر و اظهر من الشمس موجود می‌باشد.

همانند کشف الغمّه مهدی(ع) از ظهور تا پیروزی، اصول کافی و آخرین سفیر امام مهدی، آیت... قزوینی و...

۲ - اصول کافی، ج ۱.

نیست پس چطور قدرتِ خداوند در او (فرزندم) می‌بینم.

۲ - «زَعَمُوا أَنَّهُمْ يُرِيدُونَ قَتْلِي لِيَقْطَعُوا هَذَا النَّسْلَ وَقَدْ كَذَّبَ اللَّهُ قَوْلَهُمْ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: آنها گمان می‌کنند با کشتن من این نسل را قطع نمایند. پس خداوند اراده و گفتار دشمنان را به کذب مبدل ساخت. حمد برای او باد.

۳ - «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَخْرُجْنِي مِنَ الدُّنْيَا حَتَّىٰ أَرَانِي الْخَلْفَ مِنْ بَعْدِي أَشْبَهُ

النَّاسُ بِرَسُولِ اللَّهِ خُلُقًا وَ خَلْقًا يَحْفَظُهُ اللَّهُ تَعَالَىٰ فِي غَيْبَتِهِ ثُمَّ يُظْهِرُهُ فَيَمْلَأُ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا»<sup>۲</sup>.

ترجمه: سپاس مر خداوندی را که مرا از دنیا نبرد تا اینکه جانشین بعد از خود را ببینم. کسی که از لحاظ خلقت و اخلاق شبیه‌ترین مردم به پیامبر خدا(ص) است و خداوند او را در زمان غیبت حفظ نموده و سپس ظاهر ساخته و به سبب او زمین را پر از عدل و داد می‌نماید.

**سؤال دوّم: چرا غیبت باید اینقدر طولانی باشد؟**

جواب: ۱ - امام و رهبری دین کامل الهی برای همه جهان و جهانیان آن هم الی‌الابد برعهده دارد باید پدیده‌یک تمدن و یک عصر نباشد، بلکه باید همه تمدن‌ها و فرهنگ‌های اجتماعی را لمس نموده و شاهد فروپاشی همه

۱ - بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۱ و غیبة نعمانی و طوسی.

۲ - اکمال‌الدین صدوق، ج ۲.



آنها باشد. تا برتر و فراتر از همه آنها و محیط، و ناظر بر همه آنها باشد.<sup>۱</sup>  
**جواب: ۲ -** قبل از پیروزی حق مطلق و آرمان مطلوب باید همه باطل‌ها از تمامی نسل‌ها و قبیله‌ها امتحان شده و مردم بعد از آن همه ناروایی‌ها آماده پذیرایی از مُصلح واقعی و عادل باشند.<sup>۲</sup>

**جواب: ۳ -** مُصلحی که می‌خواهد رسالت عظیم جهانی اسلام را محقق سازد، باید به منبع آن یعنی آورنده اسلام و بنیانگذار آن خیلی نزدیک بوده و نشأت یافته آن فرهنگ و مکتب از همان ریشه و اصل بوده و از طرفی شاهد و ناظر سپری شدن تمامی اباطیل و ناروایی‌ها باشد و کافی نیست او محصول و موجود یک عصر و یک نسل باشد و بلکه در عین اینکه از اصل و ریشه خیلی دور نبوده ولی شاهد سپری شدن تمدن‌های زیاد و مدعیان دروغین فراوانی بوده و دارای تجربه طولانی و عمر دراز و در واقع غیبت طولانی باشد. و در این رابطه به روایاتی از ائمه معصومین (ع) در رابطه با موضوع اشاره می‌کنیم:

۱ - «قالَ مَوْلانا الصّادِقُ (ع) دَوْلَتنا آخِرُ الدُّوَلِ وَ لَمْ يَبْقَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ لِهْمُ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنا لَيْلًا يَقُولُوا إِذا رَأوا سِیرَتنا إِذا مَلَكنا سِیرنا مِثْلَ سِیرِهِ هُؤَلاءِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ (وَ الْعاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ)».<sup>۳</sup>

۲ - عبدالله ابن فضل هاشمی از امام صادق (ع) نقل می‌کند که امام

۱ - دیباچه بر رهبری و چهار مقاله درباره مهدویت.

۲ - همان.

۳ - کتاب الغیبه شیخ طوسی (ره)، کشف الغمه اربلی.

فرموده: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَيْبَهُ لَا بُدَّ مِنْهَا يَرْتَابُ فِيهَا كُلُّ مُبْطِلٍ وَ قَقُلْتُ لَهُ وَ لِمَ جَعَلْتُ فِدَاكَ. قَالَ لِأَمْرٍ لَمْ يُؤْذَنْ لِفَا فِي كَشْفِهِ لَكُمْ. فَقُلْتُ فَمَا وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ فَقَالَ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَتِهِ وَجْهُ الْحِكْمَةِ فِي غَيْبَاتٍ مِنْ تَقْدِمِهِ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَى ذَكَرَهُ وَ إِنْ وَجْهُ الْحِكْمَةِ لَا يَنْكَشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ وَ كَمَا لَا يَنْكَشِفُ وَجْهُ الْحِكْمَةِ لَمَّا آتَاهُ الْخِضْرُ مِنْ خَرَقِ السَّفِينَةِ وَ قَتَلَ الْغُلَامَ وَ إِقَامَهُ الْجِدَارَ لِمُوسَى (ع) إِلَّا وَقَّتِ افْتِرَاقَهُمَا، يَا ابْنَ الْفَضْلِ إِنَّ الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ وَسِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَيْبٌ مِنْ غَيْبِ اللَّهِ وَ مَتَى عَلِمْنَا اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ حَكِيمٌ وَ صَدَقْنَا بِأَنَّ أَعْمَالَهُ كُلَّهَا حِكْمَةٌ وَ إِنْ كَانَ وَجْهَهَا غَيْرَ مُنْكَشِفٍ لَنَا»<sup>۱</sup>

ترجمه: یعنی همانا برای صاحب این امر غیبتی است که چاره‌ای از آن غیبت ندارد، تمام اهل باطل در غیبت او به شک و تردید دچار می‌شوند. از امام پرسیدم: فدایت شوم چرا برای امام آن غیبت هست؟ امام فرمودند: دلیلی دارد که ما اجازه نداریم برای شما آشکار گردانیم. عرض کردم: چه حکمتی در غیبت او هست؟ فرمودند: حکمت غیبت او همان حکمت غیبت حجت‌های پیشین خداوند متعال است، دلیل حکیمانه غیبت او جز بعد از ظهور او افشاء نمی‌شود، چنانکه حکیمانه بودن کارهای حضرت خضر(ع) که کشتی را سوراخ کرده، پسر نابالغ را به قتل رسانده، و دیوار خراب را مجدداً بنا نموده، جز در هنگام جدایی حضرت موسی(ع) و خضر(ع) از یکدیگر برای حضرت موسی(ع) آشکار نشده است.

۱ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲؛ غیبه نعمانی و اصول کافی، ج ۲؛ معجم الاحادیث الامام المهدي(ع)، ج ۲.

ای پسر فضل همانا این کار (غیبت) امری از امر خداوند و رازی از سر خداوند و غیبی از غیبت خداوند است وقتی که دانستیم خداوند عزوجل حکیم است تصدیق می‌کنیم به اینکه کارهای خداوند همه‌اش از روی حکمت است اگرچه دلیل حکیمانه بودن آن برای ما آشکار نباشد.

۳ - شیخ کلینی از اسحاق ابن یعقوب روایت می‌کند که این حدیث از دست محمد ابن عثمان عمری نائب دوم امام عصر (عج) به اسحاق ابن یعقوب رسیده است. و امام عصر (ع) در پاسخ سوالی اسحاق ابن یعقوب در مورد فلسفه غیبت فرمودند: «وَأَمَّا عَلَّةُ مَا وَقَعَ مِنَ الْغَيْبِ فَإِنَّ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ تَسْأَلُكُمْ»<sup>۱</sup>. «إِنَّهُ لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ مِنْ آبَائِي إِلَّا وَقَعَتْ فِي عُنُقِهِ بَيْعَةٌ لِبَطَاغِيهِ زَمَانِهِ، وَإِنِّي أَخْرَجُ حِينَ أَخْرَجُ وَلَا بَيْعَةَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِيتِ فِي عُنُقِي. وَأَمَّا وَجْهُ الْإِنْتِقَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكَانَتْ قَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبْتُهَا عَنْ الْأَبْصَارِ السَّحَابَ وَإِنِّي لِأَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْضِ كَمَا أَنَّ النُّجُومَ أَمَانٌ لِأَهْلِ السَّمَاءِ فَأَغْلِقُوا أَبْوَابَ السُّؤَالِ عَمَّا لَا يَعْنِيكُمْ وَلَا تَتَكَلَّفُوا عَلَى مَا قَدْ كَفَيْتُمْ وَ أَكْثَرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِيلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكُمْ وَالسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا اسْحَاقَ بْنَ يَعْقُوبَ وَعَلَى مَنْ التَّبَعَ الْهُدَى»<sup>۲</sup>.

ترجمه: اما آنچه علت وقوع غیبت است، به درستی که خداوند عزوجل می‌فرماید: ای مؤمنان از چیزهایی نپرسید که اگر آشکار گردد به ضرر و زیان شما

۱ - سوره مائده، آیه ۱۰۱.

۲ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۹۲؛ معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۲.

است. همانا از پدرانم هیچ‌یک نبودند جز اینکه در گردن آنها بیعتی برای طاغوت زمانشان واقع گردید، من هنگامی که قیام می‌کنم در حالی قیام می‌کنم که برای هیچکس از طاغوت‌ها در گردنم بیعت نیست. اما غیبت من، چگونه می‌توانند از من استفاده نمایند؟ بهره بردن از من در غیبتم همانند بهره بردن از خورشید است در وقتی که ابرها آن را از چشم جهان پنهان کرده، من سبب امنیت برای اهل زمین هستم. چنانکه ستارگان امنیت برای اهل آسمان هستند. درب سوال را از چیزهایی که کمکتان نمی‌کند ببندید، خودتان را بر آن چیزهایی که ما شما را کفایت کرده‌ایم به زحمت نیندازید، برای تعجیل فرج بسیار دعا کنید که فرج شما در تعجیل فرج است. سلام بر تو ای اسحاق پسر یعقوب و بر کسانی که هدایت را پیروی می‌نمایند.

**سؤال سوّم: آیا غیبت امام از روی ناچاری و اضطرار است؟ یا مبتنی بر حکمت و مصلحت الهی است؟**

**جواب: ۱ -** طرفداران نظریه اول همانند شیخ طوسی در النّهایه فی مجرد الفقه و الفتاوی، ابن ادریس در سرائر، محقق حلّی در شرایع الاسلام، شهید اول در دروس و اللّمة، ابوالصلاح حلبی در تقریب المعارف، طبرسی در مجمع‌البیان، فیض کاشانی در علم الیقین فی اصول‌الدین و دیگران بنا بر این نظریه تعطیلی احکام سلطانی و برخی از احکام را پذیرفته‌اند که هر کس بخواهد به منابع ذکر شده مراجعه نمایند. و به همین دلیل در مورد ولایت مطلقه فقیه تنها به بعضی از امور حسبیه اکتفاء نموده‌اند.

**جواب: ۲ -** در مقابل عقیده گروه اول عدة دیگر غیبت امام عصر (عج) را به فضل خداوند حکیم و غیبت را از حکمت می دانند. همانند سیدمرتضی علم الهدی در کتاب الذخیره فی علم الکلام، علامه حلی در کشف المراد، ابن میثم بحرانی در قواعد المرام. و آیت... نائینی در تنبیه الملة و تنزیه الامّة، منتظری در ولایت فقیه، جوادی آملی در ولایت فقیه، امام خمینی در ولایت فقیه و حکومت اسلامی و فاضل نراقی در انیس الموحّدین و... که بر همین اساس همه شئون امام را در اجرای احکام سلطانی و حدود و غیره بر ولایت فقیه لازم و ضروری دانسته و آن را نه انتخاب مردم و نه وکالت از سوی آنان بلکه انتصاب از سوی خداوند توسط ائمه (علیهم السلام) و مقبولیت را از سوی مردم شرط تحقق آن می دانند. چنانکه مسئله ائمه (علیهم السلام) نیز با اقبال و پذیرش مردم به منصّه عمل آمده و لباس تحقق می پوشید.

**سؤال چهارم: چرا امام دارای ۲ غیبت صغری و کبری می باشد؟**

**جواب: ۱ -** شاید حکمت این باشد که غیبت صغری نوعی آماده سازی برای غیبت کبری و طولانی بوده. چنانکه غیبت کبری برای ظهور و حضور تامّ تمام و با پذیرش جهانی در جامعه انسانی می باشد. و غیبت صغری یک حالت وسط میان کبری و ظهور باشد، چرا که غیبت کبری گسستن کامل رابطه میان امام و امت است. و ظهور برقراری کامل این رابطه و غیبت

صغری نه آن است و نه این یعنی نه گسستن کامل بود و نه حضور کامل بلکه شرایط و وضعیت میانه‌ای حاکم بود.<sup>۱</sup>

جواب: ۲ - روایات متعددی از پیامبر و از ائمه (علیهم‌السلام) که مهدی دارای ۲ نوع غیبت خواهد بود که در کتاب‌های<sup>۲</sup> اصول کافی باب غیبه و باب فی الغیبه منتخب الاثر غیبت طوسی و ج ۵۱ بحار و... مطرح شده و موجود است و طالبین تفصیل به آنها مراجعه فرمایند، ما در این تبرکاً به یک حدیث بسنده می‌کنیم.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «لِلْقَائِمِ غَيْبَتَانِ إِحْدَاهُمَا طَوِيلَةٌ وَالْأُخْرَى قَصِيرَةٌ وَفَالْأُولَى يَعْلَمُ وَبِمَكَانِهِ خَاصَّةٌ مِنْ شِيعَتِهِ وَالْأُخْرَى لَا يَعْلَمُ بِمَكَانِهِ فِيهَا إِلَّا خَاصَّةٌ مَوَالِيهِ فِي دِينِهِ».<sup>۳</sup>

نکته: کسانی از علماء که غیبت صغری را از زمان تولد آن امام می‌دانند همانند شیخ مفید و سیدمرتضی و... آن را ۷۴ سال می‌گویند و اما بزرگان دیگر مانند علی ابن عیسی اربلی و طبرسی و غیره که آن را از شهادت امام عسگری می‌دانند آن وقت ۶۹ سال تلقی می‌کنند. چرا که امامت مهدی (ع) از شهادت پدر شروع می‌شود. پس غیبت صغری امام ۶۹ سال می‌شود. و اما غیبت اعم از ولادت یا امامت ۷۴ سال است و با اندکی تأمل برای صاحب‌نظر روشن است که قبل از امامت غیبت معنی ندارد. به ویژه با

۱ - مهدی از ولادت تا ظهور، آیت... قزوینی، ص ۲۳۰.

۲ - آخرین سفیر حجازی.

۳ - غیبه نعمانی، ص ۱۷۰؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۱۴۰.

عنایت به وجود نوّاب خاصّ که رابط میان امام و امت بوده‌اند که با شروع غیبت کبری سال ۳۲۹ خاتمه می‌یابد.<sup>۱</sup>

### سؤال پنجم: پیدایش مدعیان دروغین مهدویت از چیست؟

جواب: ۱ - قبل از ذکر اسامی مدعیان دروغین مهدویت و علل آن نگاهی به مدعیان دروغین مسیحیایی در جهان و در طول تاریخ می‌اندازیم و نکات مشترکی را که در میان هر دو موجود است ذکر می‌نمائیم، اول اختصاراً به چند نمونه به شرح زیر اشاره می‌کنیم:

- ۱ - جیمز نایلور (۱۶۶۰ - ۱۶۱۸ م) ادّعی مسیحائی کرد.
- ۲ - یوحنا سوشکات (۱۸۱۴ - ۱۷۵۷ م) ادّعی مسیحائی کرد.
- ۳ - ریچارد برادرز (۱۸۲۴ - ۱۷۹۹ م) ادّعی مسیحائی کرد.
- ۴ - جان نکولوزتام (۱۸۳۸ - ۱۷۸۰ م) ادّعی مسیحائی کرد.
- ۵ - هنری جیمز پرنسیس (۱۸۹۹ - ۱۸۱۱ م) ادّعی مسیحائی کرد.

که اغلب این مدعیان یا برعلیه اشغالگران بوده و یا برای شهرت و قدرت و ثروت و عوامفریبی و فرقه‌سازی، نوعاً با تحریک استعمارگران بوده است. و گاهی از احساسات مردم تحت این عنوان مقدّس که همه اعتقاد داشتند در پیشبرد اهدافشان استفاده می‌کردند، چنانکه در مدعیان مهدویت نیز اغلب موارد ذکر شده وجود داشته است، یا اهداف مادی داشتند، عوامفریبی،

۱ - از سال ۲۶۰ شهادت امام عسگری تا سال ۳۲۹، ۶۹ سال می‌شود.



شهرت، قدرت، سوء استفاده، فرقه‌سازی و یا گاهی هدف معنوی داشتند مانند قیام علیه اشغالگران.<sup>۱</sup>

جواب: ۲ - روایاتی که از پیامبر اسلام (ص) و ائمه (علیهم‌السلام) در این رابطه رسیده است و مشعر بر حقیقت و پیروزی این موعود و مصلح بوده و خود بهترین و قوی‌ترین انگیزه برای افرادی که به هر دلیل می‌خواستند مردم را تحریک نمایند. و یا به اهداف خود نایل شوند، بوده است که لشکرکشی‌های مهمی را به راه انداخته و سرزمین‌هایی را بگشایند و یا بر علیه ستمگران و اشغالگران قیام نموده و رهایی بخشند و یا برای شهرت و عزت این کارها را شروع نموده و ادعای دروغی را نموده‌اند. که شرح حال افراد مدعی به وضوح شاهد این اهداف و انگیزه‌ها بوده است. و اینک نمونه‌هایی از افراد در طول تاریخ در سرزمین‌های اسلامی و حتی غیراسلامی و گاهی به نیت پاک و معنوی<sup>۲</sup> به شرح زیر است:

۱ - اولین مورد در صدر اسلام بعد از واقعه کربلا، قیام مختار ابن ابی عبیده ثقفی است که وابسته به محمد ابن حنفیه فرزند علی (ع) و استفاده از آن عنوان و تعبیر مهدی از او توسط مختار و درست شدن مذهب (کیسانیه) بدون اینکه خود محمد حنفیه شاید مدعی و یا راضی نبوده و ما در اینجا در تحقیق هست‌ها و صحت و سُقم آن نیستیم و بلکه همه مسائل و استفاده از عنوان مقدس مهدی جهت قیام و تحریک مردم برای انتقام از قتل کربلا و

۱ - مهدی از ظهور تا پیروزی، سیدحسین تقوی، ص ۱۱۹.

۲ - به تفصیل همه این موارد در کتاب‌های مربوطه موجود می‌باشد.

بنی‌امیه و یا احیاناً تشکیل حکومت و طلب قدرت از سوی مختار و یا هر دو لحاظ بوده که خدا عالم واقعی است.<sup>۱</sup>

۲ - دوّم قیام نفس زکیّه شهیدان محمد و ابراهیم، پسران عبدالله محض ابن حسن مثنی ابن حسن ابن علی (ع) که هر دو برادر بر علیه ظلم بنی‌عباس بخصوص منصور دوانیقی قیام نموده و محمد نفس زکیّه عنوان مهدی گرفته بود. از سوی پیروان و عاقبت هر دو شهید شدند. البته اغلب بنی‌الحسن به دست منصور دژخیم و سفاک شهید گشتند. و در قصیده معروف دعبل خزاعی برای امام رضا (ع) (قُبُورٌ بَكُوفَانٍ وَ أُخْرَى بَطِيْبَةٍ)<sup>۲</sup> و در بیت بعدی می‌گوید: (وَ قَبْرٌ بِيَا خَمْرِي لَدَى الْعَرِمَاتِ).<sup>۳</sup>

۳ - مهدی (اسحق سبّتی ژوی) در زمان سلطان محمد چهارم؛ در ترکیه بر علیه ظلم تحت این عنوان قیام نموده و عاقبت کشته شد.

۴ - مهدی در مصر در برابر فرانسویان در حمله ناپلئون بناپارت با ایل تبار خود تحت عنوان مهدی قیام نموده و عاقبت به دسیسه بدخواهان کشته شد.

۵ - مهدی در سودان در سال (۱۲۶۰ م) در شمال آفریقا بر علیه اشغالگران انگلیسی قیام نموده و حقاً مردانگی نشان داده و نقاطی از آفریقا را آزاد ساخته عاقبت به دست انگلیسی‌های دغل‌باز و فریبکار گرفتار و

۱ - ماهیت قیام مختار مرکز تحقیقات اسلامی ابوفاضل رضوی اردکانی.

۲ - منظور از قبر کوفان محمد نفس زکیّه است.

۳ - منظور از قبر بی‌خمری برادر شهیدش ابراهیم ابن عبدا... است.

کشته شد.

۶ - مهدی در هند (سید محمد جُوئیَنوری در سال (۹۰۱ هـ. ق)؛ در هند با همدستی غلام احمد قادیانی قیام نموده و ادعای مهدویت نموده. و فعلاً نیز گروه قادیانیّه به آنها منسوب و فرقه‌ای با تعداد فراوان و عقاید خرافی مختلف در هند می‌باشند.<sup>۱</sup>

۷ - مهدی در حجاز، در ایران، در اسلامبول، در یمن، آفریقا و همه جای جای جهان که ظلم و ستم در آن حاکم بود بارها و بارها اتفاق افتاد که طالبان می‌توانند به کتاب‌های مربوطه در این رابطه مراجعه نمایند و از میان همه اینها دو مورد که خیلی قابل توجه و با اهمیت‌ترند تحت موارد ۹ - ۸ بدان‌ها اشاره می‌کنیم.

۸ - مهدی (محمد ابن عبدا... ابن تومرت) که به مهدی مغربی معروف است. و در اوائل قرن ششم هجری از مغرب عربی برخاست. و دولت مهمی را بنیان نهاد و تقریباً همه قبایل بَرَبَر و مغرب و کنارهای دریای مدیترانه را تحت سیطره خود درآورد. و همه اشغالگران را بیرون راند. و خود و تنها خواهرزاده‌اش در کمال زهد و معنویت زندگی کردند. و او هنگام مرگ عبدالمؤمن نامی را که از بهترین اصحابش بود به جای خود برگزید. که او و جانشینانش سالیان دراز تحت عنوان مومنیه حکومت نمودند و نام او و جانشینانش هنوز هم در شمال آفریقا و صحرای مغرب و

۱ - موارد فوق در اغلب کتاب‌های مربوطه موجودند. از جمله در کتاب مهدی از ظهور تا پیروزی و مهدویت در

موریتانی و جاهای دیگر آفریقا از مقدّسات می‌باشد.<sup>۱</sup>

۹ - شاید بزرگترین و مهم‌ترین رویداد سیاسی در رابطه با مهدویت اتفاق افتاد. در سال ۱۴۰۰ هـ. ق برابر با ۱۳۵۹ هـ. ش قیام محمد ابن عبد... قرشی بود که در حرم الهی مکه بود. و بر حرم متولی شد و معاون وی (جُهمیان) اعلامیه‌ای پخش کرده و همه را به تبعیت با او فرا خواند. و مقاومت آنان به حدی بود که حکومت سعودی درخواست نیروهای ویژه و کماندو از فرانسه نمود. و بعد از کشتار بی‌رحمانه در مسجدالحرام و کعبه بعد از چند روزی فرانسوی‌ها و نیروهای ویژه سعودی بر اوضاع مسلط شده، آنان نیز برخی به شهادت رسیده و برخی فرار نموده و عده‌ای تسلیم شدند.<sup>۲</sup>

۱۰ - نفس ادّعی افراد از نژاد و ملیت‌های مختلف فارغ از صحت و سُقم قضیه و اعم از انگیزه‌های درست و نادرست خود حکایت از حقیقتی دارند که غیرقابل انکار است و آن انتظار جهان و مظلومین به یک منجی عادل و صالح است که بشریت را به سوی عدالت و ارزش‌های انسانی و نجات از منجلاب فساد رهنمون باشد.

۱ - دائرةالمعارف بزرگ اسلامی تحت عنوان ابن سومرت و کتاب مهدی مغربی که ترجمه احسان داداشی می‌باشد.

۲ - مهدی از ظهور تا پیروزی، سیدحسین تقوی.

### سؤال ششم: علت عدم امتداد غیبت صغری چیست؟

چرا غیبت صغری امتداد نیافت تا دوستداران و شیعیان حضرت توسط نوّاب خاصّ ارتباط با آن حضرت پیدا نموده و از آن وجود مقدّس بهره‌مند شوند؟

**جواب: ۱ -** اولاً جواب کلی اینست که برنامه و روش کار امام(ع) را خداوند متعال تعیین می‌کند. و امام باید همین برنامه را اجرا نماید. و حتی خود امام نیز جز تسلیم و تمکین ندارد چنانکه همه امامان(علیهم‌السّلام) اینطور بودند و آنچه از جانب خداوند برای مصالح اسلام و مسلمین تعیین می‌شد همان را انجام می‌دادند. که دلایل فراوانی در حوادث تاریخ ائمه(علیهم‌السّلام) موجود است.<sup>۱</sup>

**جواب: ۲ -** غیبت صغری مقدمه غیبت کبری بوده تا اذهان و فرهنگ عمومی شیعه به آن عادت کرده و انس بگیرند. و دفعتاً با غیبت تامه و کلی مواجه نباشند تا دچار استعجاب و استغراب نباشند.<sup>۲</sup>

**جواب: ۳ -** زندگانی نوّاب خاصّه نیز در آن دوران به صورت نیمه مخفی و کارشان و نیابت‌شان کاملاً ظاهری نبوده است. آن هم در میان وکلای امام سرآمد بودند. باز با مشکلات زیادی مواجه بودند که غیرقابل تحمل و سخت بود که در تاریخ زندگی آنان فراوان است.

**جواب: ۴ -** در روایات آمده باید حکمت الهیه در غیبت طولانی امام

۱ - حدیث لوح، اصول کافی، برنامه امامان.

۲ - بحث حول المهدی شهید صدر، ص ۷۰.

برای مردم به تدریج اجرا می‌شد تا زمینه پذیرش نمایندگان عام که خود آزمایشی مهم و بزرگی برای شیعه می‌باشد مهیا گردد.

### کلام نغز شهید صدر

فیلسوف و کلامی نامدار شهید سید محمدباقر صدر می‌نویسد: انتقال از غیبت صغری به غیبت کبری نشان دهنده این واقعیت است که هدف‌های غیبت صغری از جمله آسیبی که از خلاء ناگهانی امام در غیبت کبری به وجود می‌آید، سپری شود و زمان شکل‌گیری موقعیت شیعه و وظایف آنان و تکالیف نواب عام و علمای بزرگ شیعه رسیده باشد.<sup>۱</sup>

### سؤال هفتم: مدعیان دروغین نیابت چه کسانی بوده‌اند و چرا؟

متأسفانه از بزرگان علم و معروفین اصحاب و شهره مردم بودند و تأسف شدید اینکه بعضی‌شان از وکلای امام حسن عسگری و امام هادی (ع) بودند. و به‌طور کلی و اجمالی چرا؟ شاید جاه‌طلبی و حب ریاست و مقام و طمع به اموال و ثروت و حسن رقابت و حسادت به نواب خاص و واقعی آن حضرت و از همه مهم‌تر امتحان و آزمایش بزرگان می‌تواند باشد. چنانکه کم و بیش در زمان سایر امامان (علیهم‌السلام) نیز این مسئله اتفاق افتاده و تاریخ پر از اینگونه خیانت‌ها و تفرقه‌ها می‌باشد و از جمله جریان

۱ - مفصل موارد فوق‌الذکر در کتاب‌های بحث حول المهدی (ع) شهید صدر و کتاب زندگانی نواب خاص امام، صص ۳۲۰ - ۳۱۸ و کتاب آیت... قزوینی موجود است، مراجعه شود.

طلحه و زبیر و دیگران که اول شقّ عصای مسلمین را مرتکب شدند و باعث جرأت معاویّه‌ها و خوندل شدن علی و حتی مرگ آن بزرگوار و خیلی مصائب دیگر مسلمین و به وجود آمدن خیانتکاران و دغل‌بازان اموی شدند. و اینک برخی از مدعیان دروغین نیابت و عاقبت سوء آنان بطور اجمال!

۱ - حسن شریعی این مرد از یاران دو پیشوای گرانقدر حضرت هادی و عسگری (علیهم‌السلام) بود. و پس از حضرت عسگری (ع) و غیبت امام عصر ادّعی نیابت از سوی او نمود و عاقبت لعن از سوی امام توسط نایب سوّمش در توقیعی صادر گردیده و شیعیان و مؤمنین از او اعلام انزجار و لعن نمودند.

۲ - محمّد ابن نصیر نُمیری که از یاران امام عسگری بود که پس از رحلت او به دروغ مدعی نیابت خاصّه و سفارت او شد و کار را به جایی رساند که امام هادی و عسگری را مقام ربوبیت داده و خود از جانب آنان فرستاده دانسته و علاوه بر مبداء، منکر معاد نیز گردیده. چرا که عقیده تناسخ پیدا نموده و وقاحت را به جایی رسانده که نکاح محارم را نیز مباح شمرده و عمل شنیع همجنس‌بازی را حلال دانسته و خود به آن عمل تن در داد که مفصّلش در کتاب‌ها موجود بوده و نیاز به تشریح زندگانی خفت بار شرک‌آلود او نیست که عاقبت از سوی امام عصر (عج) توسط نایب دوّمش

۱ - مسئله فوق از کتاب گرانقدر آیت‌... قزوینی و همچنین در کتاب رجال کشی و غیبت طوسی نیز ص ۲۴۴ آمده است.

مورد لعن و نفرین واقع گردیده و رسوا شد.<sup>۱</sup>

۳ - احمد ابن هلال عبرتائی: او نخست از یاران امام هادی و عسگری (علیهم السّلام) بود و ۵۴ مرتبه به زیارت خانه خدا رفت که ۲۰ بار آن با پای پیاده بود. که دریغا عاقبت به شر گردید و امام او را صوفی ریاکار و بازیگر نامید. ایشان تا زمان نیابت جناب محمد ابن عثمان زیست و سفارت او را انکار نموده و عاقبت مورد لعن و نفرین امام واقع گردید.<sup>۲</sup>

۴ - محمد ابن علی ابن بلال در آغاز کارش مورد اعتماد حضرت عسگری (علیهم السّلام) بود. اما پس از آن منحرف شده و به دروغ مدعی نیابت از سوی مهدی (ع) گردیده و نیابت خاصه نایب دوّم امام را منکر شده و اموالی را که نزد او انباشته شده بود تا به حضرت مهدی برساند خیانت ورزید. و محمد ابن عثمان راه دیدار او با امام عصر (عج) را هموار کرد و امام دستور تحویل اموال به جناب محمد ابن عثمان را داد. با این وصف او به کینه‌توزی ادامه داده و کارش به جایی کشید که همچون دیگر مدعیان دروغین مورد لعن امام قرار گرفت که در توقیع صادره از امام، با نام مورد لعن و نفرین قرار گرفت که توقیع در جای خود خواهد آمد.

۵ - شلمغانی معروف به ابن عزاقر از محدثان بزرگ و راویان سترگی

۱ - ابن نصیر نمیری لعنه... در همه کتاب‌های رجالی همانند غیبت طوسی و رجال کشی ملعون و فاجر شمرده شده و از دین نیز خارج گردیده است و منکر مبدا و معاد شد.

۲ - در مورد ابی هلال علاوه بر توقیع امام در جواب جمعی از شیعیان توسط قاسم ابن علاء امام او را فاجر و با کلمه لا رحمة له یاد می‌کند، رجال کشی، ص ۴۳۸.



بود و کتاب‌های مهمی و بسیاری را تألیف نموده بود. هنگامی که منحرف گردیده بود حتی در کتاب‌های قبل از انحراف او مطالب درست و صحیحی بوده و مجاز به استفاده کردن. ولی متأسفانه کارهای نفسانی و مقام پرستی او به جایی رسید که توسط جناب حسین ابن روح نوبختی از سوی حضرت مهدی (عج) توقیعی این چنین صادر گردید و از شدت دستور امام و کلمات اِرتَدَ وَالْحَدَّ و... معلوم است که شلمغانی علاوه بر ادعای دروغین نیابت به خاطر عقاید تناسخ و الحادی و انکار معاد و اینکه خداوند در روح پیامبر (ص) و علی امیرمؤمنان و حضرت زهرا (س) حلول نموده و همچنین در افراد دیگر و اینک متن توقیع.

توقیع مبارک خطاب به جناب حسین ابن روح نوبختی

«عَرَّفُ أَطَالَ اللَّهُ بِقَاءِكَ وَ عَرَفَكَ الْخَيْرَ كُلَّهُ وَ خَتَمَ بِهِ عَمَلَكَ مَنْ تَثِقُ بِدِينِهِ وَ تَسْكُنُ إِلَى نَيْتِهِ مِنْ إِخْوَانِنَا أَدَامَ اللَّهُ سَعَادَتَهُمْ - بَانَ مُحَمَّدَ ابْنِ عَلِيٍّ الْمَعْرُوفِ بِالشَّلْغَمَانِي - عَجَلَ اللَّهُ لَهُ النَّقْمَةَ وَلَا أَمْهَلَهُ وَ قَدَّارْتَدَّ عَنِ الْأَسْلَامِ وَ فَارَقَهُ وَ الْأَحَدَ فِي دِينِ اللَّهِ وَ أَدَّعَى مَا كَفَرَ مَعَهُ بِالْخَالِقِ جَلَّ تَعَالَى وَ افْتَرَى كَذِباً وَ زُوراً وَ قَالَ بُهْتَاناً وَ إِثْمًا عَظِيماً وَ كَذَبَ الْعَادِلُونَ بِاللَّهِ وَ ضَلُّوا ضَلَالاً بَعِيداً وَ خَسِرَ خُسْرَاناً مُبِيناً وَ إِنَّا بَرَرْنَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ إِلَى رَسُولِهِ وَ إِلَيْهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَ سَلَامُهُ وَ رَحْمَتُهُ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْهِمْ مِنْهُ وَ لَعْنَاهُ عَلَيْهِ لِكَائِنِ اللَّهُ تَتَرَى فِي الظَّاهِرِ مِنَّا وَ الْبَاطِنِ وَالسِّرِّ وَ الْعَلَنِ وَ فِي كُلِّ وَقْتٍ وَ عَلَى مَنْ شَايَعَهُ وَ بَايَعَهُ وَ بَلَغَهُ هَذَا الْقَوْلُ مِنَّا فَأَقَامَ عَلَى

تَوَلَّيْهِ بَعْدَهُ. وَ أَعْلَمَهُمْ تَوَلَّكَ اللَّهُ إِنَّا فِي التَّوَقَّى وَالْمَحَازِرَةِ مِنْهُ. عَلِيٌّ مِثْلُ مَا كُنَّا عَلَيْهِ مِمَّنْ تَقَدَّمَ مِنْ نُظَرَائِهِ مِنَ الشَّرِيعِيِّ وَ النَّمِيرِيِّ وَالْهَلَالِيِّ وَالْبَلَالِيِّ وَ غَيْرِهِمْ. وَعَادَهُ اللَّهُ جَلَّ ثَنَاءُهُ مَعَ ذَلِكَ قَبْلَهُ وَ بَعْدَهُ عِنْدَنَا جَمِيلَةً وَ بِهِ نَثِقُ وَ آيَاهُ نَسْتَعِينُ وَ هُوَ حَسْبُنَا فِي أُمُورِنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: اعلام کن. خدای عمرت را طولانی ساخته و پاینده‌ات بدارد و همه خوبی‌ها و ارزش‌ها را به تو بشناساند و فرجام کارت را به نیکی پایان برد.

اعلان کن به همه کسانی که به دینداری و دین باوری آنان اطمینان داری و به برادران ما که از نیت خیر آنان آگاهی. و خداوند نیک‌بختی آنان را تداوم بخشد. به آنان اعلام کن که: «محمد بن علی» معروف به «شلمغانی» که خداوند در کیفر او شتاب کرده و هرگز مهلتش ندهد، از دین اسلام برگشته و از آن جدا شده است، در دین خدا کفر و الحاد ورزیده و ادعاهایی دارد که باعث کفر به آفریدگار بزرگ است. او به دروغ تهمت می‌زند و بهتان می‌بندد و گناهان بزرگی مرتکب می‌شود.

آنان که از خدا برگشته‌اند دروغ گفته و به گمراهی بسیار دور و درازی افتاده و زیانی آشکار کرده‌اند. ما به خدا و پیام‌آورش و خاندان او - که درود و رحمت و برکاتش بر او و خاندانش باد - از او بیزاری جسته و او را لعنت و نفرین نموده‌ایم. لعنت‌های خدای، یکی پس از دیگری، در ظاهر و باطن، آشکار و نهان و همیشه و همواره، بر او باد و بر کسی که از او پیروی نموده و با او دست بیعت داده و پس از

۱ - احتجاج طبرسی، چاپ نجف، ج ۲، ص ۲۸۹؛ غیبت طوسی، ص ۲۵۳؛ بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۱، ص ۳۷۷ و دهها کتاب دیگر که در رابطه با امام زمان(ع) می‌باشد.

این هشدار ما، باز هم به دوستی و پیروی از او برخیزد. شما که - خداوند پشتیبان و یار و یاور تو باد - اعلام کن که: ما در اجتناب و برحذر بودن از او - شلمغانی - همانند همان حالتی هستیم که پیش از او، از عناصر نظیر او بیزاری جستیم و تبری از آنان را لازم شمردیم، از عناصری مانند: شریعی، نمیری، هلالی، بلالی و دیگران. و شیوه خدا را پیش از رخدادهای و پس از اینها، شایسته دانسته و به او اطمینان داشته و از او یاری می‌جوئیم و او در تمامی امور ما، ما را بس است و خوب و شایسته سرپرست و وکیلی است.

این توقیع هشدار دهنده و راهگشا وقتی که از سوی امام (ع) صادر شد که سفیر خاصّ او در زندان سردمداران رژیم غاصب بنی‌عباس بود. با این وجود امام توسط یکی از دوستدارانش و دوست‌دار سفیرش دستور داد در هر حال و به‌طور وسیع این توقیع را در میان شیعیان منتشر سازد. و شیعیان را از تبری جستن از او آگاه نماید.

**سؤال هشتم: توقیع چیست و از امام مهدی (ع) به چه کسانی صادر شده است؟**

توقیع عبارت است از فرمان‌ها و راهنمایی‌ها و یا جواب در مقابل سوال که از سوی امام مهدی (ع) در زمان غیبت صادر گردیده است. و در مورد تعداد آن در میان علما و محققین تاریخ آن سرور اتفاق نظر وجود ندارد. اما آنچه مسلم است توقیعات مهمّ و متعددی خطاب به نوّاب خاصّ و یا

وکلای آن حضرت شرف صدور یافته است که متناً و سنداً در کمال اعتبار می‌باشند و در قدیمی‌ترین و معتبرترین کتاب‌های علمای بزرگ مانند شیخ طوسی و صدوق و کلینی رحمه‌الله علیهم موجود است. و نکته قابل توجه اینکه توقیع صادره برای ابوالحسین محمد ابن جعفر اسدی<sup>۱</sup> و مهمتر از آن توقیع صادره باسحاق ابن یعقوب<sup>۲</sup> که توسط محمد ابن عثمان عمری از ناحیه مقدسه صادر گردیده می‌باشد و توقیع خیلی مهمی است که شامل حدود ۲۰ موضوع مهم در رفع ابهامات از خیلی چیزها و تبیین خیلی مطالب مهم می‌باشد که در رابطه با غیبت وجود مقدس و علمای اعلام و حتی مرگ اسحاق ابن یعقوب و لعن ابوالخطاب<sup>۳</sup> و اصحابش... می‌باشد.

۱ - همچنین توقیع صادره توسط جناب حسین ابن روح نوبختی در رابطه با شلمغانی<sup>۴</sup> و شریعی و نمیری و هلالی و بلالی و دیگران واقعاً در روشنگری شیعیان و افشای دغل‌بازان و مدعیان دروغین خیلی برای تاریخ غیبت و نیابت و شیعیان جهت آگاهی ضروری و لازم بوده است.

۱ - ابوالحسین محمد ابن جعفر از وکلای خوب امام بوده، کتاب الغیبه طوسی، ص ۴۱۵.

۲ - اسحاق ابن یعقوب قمی از وکلای امام وثقه و مورد اعتماد و مرجع شیعیان بوده، الغیبه طوسی و یوم الخلاص، ص ۲۹۳.

۳ - ابوالخطاب از مدعیان دروغین بوده و خیلی از مردم را فریفته بود توقیع در لعن و نفرین او نیز می‌باشد.

۴ - شلمغانی ادعای نیابت نموده و فردی با سابقه و مورد اعتماد بوده و کتاب‌های زیادی نوشته بود. و در میان مدعیان دروغین از جایگاه خوب برخوردار بود و همچنین شریعی، بلالی، هلالی و نمیری و ابوالخطاب و دیگران در این توقیع رسوا و لعن گردیده‌اند. کتاب‌های الغیبه طوسی، احتجاج طبرسی، کمال‌الدین صدوق، رجال نجاشی، وکشی، و بحارالانوار.

۲ - ۱ یا ۲ توقیع مبارک در تأیید و تحسین شیخ مفید (علیه الرحمة) <sup>۱</sup> و تمجید از کارهای علمی و فرهنگی او در صیانت از مرزهای عقیده و ایمان و حفاظت از مکتب اهل البیت صادر گردیده که یکی از اسناد افتخار تشیع و عالمان بزرگ آن می باشد که در کتاب های مربوطه موجود است. علاوه بر اینها در مرگ شیخ نیز مرثیه ای از ناحیه مقدسه صادر گردیده که تیمناً ذکر می گردد.

لا صَوْتَ النَّاعِي بِفَقْدِكَ إِنَّهُ  
وَالْقَائِمَ الْمَهْدِيَّ يُفْرِحُ كُلَّمَا  
يَوْمٌ عَلَى الرَّسُولِ عَظِيمٌ  
تَلَيْتُ عَلَيْكَ مِنَ الدُّورِ عُلُومٌ  
إِنْ كُنْتَ قَدْ غَيْبْتَ فِي جَدِّ الثَّرَى  
الْعِلْمُ وَالتَّوْحِيدُ فِيكَ مُقِيمٌ<sup>۲</sup>

### آخرین توقیع

آخرین توقیع امام مهدی (ع) به آخرین نائب خاص اش جناب علی بن محمد السَّمْرِي و آغاز غیبت کبری «یا علی ابن محمد السَّمْرِي اعْظَمَ اللهُ أَجْرَ إِخْوَانِكَ فِيكَ فَأَنَّكَ مَيِّتٌ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ سِتِّهِ إِيَّامٍ فَاجْمَعْ أَمْرَكَ وَلَا تُوصِ إِلَى أَحَدٍ فَيَقُومَ مَقَامَكَ بَعْدَ وَفَاتِكَ فَقَدْ وَقَعَتِ الْغَيْبَةُ التَّامَّةُ وَفَلَاظْهُورَ إِلَّا بَعْدَ إِذْنِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ وَذَلِكَ بَعْدَ طُولِ الْأَمَدِ وَقَسْوَةِ الْقُلُوبِ وَامْتِلَاءِ الْأَرْضِ

۱ - شیخ مفید از اعجوبه های روزگار و استاد الفقهاء و ستاره پرفروغ آسمان تشیع و استاد سیدمرتضی و سیدرضی و خیلی های دیگر و مورد اعتماد حضرت مهدی بوده که در توقیع او را (اخ السدید) یعنی برادر محکم خطاب می کند.

۲ - آن سه بیت مرثیه منسوب به امام زمان است که بعد از فوت مفید گفته شده است.

جوراً»<sup>۱</sup>.

ترجمه: ای علیّ ابن محمّد السّمّری خداوند اجر برادرانت را برای فقدان تو زیاد نماید، پس تا شش روز دیگر خواهی مرد، پس کارهایت را جمع کن و بعد از خود برای کسی وصیت نکن تا در جای تو باشد یعنی نایب دیگری در کار نیست پس غیبت کبری واقع شده است و ظهوری در کار نیست مگر بعد از آنیکه خداوند بلند است نام او، اذن دهد و این بعد از روزگار طولانی که قلبها قسّی شده و زمین از ظلم و جور پر شده باشد.

**سؤال نهم: نواب خاصّ چه کسانی بودند و چگونه انتخاب می شدند؟**

۱ - نخستین نایب خاصّ: «ابوعمر عثمان ابن سعید عمری» در بغداد می زیست و شغل او روغن فروش بود و برای همین زیّات<sup>۲</sup> می گفتند. و نوشته اند برای پوشش سفارت و تقیّه این کار را می کرد. و خیلی وقتها نامه ها و جواب های امامان را در توی ظرف روغن و یا آب قرار می داد تا کسی از آن مطلع نباشد. و او از طرف امام هادی و امام عسگری و امام مهدی (علیهم السّلام) وکیل و نایب بود. احمد ابن اسحاق قمی یکی از بزرگان علمای شیعه از امام هادی سؤال کرد سرورم با چه کسی رابطه برقرار نمایم که مورد اعتماد تو باشد. امام فرمود: «الْعَمْرِي ثَقْتِي فَمَا اَدِي

۱ - کمال الدین، ج ۲، ۵۱۶؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۱؛ نواب خاصّ، ص ۳۱۰.

۲ - آیتا... قزوینی، کتاب المهدی، صص ۲۶۹ - ۲۶۸؛ اصول کافی، ص ۳۳۰؛ رجال کشی، ج ۶،

ص ۵۸۰؛ غیبت طوسی (علیه الرحمة)، ص ۲۱۹.

الیک عنی فعنی یؤدی و ما قال لک عنی فعنی یقول فاسمع له و اطع فإنه ثقہ  
المأمون»<sup>۱</sup>.

امام عسگری (ع) به وکیلش فرمود: «العمری و ابنه ثقتان فمّا ادّیا الیک  
عنی فعنی یؤدیان و ما قال لک فعنی یقولان فاسمع لهما و اطعهما»<sup>۲</sup>.  
حضرت عسگری در نامه طولانی به اسحاق ابن اسماعیل نیشابوری  
مرقوم می‌فرمایند: «فلا تُخرجن من البلدِ حتی تلقی العمری رضی الله عنه  
برضای عنه و تسلّم علیه و تعرفه و یعرفک فإنه الطاهر الامین العفیف القریب  
منا و الینا»<sup>۳</sup>.

ترجمه: یعنی از شهر حرکت نکن تا با عمری ملاقات نمایی و بر او سلام کنی هم  
تو او را بشناسی و هم او ترا بشناسد چرا که او شخصیتی پاک و امین و عفیف و به  
ما نزدیک و برای ما می‌باشد.

و نیز محمد ابن اسماعیل و علی ابن عبدا... سجستانی هر دو نوشته‌اند که  
پیش امام عسگری (ع) در سامرا بودیم که (بدر) یکی از غلامان امام وارد  
شد و به امام عرض کرد که گروهی در درب خانه منتظرند. امام فرمود اینان  
از موالی و شیعیان ما از یمن هستند، برو عثمان ابن سعید عمری را بیاور.  
طولی نکشید که عمری حاضر شد امام فرمود: «امض یا عثمان ابن سعید

۱ - آیتا... قزوینی، کتاب المهدی، صص ۲۶۹ - ۲۶۸؛ اصول کافی، ص ۳۳۰؛ رجال کشی، ج ۶،  
ص ۵۸۰؛ غیبت طوسی (علیه‌الرحمة)، ص ۲۱۹.

۲ - همان.

۳ - رجال کشی، ج ۶؛ غیبت طوسی، ص ۲۱۶؛ بحالانوار، مجلسی، ج ۵۱، ص ۳۴۵.

فَأَنَّكَ الْوَكِيلُ وَالثَّقَّةُ الْأَمُونُ عَلَى مَا لِي مِنَ اللَّهِ وَأَقْبِضْ مِنْ هَوْلَاءِ النُّضْرِ الْيَمِينِ مَا حَمَلُوهُ مِنَ الْمَالِ»<sup>۱</sup>.

آنگاه ما گفتیم مولای ما آیا عثمان ابن سعید اینقدر مورد اعتماد شما هستند؟ فرمود: «نَعَمْ وَ أَشْهَدُوا عَلَيَّ أَنَّ عُثْمَانَ ابْنَ سَعِيدِ الْعَمْرِي وَ كَيْلِي وَ ابْنَهُ مُحَمَّدَ وَ كَيْلِ ابْنِي مَهْدِيكُمْ»<sup>۲</sup>.

گروهی از شیعیان قم، ری و نیشابور که حدود ۴۰ نفر بودند با سرپرستی احمد ابن اسماعیل نیشابوری به خدمت امام حسن عسگری (ع) در سامرا شرفیاب شدند. تا سؤالات خود را از جمله از حجت خدا بعد از امام پیرسند. عثمان ابن سعید عمری که در مجلس حضور داشت، به پا خاست و گفت ای پسر پیامبر می‌خواهند از موضوع بزرگی سؤال نمایند همه گفتند آری، از امام بعد از تو. در این هنگام به دستور امام پسری همانند قرص ماه وارد شد که شبیه‌ترین مردم به امام بود و امام خطاب به حاضران فرمودند:

«هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِي وَ خَلِيفَتِي عَلَيْكُمْ أَطِيعُوهُ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا مِنْ بَعْدِي فَتُهْلِكُوا فِي دِينِكُمْ إِلَّا وَ أَنْتُمْ لَا تَرُونَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا حَتَّى يَتِمَّ لَهُ عُمُرٌ وَ فَاقْبَلُوا مِنْ عُثْمَانَ مَا يَقُولُهُ وَ أَنْتَهُوَ إِلَى أَمْرِهِ وَ أَقْبَلُوا قَوْلَهُ»<sup>۳</sup>.

ترجمه: این امام شما بعد از من و خلیفه من بر شماست از او اطاعت نموده و

۱ - رجال کشی، ج ۶؛ غیبت طوسی، ص ۲۱۶؛ بحالانوار، مجلسی، ج ۵۱، ص ۳۴۵.

۲ - همان.

۳ - غیبت طوسی، ص ۲۱۵؛ کتاب المهدی، آیت... قزوینی، ص ۲۷۳ و...



پراکنده نشوید تا در دین تان هلاک نگردید. و آگاه باشید شما بعد از این روز او را نمی بینید تا عمرش ادامه یابد. پس از عثمان قبول نمایید هرچه بگوید و جمع شوید در امر او و قبول نمائید گفتارش را.

کوتاه سخن اینکه جناب عثمان ابن سعید عمری از نوابغ روزگار هم در میدان رازداری و امانتداری و تفکر و تقوی و عقل.

۲ - دوّمین سفیر و نایب خاص: (جناب ابوجعفر محمّد ابن عثمان عمری) بود که بلافاصله بعد از فوت پدر از سوی امام مهدی (ع) به نیابت منصوب شد. البته ناگفته نماند که از زمان پدر نیز مورد اعتماد امام عسگری و امام هادی (علیهم السّلام) بود. و همچنانکه در احوال پدرش دیدیم که امام عسگری (ع) پدر و پسر را در چندین مورد تأیید و تحسین نموده‌اند. و اینک از سوی امام مهدی (ع) در مورد خصوص جناب محمّد عثمان که خطاب به (محمّد ابن ابراهیم مهزیار) مرقوم داشته است.

«وَالابْنُ وَقَاهُ اللهُ لَمْ يَزَلْ ثِقْتًا فِي حَيَاةِ الْاَبِ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ وَارْضَاهُ وَنَضَّرَ وَجْهَهُ يَجْرِي عِنْدَنَا مَجْرَاهُ وَ يَسُدُّ مَسَدَهُ وَ عَنِ اَمْرِنَا يَاْمُرُ الْاَبْنُ وَ بِهٖ يَعْْمَلُ تَوَلَّاهُ اللهُ فَانْتَهٗ اِلَى قَوْلِهِ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: یعنی پسر عثمان محمّد که خداوند نگهدار او باد همچنانکه به انجام مسئولیت خطیر او همّت گماشته و جای خالی او را پر می‌کند و نیز چون پدرش که خدای از او راضی باد. دستورات ما را بیان می‌کند و بدان عمل نماید سخن او را

۱ - غیبت طوسی، ص ۲۲۰؛ کتاب المهدی، آیت... قزوینی، ص ۲۷۴.

بشنو و اوامر او را امتثال نمای.

در نامه امام مهدی (ع) خطاب به جناب محمد ابن عثمان (علیه الرحمة) آمده است:

«إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ تَسْلِيمًا لِأَمْرِهِ وَرِضَاءً ابِقَضَائِهِ وَعَاشَ أَبُوكَ سَعِيدًا وَمَاتَ حَمِيدًا فَرَحِمَهُ اللَّهُ وَالْحَقُّ بِأَوْلِيَائِهِ وَمَوَالِيهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فَلَمْ يَزَلْ مُجْتَهِدًا فِي أَمْرِهِمْ سَاعِيًا فِيمَا يُقْرِبُهُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَإِلَيْهِمْ نَضَّرَ اللَّهُ وَجْهَهُ وَ أَقَالَهُ عَشْرَتَهُ.

أَجْزَلَ اللَّهُ لَكَ الثَّوَابَ وَ أَحْسَنَ لَكَ الْعِزَّاءَ وَ رَزَيْتَ وَرَزَيْتُنَا وَ أَوْحَشَكَ فِرَاقَهُ وَ أَوْحَشَنَا فِسْرَةَ اللَّهِ فِي مُنْقَلَبِهِ وَ كَانَ مِنْ كَمَالِ سَعَادَتِهِ أَنْ رَزَقَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَكِدًا مِثْلَكَ يُخَلِّفُهُ مِنْ بَعْدِهِ وَ يَقُومُ مَقَامَهُ بِأَمْرِهِ وَ يَتَرَحَّمُ عَلَيْهِ. وَ أَقُولُ الْحَمْدَ لِلَّهِ فَإِنَّ الْأَنْفُسَ طَيِّبَةً بِمَكَانِكَ وَ مَا جَعَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ وَ عِنْدَكَ وَ أَعَانَكَ اللَّهُ وَ قَوَاكَ وَ عَضُدَكَ وَ رَفَقَكَ وَ كَانَ لَكَ وَ لِيًّا وَ حَافِظًا وَ رَاعِيًا وَ كَافِيًا وَ مُعِينًا»<sup>۱</sup>.

ترجمه: همه ما از آن خدائیم و به سوی او برمی گردیم، ما تسلیم فرمان او و راضی به قضاء او هستیم. و پدرت سعادت مند زیست و شایسته از جهان رخت بربست. رحمت خدا بر او باد و خداوند او را به اولیاء خویش ملحق سازد. او همواره در انجام دستورات امامان کوشا بوده و در کارهای سبب تقرّب خداوند سعی فراوان داشت. خداوند روح او را شاد و چهره اش را درخشان ساخته و او را بیامرزد.

۱ - غیبه طوسی (علیه الرحمة)، ص ۲۲۰؛ اکمال الدین، ج ۲، ص ۵۱۰.

و خداوند ثواب و اجر تو را افزونتر گرداند و در این مصیبت به تو شکیبایی دهد. محمد تو اینک در رحلت پدر داغدار و مصیبت زده‌ای و ما نیز اندوهگین و غمبار. خداوند او را در جایگاهش شاد گرداند.

از کمال نیکبختی پدر اینست که خداوند پسری چون تو به او ارزانی داشته که پس از مرگ او بماند و جانشین او گردد و برای او طلب رحمت نماید. بر این نعمت خدای را سپاس. چرا که دل‌های شیعیان ما به وجود تو شادمانند. خدا یاریت کند و به تو نیرو و اقتدار بخشد. و پشتیبانت باشد و در کارها به تو توفیق ارزانی و نگهبان و حافظ و کافی و یاورت باشد.

۳ - سوّمین سفیر امام: ابوالقاسم حسین<sup>۱</sup> ابن روح نوبختی می‌باشد. که در جامعه تشیّع آن روز شخصیت پرآوازه و دانشمند معروفی بود. و پیش از نیابت خاصّ وکیل جناب محمد ابن عثمان در همه کارها بود. به طوری که همه او را مورد اعتماد و امین نائب حضرت می‌شناختند. و فرزاندگی خردمندی و رشد فکر و دینی او را بجایی رساند که پیش از رحلت جناب محمد ابن عثمان فرمانی از جانب امام به او صادر گردید که جناب محمد ابن عثمان حسین ابن روح را بعد از خود به عنوان نائب امام معرفی نماید و او نیز با جمع نمودن بزرگان علمای شیعه جناب حسین ابن روح نوبختی را معرفی نمود و از همه تعهد گرفت. روایت است جناب محمد ابن عثمان

۱ - غیبه طوسی (علیه الرحمة)، اکمال‌الدین صدوق، کتاب المهدی قزوینی، ص ۲۷۹.

دوست بسیار عزیز و دانشمندی داشت به نام (جعفر ابن احمد)<sup>۱</sup> که همه بزرگان فکر می‌کردند سوّمین سفیر خاصّ او خواهد بود. اما بعد از اینکه جناب حسین ابن روح معرفی شد او همانند سایر بزرگان مُسلم محض و دوست صمیمی نائب امام گردید که در همه کارها و مسئولیت‌ها جناب حسین ابن روح را یاری می‌کرد. و خلاصه سوّمین نائب نیز پس از ۲۱ سال خدمت خالصانه در سال ۳۲۶ هـ. ق رحلت فرموده و نوبت به نائب چهارم رسید. و جناب حسین ابن روح از رازداری خاصّ برخوردار بود. که در آخر همین بحث نوّاب به آن اشاره خواهد شد.

۴ - چهارمین نائب: (ابوالحسن علی بن محمد سمري) بود که حضرت به جناب حسین ابن روح دستور داد تا او را به نیابت خاصّ معرفی نماید. و او نیز محبوب دل‌ها و عالمی بی‌نظیر و فرزانه بود دارای کرامت، از جمله در بغداد خبر از رحلت ابن بابویه پدر صدوق (علیه‌الرحمة) داد و گفت او الساعة از دنیا رفت و پس از ۱۷ روز خبر آن از ری به بغداد رسید. خلاصه با پایان یافتن عمر شریف جناب روح جناب علی ابن محمد سمري نائب چهارم گردید و با پایان یافتن عمر او و غیبت صغری، نوبت غیبت کبری رسید و امام در توقیعی<sup>۲</sup> به او دستور داد تا به کسی وصیت نیابت ننماید که غیبت کبری رسیده است.

۱ - غیبه طوسی (علیه‌الرحمة)، اکمال‌الدین صدوق، کتاب المهدی قزوینی، ص ۲۷۹.

۲ - تحت عنوان آخرین توقیع در بحث توقیع سوال هشتم مرقوم گردیده است.

**نکته مهم:** در مورد گزینش نوّاب و امتیازات آن بزرگواران بر سائرین از بزرگان علماء سخن زیاد گفته شده است. آیت... سیّد محمّدباقر صدر می‌نویسد افراد انتخاب شده و نائبان خاصّ در میان همه وکلای عالم، عادل، خلوص بالا و امانتداری بی‌نظیر و استحکام عقیده بوده است که اسرار امامت و نیابت را حفظ نموده و امین واقعی باشند نه اعلم یا آفقه بودن آنان.

لذا شیخ در الغیبة می‌گوید عده‌ای از ابوسهل نوبختی سؤال کرد چطور شما به این امر انتخاب نشدید. پاسخ داد امام بهتر از هر کسی می‌داند. من آدمی هستم که بیشتر با دشمنان اُفت خیز و مناظره دارم شاید موقعی چیزی را لو دهم اما اگر ابوالقاسم را تکه‌تکه نمایند هرگز سرّی را فاش نمی‌کند و امتیازات...

### وکلای امام (ع)

در دوران سفارت نوّاب خاصّ امام و شیعیان و علماء از طریق آنان به محضر امامشان مسائل و مشکلات علمی و فقهی و کلامی را می‌رساندند و پاسخ مطمئن دریافت می‌کردند این سفیران در شهرها و بلاد اسلامی دوستان بزرگی از علماء تشیّع به عنوان نمایندگان خود داشتند که خیلی درستکار و پارسا و تقوایپیشه بودند که حتی خود آنان نیز گاهی مستقیماً مورد تأیید امام قرار می‌گرفتند و ایشان با اینکه عنوان نیابت خاصّ نداشتند اما به عنوان مورد اعتماد امام و نوّابش و وکلای آن بزرگوار شناخته

می‌شدند و سؤالات مردم شهرها را توسط نوّاب خاصّ از امام می‌پرسیدند و امانات بیت‌المال را به آنان تسلیم می‌کردند و گاهی خود بدون واسطه به آن عزیز دل‌ها و امام عصر می‌رساندند و لازم به ذکر است امامان قبل هم همانند امام هادی و امام عسگری (علیهم‌السلام) نیز در شهرها برای خود وکلایی داشتند. و ما اینجا اختصاراً پاره‌ای از وکلای امام را فقط نام می‌بریم:<sup>۱</sup>

۱ - حاجز بن یزید وُشَاء؛ ۲ - ابراهیم ابن مهزیار اهوازی؛ ۳ - محمّد ابن ابراهیم ابن مهزیار؛ ۴ - احمد ابن اسحاق قمی؛ ۵ - محمّد ابن جعفر اسدی؛ ۶ - قاسم ابن علاء؛ ۷ - حسن ابن قاسم؛ ۸ - محمّد ابن شاذان و نیز شخصیت‌های دیگری هم بوده است که در کتاب‌های مربوطه موجود است.

**سؤال دهم: در غیبت کبری بهره‌وری از آن وجود چگونه حاصل می‌شود؟**

احادیث صحیح و محکم فراوانی چگونگی بهره‌مندی مردم از امام غائب را ترسیم می‌کند. و ثمرات و فوائد آن قطب عالم امکان را حتی در زمان غیبت بازگو نموده و به نمایش می‌گذارد که فقط بعضی از آنها را می‌آوریم.

۱ - جابر ابن عبد... انصاری صحابی معروف از پیامبر (ص) می‌پرسد:

«هَلْ يَنْتَفِعُ الشَّيْعَةُ بِالْقَائِمِ فِي غَيْبَتِهِ» آیا شیعیان در زمان غیبت قائم از وجود

۱ - منتخب الاثر، صص ۴۰۰ - ۳۹۹؛ امام مهدی، آیت... قزوینی، ص ۲۸۱ و...

مبارک او بهره‌مند می‌شوند؟ که پیامبر (ص) می‌فرمایند: «ای وَالَّذِي بَعَثَنِي  
بِالنَّبُوَّةِ إِنَّهُمْ لَيَنْتَفِعُونَ بِهِ وَيَسْتَضِيؤونَ بِنُورِ وِلَايَتِهِ فِي غَيْبِهِ كَانْتِفَاعِ النَّاسِ  
بِالشَّمْسِ وَإِنْ جَلَّلَهَا السَّحَابُ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: آری سوگند به خدایی که مرا به رسالت برانگیخت آنان در غیبت او از  
وجودش بهره‌مند می‌گردند و از نور ولایتش برای زندگی روشنایی می‌برند. درست  
همانند بهره‌ور شدن مردم از خورشید اگرچه ابرها چهره او را پوشانده باشند.

چه تعبیر زیبا و تشبیه رسا و خوبی است. که این، هم از امام صادق و  
هم از خود امام مهدی (ع) نیز وارد شده که ذیلاً آورده می‌شود.

۲ - سلیمان ابن اعمش از امام صادق (ع) نقل می‌کند که امام فرمود: «لَمْ  
تَخْلُ الْأَرْضُ مِنْذُ خَلَقَ اللَّهُ آدَمَ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا وَ ظَاهِرٌ مَشْهُورٌ وَ أَوْغَائِبٌ مَسْتُورٌ  
وَلَا تَخْلُوا إِلَيَّ أَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ مِنْ حُجَّةٍ لِلَّهِ فِيهَا وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَمْ يُعْبَدُ اللَّهُ».

ترجمه: زمین از آن روزی که خداوند آدم را خلق نموده هرگز خالی از وجود  
حجت نمانده و نخواهد ماند خواه حجت ظاهر و شناخته شده و خواه حجت غائب  
نهان. و تا رستاخیز چنین خواهد بود و اگر چنین نباشد خدای یگانه پرستیده  
نمی‌شود.

سلیمان گوید عرض کردم سرورم چگونه از امام غائب بهره‌وری  
می‌شود. حضرت فرمود: «كَمَا يَنْتَفِعُونَ بِالشَّمْسِ إِذَا سَتَرَهَا السَّحَابُ»<sup>۲</sup>.

۱ - اکمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۵۳؛ بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۹۲.

۲ - همان، ص ۲۰۷؛ همان.

ترجمه: همچنانکه از خورشید در موقع پوشیده شدن در زیر ابرها بهره‌مند می‌شوند.

۳ - در توفیق مبارک که به سوی اسحاق ابن یعقوب صادر شده خود آن بزرگوار مرقوم داشته که «وَأَمَّا وَجْهُ الْأَنْتِفَاعِ بِي فِي غَيْبَتِي فَكِلَانْتِفَاعٍ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيْبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: بهره‌وری از وجود من در غیبت همانند خورشید است که ابرها او را از چشم‌ها پنهان ساخته‌اند.

و عین همین از امام سجاده (ع) روایت شده است.

۴ - امام باقر (ع) می‌فرماید: «وَنَحْنُ أئِمَّةُ الْهُدَى وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُنَزَّلُ اللَّهُ الرَّحْمَةَ وَ بِنَا تُسْقَوْنَ الْغَيْثَ وَ نَحْنُ الَّذِينَ بِنَا يُصْرَفُ عَنْكُمْ الْعَذَابَ فَمَنْ عَرَفَنَا وَ عَرَفَ حَقَّنَا وَ أَخَذَ بِأَمْرِنَا فَهُوَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا»<sup>۲</sup>.

ترجمه: ما پیشوایان هدایت‌کننده این مردم هستیم و مائیم که به وسیله ما رحمت خداوند نازل می‌شود و به خاطر ما، شما از باران سیراب می‌شوید و به خاطر ما عذاب از شما اهل زمین دفع می‌گردد پس کسی که ما را بشناسد و حق و منزلت ما را بداند و به دستورات ما عمل نماید او از ما و به سوی ماست.

۵ - هشتمین امام می‌فرماید: «نَحْنُ حُجَجُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ بِنَا يُمَسِكُ اللَّهُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَ بِنَا يُنَزَّلُ الْغَيْثَ وَ يَنْشُرُ الرَّحْمَةَ وَ لَا تَخْلُوا

۱ - الامامه احمد محمود صبحی، ص ۴۱۳؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۹۳.

۲ - اکمال‌الدین، ج ۱، ص ۲۰۶؛ بصائر الدرجات، ص ۶۳؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۲۶، ص ۲۴۸.



الأَرْضَ مِنْ قَائِمٍ مِّنَّا ظَاهِرٍ أَوْ خَافٍ وَلَوْ خَلَّتْ يَوْمًا بِغَيْرِ حُجَّةٍ لَمَاجَتْ بِأَهْلِهَا كَمَا تَمُوجُ الْبَحْرُ بِأَهْلِهِ»<sup>۱</sup>

ترجمه: ما حجت‌های خدا در میان بندگانش هستیم به برکت ما و به خاطر ما آسمان‌ها و زمین را نگه می‌دارد که نابود نشوند و به سبب ما باران می‌بارد و رحمت خدا در زمین می‌گستراند و هرگز زمین از قائم و پیشوایی از اهل بیت ما خالی نمی‌شود یا آشکارا و یا پنهان از چشم‌ها، اگر یک روز خالی از حجت باشد زمین آرام و قرار خویش را از دست داده و همانند دریا که به اهلش موج می‌راند توفنده و سرگردان می‌شود.

۶ - «قال النبي (ص) النجوم أمان لأهل السماء وأهل بيتي أمان لأهل الأرض فإذا ذهبَت النجوم أتى أهل السماء ما يكرهون وإذات ذهبَ أهل بيتي أتى أهل الأرض ما يكرهون يُعنى بأهل بيته الأئمة الذين قرن الله طاعتهم بطاعته فقال (يا أيها الذين آمنوا أطيعوا الله وأطيعوا الرسول وألئ الأمر منكم)<sup>۲</sup> وهم المعصومون المطهرون الذين لا يذنبون ولا يعصون وهم المؤيدون الموفقون المسددون بهم يرزق الله عباده وبهم يعمر بلادهم وبهم ينزل القطر من السماء وبهم تخرجُ بركات الأرض وبهم يمهل أهل المعاصي ولا يعجل عليهم بالعقوبه والعذاب. لا يفارقهم روح القدس ولا يفارقونه ولا يفارقهم القرآن ولا يفارقونه»

۱ - اکمال‌الدین، ج ۲، ص ۲۰۵؛ بحارالانوار، مجلسی، ج ۲۷، ص ۳۰۹.

۲ - سوره نساء، آیه ۵۹.

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»<sup>۱</sup>

ترجمه: پیامبر(ص) فرمود: ستارگان مایه امن اهل آسمان هستند و خاندان من امن و امان اهل زمینند. اگر ستارگان نابود گردند آنچه را که اهل آسمان خوشی ندارند اتفاق می افتد و هنگامی که اهل بیت من نباشند، فرا می رسد بر مردم آنچه بیم دارند و روشن است که منظور از اهل بیت کسانی هستند که خداوند اطاعت آنان را در کنار اطاعت خود بر بندگان واجب نموده است که در سوره نساء، آیه ۵۹ فرموده: ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را و پیامبر را و صاحبان امر را که امامان دوازده گانه است اطاعت و فرمانبرداری نمائید. و اینان همان خاندان عصمت و طهارت و پیشوایان پاک و معصومند، که در زندگی خویش گناه و معصیت نمی کنند و آنان همواره تأیید شده از جانب خداوند و موفق در کارها و راستکار در دنیا و آخرت بوده و کامیابند و به برکت آنان خداوند بندگان را روزی داده و شهرها را آباد نموده و باران از آسمان فرو باریده و زمین برکاتش را خارج می سازد. و به احترام آنان به گناهکاران مهلت داده و در کیفر و عذابشان تعجیل نمی شود. آنان امامان نوری هستند که از روح القدس جدا نبوده و روح القدس از آنان جدا نمی شود و آنان از قرآن جداپذیر نبوده. و قرآن از آنان جدا نمی باشد. یعنی آنان قرآن ناطق و مجسم می باشند. درود و سلام و رحمت خداوند بر آنان باد.

۱ - علل الشرایع، ص ۵۲؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۲۳، ص ۱۹.

## نکته آخر در این بحث

حقیقت این است که مهدی موعود و صاحب الزمان از راه‌های گوناگون از خط راستین اهل‌البیت و اسلام دفاع نموده و در هر زمانی که نیاز باشد و زمان و مکان و اشخاص مقتضی باشد به حل مشکل و دفاع از شیعیانش و پناهندگانش را انجام می‌دهد. و این مسئله بارها در رابطه با مشکلات علمی و عقیدتی و عنایت به علما و فقهاء بزرگ اتفاق افتاده است که خارج از حد جواب این سوال می‌باشد و همچنانکه خود آن بزرگوار در اولین توقیع مبارک خود به شیخ مفید (علیه‌الرحمة) صادر شده و در جای خود آورده می‌شود و می‌فرمایند: «إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَلَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَلَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ أَلَلَاءٌ وَأَصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ».

ترجمه: من هرگز از سرپرستی و رسیدگی به امور شما کوتاهی نورزیده و شما را از یاد نبرده و فراموشتان نمی‌کنم و اگر جز این بود امواج بلاها بر شما فرود آمده و دشمنان کینه‌توز شما را ریشه‌کن می‌ساختند.

و حتی امام (ع) از زائرین اجدادشان نیز حمایت و سرپرستی می‌نماید و خلاصه همانطوری که فیلسوف متبحر شیعه جناب خواجه‌نصرالدین طوسی (علیه‌الرحمة) می‌فرماید: «وَجُودُهُ لُطْفٌ وَ تَصَرُّفُهُ لُطْفٌ آخِرٌ وَعَدَمُهُ مِنَّا».

ترجمه: وجود گرانمایه آن سرور لطف خدا و دخالت سرپرستی امور، لطف دیگر و غیبتش از ما است.

سؤال یازدهم: مرجعیت و رهبری دینی از کی بوده و معنای شرعی آن چیست؟

الف) مبانی مرجعیت و رهبری فقهای اسلام در زمان غیبت کبری روایات صادره از ائمه (علیهم السّلام) و دستورات خود آن بزرگواران و خود امام مهدی است که شیعیان و مسلمانان را به تبعیت از علماء اسلام و فقهای عظام امر نموده‌اند. که علاوه بر آیاتی از قرآن کریم و عقل که انسان را به اهل علم و تخصص فرا می‌خواند و توصیه می‌نماید. براساس نقل صحیح و نصر امامان در این رابطه که فراوان است و اینک فقط پاره‌ای از آنها تیمناً ذکر می‌گردد:

۱ - «قال الحُسين (ع) مَجَارِي الْأُمُورِ وَالْأَحْكَامِ عَلَى أَيْدِي الْعُلَمَاءِ بِاللَّهِ الْأَمْنَاءُ عَلَى حَلَالِهِ وَحَرَامِهِ»<sup>۱</sup>

ترجمه: امام سوّم فرموده: مجاری کارهای شرع و احکام الهی در دست عالمان دینی که امینان الهی در حرام و حلال او بوده می‌باشد.

۲ - «الْعُلَمَاءُ مَصَابِيحُ الْأَرْضِ وَ خُلُقَاءُ الْأَنْبِيَاءِ وَ وَرَثَتِي وَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ»<sup>۲</sup>

ترجمه: پیامبر گرامی (ص) فرمود: علماء چراغ‌های روی زمین و جانشینان انبیاء و وارث من و وارث همه انبیاء هستند.

۳ - در توقیعی که در پاسخ نامه اسحاق ابن یعقوب توسط نائب دوّم

۱ - الحیاء، ج ۲، ص ۲۸۱؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۴.

۲ - میزان الحکمه ماده علم، رسول... .

محمد ابن عثمان عمری صادر شده می‌فرماید: «وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُؤَاةِ أَحَادِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: در حوادث و کارهای مهم پیش آمده به راویان حدیث ما و عالم دینی رجوع نمایند چراکه آنان حجت من بر شما و من حجت خداوند بر آنان هستم.

۴ - «عَنْ الْعَسْكَرِيِّ (ع) فَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ وَ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالَفًا عَلَى هَوَاهُ وَ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ وَ ذَلِكَ لَا يَكُونُ إِلَّا بَعْضُ الْفُقَهَاءِ الشَّيْعَةِ لِاجْمَاعِهِمْ»<sup>۲</sup>.

ترجمه: امام یازدهم حسن عسگری (ع) فرمودند: پس هر کسی که از فقها و علمای دین تقوا پیشه و نفس خود را کنترل نمایند و دین الهی را حفظ کنند و بر هوای نفس خویش مخالف و غلبه نمایند و بر اوامر خدایشان مطیع و فرمانبر باشند پس بر عموم مردم است که تابع آنان در دین باشند و این شرایط جمع نمی‌شود مگر در بعضی از فقهای شیعه نه در همه‌شان یعنی نه اینکه هر فقیه و عالم بلکه کسانی که دارای چنین شرایطی باشند.

ب) شروع رهبری دینی: بنا به تحقیق که آیت... قزوینی<sup>۳</sup> هم در کتاب خود آورده اولین کسی که رهبری و مرجعیت دینی را در غیبت کبری به دست گرفته، فقیه گرانقدر شیخ حسن ابن علی ابن عقیل عمّانی<sup>۴</sup> بوده است.

۱ - وسائل الشیعه، ج ۱۸، ص ۱۰۱؛ اکمال الدین، ج ۲، ص ۴۸۴.

۲ - آثار الصادقین، ج ۱۶، ص ۵۵۳؛ دهها کتاب دیگر از جمله سفینه البحار، ج ۲، ص ۳۸۱ و...

۳ - امام مهدی، آیت... قزوینی، ص ۳۲۵.

۴ - عمّانی منسوب به کشور فعلی عمان می‌باشد.

مرحوم آیتا... سید محمدمهدی بحرالعلوم<sup>۱</sup> در مورد ابن عقیل عمّانی نوشته است که او نخستین کسی است که فقه را دسته‌بندی نموده و تهذیب کرد و در راه استنباط احکام از ادله تفصیلی آن دست به تلاش گسترده زده و پایه‌های اجتهاد را استحکام بخشید.

و نیز می‌نویسد موقعیت این عالم بزرگ در عدالت و اجتهاد و علم و فضل و فقه و فقاہت در میان علمای شیعه به حدی بوده که بزرگان شیعه در مقابل آن خاضع بوده‌اند و به ویژه دو شخصیت گرانقدر فقه و فقاہت مرحوم علامه حلّی<sup>۲</sup> و محقق حلّی<sup>۳</sup> و علماء دیگر به فرمایش‌های مرحوم عمّانی و به فتوای او عمل نموده و سخت بها می‌دادند. و دانشمندان بزرگی همچون شیخ مفید<sup>۴</sup> و شیخ طوسی<sup>۵</sup> او را ستوده‌اند.

او در موضوع امامت کتاب «الکفر والفر»<sup>۶</sup> و در فقه کتاب تحت عنوان «المتمسک بحبل ال رسول»<sup>۷</sup> نگاشت. و ایشان در زمان ابن جنید مرحوم می‌زیسته است و می‌دانیم که ابن جنید\* از اساتید شیخ مفید (علیه‌الرحمة)

۱ - بحرالعلوم از خاندان بحرالعلوم و از فقهای بزرگ نجف می‌باشد.

۲ - علامه یوسف ابن مطهر حلّی یکی از نوایغ روزگار می‌باشد.

۳ - مرحوم محقق حلّی فقیه وارسته که شرایع را نگاشته است که در جهان تشیع می‌درخشد.

۴ - حالات شیخ مفید مفصلاً ذکر می‌گردد.

۵ - شیخ طوسی مرحوم استاد الفقهاء المتقدمین می‌باشد.

۶ - متأسفانه حوادث روزگار اثری از آن دو کتاب را باقی نگذاشته است.

۷ - همان.

\* مدرک مطالب رجال بحرالعلوم، ج ۲، ص ۲۲۰؛ امام مهدی، آیتا... قزوینی، ص ۳۵۳.

بوده است.<sup>۱</sup> و می‌توان گفت که او در فاصله رحلت چهارمین سفیر امام زمان(ع) و ظهور و نبوغ شیخ مفید(علیه‌الرحمة) از حلقه‌های مفقوده‌ئیست. چرا که رحلت جناب علی ابن محمد سمري<sup>۲</sup> چهارمین نائب خاص امام در سال ۳۲۹ هـ. ق اتفاق افتاده و ولادت شیخ مفید در سال ۳۳۸ هـ. ق بوده است. به هر حال ایشان و علمای بعد از او به ویژه دو شخصیت علامه حلّی و محقق حلّی و ابن جنید پایه‌های اولیه اجتهاد و رهبری دینی را نهاده و پیشوایی شیعیان را به ویژه در مسائل و احکام و رجوع عامّه دادند تا اینکه خداوند برای اسلام و تشیع و مکتب آل محمد(ص) نابغه‌ای متبحر و عالمی فرزانه و مجتهدی مورد تأیید همه جانبه امام مهدی(ع)، (شیخ مفید را) عنایت نمود.

### شیخ مفید

حقیقتاً یکی از آیات الهی و نابغه‌ای کم‌نظیر از نوابغ تشیع و شخصیت بزرگی از پرورش یافتگان مکتب اسلام و اهل بیت(علیهم‌السلام) بود. او سرور فقیهان و تاج سر عالمان عصر غیبت بود که فضیلت‌های برتر وجودیش او را به ریاست عامه رسانده است. او در دانش، اخلاص، ورع، فقاہت، عدالت و بزرگمنشی سرآمد همه اقران و صدرنشین همه

۱ - ابن جنید از فقهای نامدار و استاد شیخ مفید بوده و گاهی آراء متضردی دارد.

۲ - علی ابن محمد سمري آخرین سفیر امام بوده که با فوت او غیبت کبری شروع شد.

اعجوبه‌های علمی و متکفل ایتم آل محمد(ص) و احیناگر مکتب تشیع بوده است. و به خاطر همین ویژگی‌ها توفیق آن را یافت که امام مهدی(ع) نامه‌های متعددی را برای او بنگارد. آن هم نامه‌ای که از آن محبوب عالم و مقصود اولیاء دریافت می‌کند با آن عبارات گرانمایه و واژه‌های افتخارآمیز و القاب و صفات محکم و ستودنی که در محل خود ذکر می‌گردد. و نکته دیگر اینکه در کتاب‌های مربوطه حدیثی و رجالی تنها به دو نامه پرداخته شده ولی از سیاق نامه آخر به دست می‌آید که امام بیش از ۲ نامه مورد تأیید مطلقاش مرقوم فرموده است. و اینک متن نخستین توفیق مبارک که در ماه صفر<sup>۱</sup> ۴۱۰ هـ. ق به شیخ مفید رسیده است.

### توفیق اول

«لِلْأَخِ السَّدِيدِ وَالْوَلِيِّ الرَّشِيدِ، الشَّيْخِ الْمُفِيدِ، أَبِي عَبْدِ اللَّهِ مُحَمَّدِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانَ أَدَامَ اللَّهُ إِعْزَاظَهُ. مِنْ مُسْتَوْدَعِ الْعَهْدِ الْمَأْخُوذِ عَلَى الْعِبَادِ».

ترجمه: به برادر استوار و شایسته کردار و دوست رشید شیخ مفید ابی‌عبدا... محمد ابن محمد نعمان که خداوند عزتش پایدار بدارد. از سوی گنجینه عهد و پیمان خداوند بر بندگانش.

۱ - سال ۴۱۰ تقریباً اواخر عمر مبارک شیخ مفید می‌باشد چرا که او در سال ۳۳۸ هـ. ق ۹ سال بعد از رحلت آخرین سفیر امام بوده است.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَمَّا بَعْدُ سَلَامٌ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْمُخْلِصُ فِي الدِّينِ الْمَخْصُوصِ فِينَا بِالْيَقِينِ، فَأَنَا  
نَحْمِدُ إِلَيْكَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَ نَسْأَلُهُ الصَّلَاةَ عَلَى سَيِّدِنَا وَ مَوْلَانَا وَ نَبِيِّنَا  
مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ نَعْلِمُكَ أَدَامَ اللَّهُ تَوْفِيقَكَ لِنُصْرَةِ الْحَقِّ وَ أَجْزَلَ مَثُوبَتِكَ  
عَلَى نِطْقِكَ عَنَّا بِالصِّدْقِ أَنَّهُ قَدْ أذِنَ لَنَا فِي تَشْرِيفِكَ بِالْمُكَاتِبَةِ وَ تَكْلِيفِكَ مَا  
تُؤَدِّيهِ عَنَّا إِلَى مُوَالِينَا قَبْلَكَ أَعَزَّهُمُ اللَّهُ بِطَاعَتِهِ وَ كَفَاهُمُ الْمُهِمَّ بِرِعَايَتِهِ لَهُمْ وَ  
حِرَاسَتِهِ. فَقِفْ أَهْدِكَ اللَّهُ بِعُونِهِ عَلَى أَعْدَائِهِ الْمَارِقِينَ مِنْ دِينِهِ عَلَى مَا نَذَكُرُهُ  
وَاعْمَلْ فِي تَأْدِيتِهِ إِلَى مَنْ تَسْكُنُ إِلَيْهِ بِمَا نَرَسِمُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

نَحْنُ وَ إِنْ كُنَّا ثَاوِينَ بِمَكَانِنَا الْنَائِي عَنْ مَسَاكِنِ الظَّالِمِينَ حَسْبَ الَّذِي  
أَرَانَاهُ اللَّهُ تَعَالَى لَنَا مِنَ الصَّلَاحِ وَ لِشِيعَتِنَا الْمُؤْمِنِينَ فِي ذَلِكَ مَا دَامَتْ دَوْلَةُ الدُّنْيَا  
لِلْفَاسِقِينَ. فَأَنَا غِيطٌ عَلِمًا بِأَنْبَاءِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْءٌ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَ مَعْرِفَتِنَا  
بِالذُّلِ الَّذِي أَصَابَكُمْ وَ مُذْجَنَحٌ كَثِيرٌ مِنْكَ إِلَى مَا كَانَ السَّلْفُ الصَّالِحُ عَنْهُ شَاسِعًا وَ  
نَبَذُوا الْعَهْدَ الْمَأْخُودُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ.

إِنَّا غَيْرُ مُهْمَلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لِنَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْلَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمْ الْأَوَاءُ  
وَ اصْطَلَمَكُمْ الْأَعْدَاءُ وَ فَاتَّقُوا اللَّهَ جَلَّ جَلَالُهُ وَ ظَاهِرُوا نَا عَلَى أَنْتِيَاشِكُمْ مِنْ فِتْنَتِهِ  
قَدْ أَنَا فِت وَ عَلَيْكُمْ يَهْلِكُ فِيهَا مَنْ حُمَّ أَجْلُهُ وَ يَحْمَى عَنْهَا مَنْ أَدْرَكَ أَمَلُهُ وَ هِيَ  
أَمَارَةٌ لَأَزُوفُ حَرَكَتِنَا وَ مَبَاثِتِكُمْ بِأَمْرِنَا وَ نَهْنِينَا وَ اللَّهُ مُتَمُّ نُورِهِ وَ لَوْ كَرِهَ  
الْمُشْرِكُونَ. اِعْتَصِمُوا بِالتَّقِيهِ مِنْ شَبِّ نَارِ الْجَاهِلِيَةِ تُحِشُّهَا عَقْبُ أَمْوِيَّةَ يَهُولُ بِهَا

بِالْعَمَلِ عَلَيْهِ اِنْشَاءَ اللّٰهِ وَ صَلَّى اللّٰهُ عَلٰى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطّٰهَرِيْنَ»<sup>۱</sup>. (این قسمت را در پایان نامه خود به امام مرقوم فرموده‌اند).

### ترجمه نامه مبارک

به نام خداوند بخشاینده مهربان

اما بعد درود بر تو ای دوست باخلاص در دین خدا، ای آنکه در عشق و ایمان به خاندان رسالت به اوج آگاهی و یقین رسیده‌ای، ما در نامه خود به سوی تو آفریدگار بی‌همتا را که جز او خدایی نیست سپاس گفته و از بارگاه با عظمت او بر سرور و سالارمان و پیام‌آورمان محمد(ص) و خاندان گرانقدر و پاک او درود و رحمت جاودانه مسئلت می‌داریم و به تو که خداوند برای یاری حق توفیق وافر ارزانی داشته و اجر و پاداشت را به خاطر سخنان حقی که از جانب ما می‌گویی کامل و افزون نماید اعلام می‌داریم که به ما از جانب خداوند اجازه داده شد که تو را به افتخار دریافت‌نامه و پیام کتبی مفتخر ساخته و به تو مسئولیت بدهیم که آنچه را به توی می‌نگاریم همه به دوستان واقعی ما که در قلمرو پیام هستند برسانی. به آن دوستان و شیفتگانی که خداوند به برکت فرمانبرداری از حق گرامیشان بدارد و در پرتو حراست و عنایت خود به آنان کارهایشان را کفایت و مشکلاتشان را مرتفع سازد. پس به آنچه یادآوری نمودیم آگاه باش که خداوند با یاریش تو را در برابر دشمنانش که از دین بیرون شده‌اند، تأیید فرماید. و نیز در کار مهم رسانیدن پیام ما

۱ - احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۴۶۷؛ بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۷۵؛ معجم الاحادیث الامام المهدی(ع)، ج ۴، ص ۴۶۰.

که برای تو ترسیم خواهیم نمود به کسانی که به آنها اطمینان و اعتماد داری عمل کن و گرچه ما اینک آنچه خداوند براساس حکمت خویش برای ما و پیروان باایمانمان صلاح دیده تا وقتی که حکومت دنیا در دست فاسقان و مستبدین است در مکانی دور از قلمرو بیدادگران سکونت گزیده‌ایم. اما بر اوضاع و اخبار شما و جامعه شما به خوبی آگاهیم و چیزی از رخدادهای زندگی شما بر ما پوشیده نمی‌ماند، و شرایط دردناکی شما و شیعیان ما بدان گرفتارند همانطور برای ما شناخته شده است. از آن زمانی که بسیاری از موالیان ما، به راه ناپسندانهای که پیشینیان شایسته کردار از آن دوری می‌جستند روی آورده و پیمان فطرت الهی را پشت نمودند که گویی هرگز بدان آگاهی نداشتید. و اینک به کیفر گناهان اینگونه به اوضاع غمبار و خفت‌انگیز گرفتار شدید و ما از سرپرستی و رسیدگی به امور شما کوتاهی نورزیده و یاد شما را از صفحه دل خود نزوده‌ایم، که اگر جز این بود امواج سختی‌ها بر شما فرود آمده و دشمنان بدخواه شما را ریشه‌کن می‌ساختند. پس پروای خدا را پیشه سازید و از اهداف و راه و روش ما پشتیبانی کنید تا شما را از فتنه‌ای که به سویتان روی آورده و شما اینک در لبة پرتگاه آن قرار گرفته‌اید نجات بخشیم. آن فتنه‌ای که هر کس اجلس فرا رسد نابود می‌گردد و آن کس که به آرزوی خویش نزدیک شده بود دور سازد و آن فتنه از نشانه‌های جنبش ما که شما جز آن را به دستور ما پخش می‌کنید (یعنی انتظار فرج ما و توجه به ما نمودن) و خداوند نور خود را کامل خواهد نمود اگرچه مشرکین نپسندند (یعنی عاقبت پیروزی از آن ماست) از برافروختن شعله‌های آتش جاهلیت که گروه‌های اموی مسلک و باطل بر آن تکیه دارند تا هدایت یافتگان

پیروان ما بترسانند. به سپر تقیّه پناه برده و به آن چنگ نزنید. من نجات کسی را تضمین می‌کنم که در آن فتنه برای خود به فکر جایگاه و موقعیت نباشد و با دوری از آن در راه خدا گام بسپارد. «در اینجا گویا اشاره به عدم شهرت و خودنمایی بعضی‌هاست» از رویدادی که به وقت فرا رسیدن جمادی‌الاول امسال اتفاق خواهد افتاد عبرت آموزید. و از خواب گرانی که شما را گرفته بیدار شوید. به زودی نشانه روشن از آسمان و نظیر آن از زمین پدیدار خواهد گشت. «اینجاست که اکثر مترجمین و محققین معنای درست و حسابی از فتنه یاد شده به دست نداده و هر کسی برداشتی و تعبیری جداگانه ارائه کرده است» در شرق عالم رویدادهای اندوهبار و دلهره‌آوری رخ خواهد نمود و آنگاه گروه‌هایی که از اسلام خارجند بر عراق سلطه خواهند یافت بر اثر کارهای ناهنجار آنان مردم دچار تنگی معیشت و کمی روزی می‌شوند و تا اینکه استبدادگر بدکار نابود گردیده و رنج و درد مردم برطرف خواهد شد. و آنگاه پارسایان درست‌اندیش از نابودی دشمنان شادمان خواهند بود. مردمی که از نقاط مختلف کره زمین به زیارت خانه خدا می‌روند و هر چه بخواهند در اختیار آنان قرار خواهد گرفت و ما در آسان ساختن سفر حج آنان مطابق دلخواهشان نقش و موقعیت خاصی خواهیم داشت که در پرتو نظم و تدبیر و انسجام آشکار می‌گردد. از اینرو هر یک از شما باید با همه وجود و امکانات به کارهایی پردازید که شما را به دوستی ما نزدیک می‌سازد. و از کارهایی که ناخوشایند و موجب خشم و ناراحتی ما می‌گردد به شدت دوری جوئید و چرا که فرمان ما به طور ناگهانی فرا می‌رسد، در شرایطی که بازگشت و توبه سودی

نبخشیده و پشیمانی از گناه و زشتکاری، او را از کیفر عادلانه ما رهایی نخواهد بخشید. خداوند راه رشد و رستگاری را به شماها الهام بخشد و وسائل پیروزی به لطف خویش برایتان فراهم آورد.

هان ای برادر پُر مهر و اخلاص و باصفای در محبت و ای یار و یاور باوفای ما، این نامه‌ها به سوی توست. خداوند به چشم بیدارش که هرگز آن را خواب نمی‌گیرد تو را حفظ نماید. این نامه را نگهدار و آنچه برایت نگاشته‌ایم به کسی نشان مده و هیچ کس را از محتوای آن آگاه مساز و آنچه در این نامه است تنها به افراد مورد اعتماد خویش بازگو و به خواست خداوند پیروان ما را به عمل کردن بر طبق محتوای آن، سفارش کن. و درود خدا بر محمد و خاندان پاک و پاکیزه‌اش باد.

**نکاتی چند در این توقیع مبارک به چشم می‌خورد که مهم است:**

- ۱ - عبارات سرشار از مهر و محبت امام (ع) و واژه‌های محکم به شدت تأیید کننده که حکایت از جایگاه بسی والای شیخ در نزد امام داشته و انصافاً او را ممتاز و کم‌نظیر در میان اقران می‌نمایاند. که حقاً شیخ مفید در شایستگی این مقام و خدمت شایان به مکتب و مرام اهل‌البیت سرآمد است.
- ۲ - از فقرات گوناگون توقیع برمی‌آید که همواره ناظر بر اعمال و رفتار شیعیانش بوده و از اعمال ناشایست و غفلت آنان به ویژه از انحرافات صورت گرفته بعضی از آنان خاطر مبارک‌شان رنجیده به طوری که هشدار شدید به گرفتاری و کیفر سخت می‌دهد که آن وقت پشیمان شدنشان هم

فایده نخواهد بخشید.

۳ - امام به پیشامدهایی اشاره می‌فرمایند که معنای صحیح آن و یا موارد و مصادیق آن به علل ابهام تاریخ و گذشتن زمان به خوبی برای ما روشن نیست و همچنانکه در ترجمه بعضی فقرات توقیع اشاره گردید. هر کسی به حوادثی تطبیق داده که درست نمی‌نماید.

### توقیع دوم

نامه دیگر از آن کعبه مقصود و محبوب قلوب که در روز پنجشنبه ۲۳ ماه ذیحجه سال ۴۱۲ هجری به شیخ رسیده چنین است:

«مِنْ عَبْدِ اللَّهِ الْمُرَابِطِ فِي سَبِيلِهِ إِلَى مُلْهِمِ الْحَقِّ وَ دَلِيلِهِ».

ترجمه: از سوی بنده خدا که مرزبان دین و مقررات الهی و رابط راه او با بندگانش به سوی کسی که حقیقت به او نمایاند، و اینک او دلیل و راهنمای حق و حقیقت بر بندگان خدا است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَلَامُ اللَّهِ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّاصِرُ لِلْحَقِّ وَ الدَّاعِي إِلَيْهِ بِكَلِمَةِ الصِّدْقِ فَإِنَّا نَحْمَدُ اللَّهَ  
إِلَيْكَ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، إِلَهُنَا وَ إِلَهُ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ وَ نَسْأَلُهُ الصَّلَاةَ عَلَى سَيِّدِنَا وَ  
مَوْلَانَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ.

وَ بَعْدَ فَقَدْ كُنَّا نَنْظُرُنَا هُنَا مَنَاجَاتَكَ عَصَمَكَ اللَّهُ بِالتَّبِيبِ الَّذِي وَ هَبَهُ اللَّهُ لَكَ

مِنْ أَوْلِيَائِهِ وَ حَرَسَكَ بِهِ مِنْ كَيْدِ أَعْدَائِهِ وَ شَفَعْنَا ذَاكَ. أَلَا نَ مِنْ مُسْتَقَرٍّ لَنَا  
يَنْصَبُ مِنْ شِمْرَاخٍ مِنْ بَهْمَاءٍ صِرْنَا إِلَيْهِ انْفَاءً مِنْ غَمَالِيلِ أَلْجَانَا إِلَيْهِ السَّبَارِيْتِ مِنْ  
الْمَأَيْمَانِ وَ يُوشِكُ أَنْ يَكُونَ هَبْوَطْنَا إِلَى صَحْصَحٍ مِنْ غَيْرِ بَعْدِ مِنَ الدَّهْرِ  
وَلَا تَطَاوُلِ مِنَ الزَّمَانِ.

وَ يَأْتِيكَ نَبَأٌ مِنَّا بِمَا يَتَجَدَّدُ لَنَا مِنْ حَالٍ فَتَعْرِفُ بِذَلِكَ مَا تَعْتَمِدُهُ مِنَ الزَّلْفَةِ  
إِلَيْنَا بِالْأَعْمَالِ وَاللَّهُ مُوَفِّقٌ لِدَاكِ بِرَحْمَتِهِ.

فَلْتَكُنْ حَرَسَكَ اللَّهُ بِعَيْنِهِ الَّتِي لَا تَنَامُ، أَنْ تُقَابِلَ لِذَلِكَ فِتْنَةً تُبْسِلُ نَفُوسَ قَوْمٍ  
حَرَّتْ بِاطِلًا لِأَسْتِرْهَابِ الْمُبْطِلِينَ، يَبْتَهِجُ لِذِمَارِهَا الْمُؤْمِنُونَ وَ يَحْزَنُ لِذَلِكَ  
الْمُجْرِمُونَ. وَ آيَةُ حَرَكَتِنَا مِنْ هَذِهِ اللَّوْتَةِ حَادِثَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعْظَمِ مِنْ رِجْسِ مُنَافِقٍ  
مُذَمَّمٍ وَ مُسْتَحِلٍّ لِلدَّمِ الْمَحْرَمِ يَعْمَدُ بِكَيْدِهِ أَهْلُ الْإِيْمَانِ وَ لَا يَبْلُغُ بِذَلِكَ غَرَضَهُ  
مِنَ الظُّمِّ وَ الْعُدْوَانِ وَ لِأَتْنَا مِنْ وَرَاءِ حِفْظِهِمُ بِاللِّدْعَاءِ الَّذِي لَا يَحْجُبُ عَنْ مُلْكِ  
الْأَرْضِ وَ السَّمَاءِ فَلِتَطْمِئِنُّ بِذَلِكَ مِنْ أَوْلِيَائِنَا الْقُلُوبُ وَ لِيَثْقُوا بِالْكَفَايَةِ مِنْهُ وَ أَنْ  
رَاعَتْهُمْ بِهِمُ الْخُطُوبَ وَ الْعَاقِبَةَ بِجَمِيعِ صَنَعِ اللَّهِ سُبْحَانَهُ تَكُونُ حَمِيدَةً لَهُمْ مَا  
اجْتَنَبُوا الْمُنتَهَى عَنْهُ مِنَ الذُّنُوبِ.

وَ نَحْنُ نَعْهَدُ إِلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ الْمُخْلِصُ وَ الْمُجَاهِدُ فِينَا الظَّالِمِينَ أَيْدِكَ اللَّهُ  
بِنَصْرِهِ الَّذِي أَيْدِيهِ السَّلْفُ مِنْ أَوْلِيَائِنَا الصَّالِحِينَ أَنَّهُ مَنْ اتَّقَى رَبَّهُ مِنْ إِخْوَانِكَ  
فِي الدِّينِ وَ أَخْرَجَ مِمَّا عَلَيْهِ إِلَى مُسْتَحَقِّهِ وَ كَانَ آمِنًا مِنَ الْفِتْنَةِ الْمُبْطِلَةِ وَ مِحْنَتِهَا  
الْمُظْلِمَةِ الْمُضِلَّةَ وَ مَنْ بَخِلَ مِنْهُمْ بِمَا آعَارَهُ اللَّهُ مِنْ نِعْمَتِهِ عَلَى مَنْ أَمَرَهُ بِصِلَتِهِ

فَإِنَّهُ يَكُونُ خَاسِرًا بِذَلِكَ لِأَوْلَاةِ وَآخِرَتِهِ. وَ لَوْ أَنَّ أَشْيَاعَنَا وَقَقَّهُمُ اللَّهُ لَطَاعَتِهِ  
 عَلَى اجْتِمَاعِ مِنَ الْقُلُوبِ فِي الْوَفَاءِ بِالْعَهْدِ عَلَيْهِمْ لَمَا تَأَخَّرَ عَنْهُمْ الْيَمْنُ بِلِقَائِنَا وَ  
 لَتَعَجَّلَتْ لَهُمُ السَّعَادَةُ بِمُشَاهِدَتِنَا عَلَى حَقِّ الْمَعْرِفَةِ وَ صِدْقِهَا مِنْهُمْ بِنَا.  
 فَمَا يَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا يَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَكْرَهُهُ وَلَا نُؤْتِرُهُ مِنْهُمْ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ  
 وَهُوَ حَسْبُنَا وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ وَ صَلَاتُهُ عَلَى سَيِّدِنَا الْبَشِيرِ النَّذِيرِ مُحَمَّدٍ وَ إِلِهِ  
 الطَّاهِرِينَ وَ سَلَّمَ. وَ كَتَبَ فِي غُرَّةِ شَوَّالِ سَنَةِ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ وَ أَرْبَعِمِائَةَ.  
 هَذَا كِتَابُنَا إِلَيْكَ أَيُّهَا الْوَلِيُّ. أَلْمَلْهُمُ لِلْحَقِّ الْعَلِيِّ وَ بِأَمْلَائِنَا وَ خَطِّ ثِقَتِنَا وَ  
 فَأَخْفَهُ عَنْ كُلِّ عَنِّ كُلِّ أَحَدٍ وَ أَطْرَهُ وَ اجْعَلْ لَهُ نُسخَةً تَطَّلِعَ عَلَيْهَا مَنْ تَسْكُنُ إِلَى  
 أَمَانَتِهِ مِنْ أَوْلِيَائِنَا وَ شَمَلَهُمُ اللَّهُ بِبَرَكَتِنَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ.  
 الْحَمْدُ لِلَّهِ وَ الصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ وَ إِلِهِ الطَّاهِرِينَ.<sup>۱</sup>

ترجمہ نامہ مبارک

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

درود خدا بر تو ای یاری رسان حق و کسی کہ با گفتار راستین و منطق شایسته  
 مردم را بہ سوی حق دعوت می نماید. ما در نامہ خویش بہ سوی تو خدای جہان  
 آفرین کہ خدایی جز او نیست خدای ما و خدای نیاکان ما است، سپاس می گوئیم و  
 از بارگاہ عظمتش بر سرور و سیدمان محمد(ص) آخرین پیام آور خدا و خاندان پاک  
 و پاکیزہ اش درودی جاودانہ می طلبیم. و بعد ای دوست را یافته، بہ حقیقت و خداوند

۱ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۳، ص ۱۷۶، معجم الاحادیث الامام المہدی (ع)، ج ۴، ص ۴۶۲.



بدان وسیله‌ای که به سبب دوستان ویژه خود به تو ارزانی داشته است وجودت را حفظ و تو را از نیرنگ دشمنان حراست فرماید. ما ناظر دعا و مناجات عارفانه و راز و نیاز پرشور با اخلاصت با خدا بودیم و از خدا بزرگ استجابت خواسته را می‌طلبیم. ما اینک در قرارگاه خویش و مکانی ناشناخته بر فراز قلّه‌هایی بلند اقامت گزیده‌ایم که به خاطر عناصری ستمگر و بی‌ایمان بناگزیر از منطقه سرسبز و درختزار بدینجا آمده‌ایم. و به زودی از اینجا نیز به دشتی وسیع که از آبادی چندان دور نیست فرود خواهیم آمد و از وضعیت و شرایط آینده خویش تو را آگاه خواهیم نمود، و تا بدان وسیله در جریان امرمان باشی و به خاطر کارهای سازنده و شایسته‌ات نزد ما مقرب هستی و خداوند به مهر و لطف خود تو را به انجام و تدبیر این کارهای نیک توفیق ارزانی فرموده است.

بنابراین تو را که خدای جهان عنایتش که هرگز خواب در آن راه نمی‌یابد حفظ نماید. باید در برابر فتنه‌ای که جان آنان را که در دل‌هایشان نابوده کرده‌اند و به نابودی خواهند رسید. باید مقاومت نموده و بایستی و باید باطل‌گرایان بداندیش را بترسانی چرا که از سرکوبی آنان مؤمنین شادمان و جنایتکاران اندوهگین خواهند شد.

و نشانه حرکت جنبش ما از این خانه‌نشینی رخداد مهمی است که در سرزمین وحی و رسالت (مکه معظمه)، و از سوی پلیدان نفاق پیشه رخ خواهد داد. از جانب عنصری سفاک که ریختن خون‌های محترم را حلال دانسته و به نیرنگ خویش آهنگ جان ایمان آورندگان خواهد کرد. اما به هدف ستمباره و تجاوزکارانه خویش

دست نخواهد یافت، چرا که ما پشت سر توحیدگرایان شایسته کردار به وسیله نیایش و راز و نیازی که از خدای زمین و آسمان مخفی نمی‌ماند، آنان را حفاظت و نگهداری خواهیم نمود.

بنابراین قلب‌های دوستان ما به دعای ما به بارگاه خداوند آرامش و اطمینان یابد و آسوده خاطر باشند که خداوند آنان را کافی است. گرچه درگیری‌های هراس‌انگیزی آنان را به ترس و دلهره می‌افکند، اما از گزند آن عنصر تبه‌کار در امان خواهند بود. و سرانجام کار با دست توانای تدبیر حکمت خداوند تا هنگامی که پیروان از گناهان دوری گزینند و شایسته و نیکو خواهد بود. هان ای دوست پراخلاص که همواره در راه ما بر ضد بیدادگران در سنگر جهاد و پیکاری. خداوند همانگونه که دوستان شایسته کردار پیشین ما را تأیید فرموده، تو را نیز تأیید می‌نماید. ما به تو اطمینان می‌دهیم که هر کس از برادران دینی‌ات تقوای الهی را برگزیند و آنچه بر گردن دارد به صاحبان حق برساند، در فتنه نابود کننده و در گرفتاری‌های تیره و تار در امان خواهد بود. و هر کسی در دادن نعمت‌های خداوند که به او ارزانی فرموده به کسانی که دستور رسیدگی به آن را داده است بخل ورزید، در دنیا و آخرت بازنده و زیانکار خواهد بود. ای دوست واقعی اگر پیروان ما که خدا آنان را در پیروی از خویش توفیق ارزانی بدارد. به راستی در راه وفای به عهد که متعهد بودند همدل و همصدا می‌شدند و هرگز مبارکی دیدار ما از آنان به تأخیر نمی‌افتاد. و سعادت دیدار ما که براساس معرفت و اخلاص آنان نسبت به ما زودتر نصیب آنان می‌شد.

بر همین اساس باید بدانند که جز برخی رفتار ناشایست آنان که خوشایند ما نیست و زیبنده دوستان ما نمی‌باشد عامل دیگری ما را از آنان دور نمی‌دارد. خداوند در یاری ما کافی و خوب کارساز است. و درود خداوند بر سرور و بیم دهنده محمد(صلی... علیه و آله و خاندانش) باد. این نامه در آغاز سوال ۴۱۲ هجری نگارش یافت.

این نامه به سوی دوست و ای دوست، حقیقت ارزنده‌ای به تو الهام شده که به املای ما و خط یکی از افراد مورد اعتماد ما نوشته شده است. پس آن را از همگان پوشیده بدار و آن را پیچیده و محافظت نمای و به کسی نشان مده. و نسخه‌ای از آن بردار و آن دسته از دوستان ما را که به درستی و امانتداری آنان اعتماد داری بر دریافت این نامه آگاه ساز که خداوند به خواست خویش آنان را به برکت ما مشمول عنایات و برکات خود سازد.

سپاس سزاوار خداوند یکتاست و درود بر سید و سرورمان محمد(ص) پیام‌آور خداوند و خاندان پاکش باد.

نکته‌ها: این نامه مبارک نیز همچون نامه قبلی آن حضرت به سوی شیخ مفید(علیه‌الرحمة) دربردارنده راز و رازهای ارزنده و نکات مهم معنوی و کنایه‌های ذقیمت و پرمعنایی است که فقط خداوند و صادر کننده آن ذخیره خداوند. و دریافت کننده آن را خوب می‌دانند.

۱ - به راستی واژه‌های «مُرَابِطُ» که حفظ کننده شهر یا کشور یا یک موضوع مهم را گویند (مرزدار) در مورد خود آن حجت خدا به کار برده است. شاید دارای معانی فراوان و رساترین تعبیر باشد.

۲ - واژه «مُلْهَمِ الْحَقِّ» در مورد شیخ که فقط حجت خدا می‌تواند این تعبیر را درباره کسی به کار برد که از ضمیر او و درجه ایمان و معنویت او حقیقتاً آگاه باشد. بگذریم از عظمت واژه که ملهم‌الحق به کسی گفته می‌شود که به او از جانب خدا الهام گردد و حقایق به دل او سرازیر گردد.

۳ - فتنه‌ای که فرا می‌گردد و عنصر سفاکی که «يَبْتَهِجُ لِذِمَارِهَا الْمُؤْمِنُونَ وَ يَخْزَنُ لِذَالِكَ الْمُجْرِمُونَ» چیست و کیست که آنقدر مهم است که امام در نامه‌اش می‌آورد و فقط خداوند و امام و مخاطب شیخ مفید در آن عصر و تاریخ می‌فهمد و اما دیگران و ما که متأسفانه ابهام و تاریکی قضیه را از شناخت و فهمیدن ما ناممکن ساخته است.

۴ - «وَايَةُ حَرَكَتِنَا مِنْ هَذِهِ اللَّوْثَةِ حَادِثَةٌ بِالْحَرَمِ الْمُعَظَّمِ مِنْ رِجْسٍ مُنَافِقٍ مُذَمَّمٍ» نشانه حرکت امام کدامین حرکت و به خاطر توطئه و نقشه خائنانه و زشتی کار کسی که می‌خواهد کفر و ظلم و پلیدی خویش را در زیر نقاب ریا و تظاهر به ایمان بپوشاند آنهم در حرم امن خداوند و تعبیر منافق مذموم و کارهای پلید و کثیف او، که امام به شیخ همانند دو دوست صمیمی درددل می‌کند و حوادث را فارغ از اینکه گنه حوادث را و حقیقت مسائل را

ماها بفهمیم تا نه و خود این درددل و گفتن به شیخ مقرب بودن و معتمد بودن کامل شیخ را در پیشگاه امام می‌نمایاند. و نکاتی دیگر.

### سؤال دوازدهم: اصحاب و یاران مهدی (ع) کیانند؟

الف) روایاتی در پیرامون شخصیت یاران امام و نقش برجسته و اوصاف آنان و چگونگی پیوستن‌شان به امام وارد گردیده است، علاوه آیاتی از قرآن مجید نیز در مورد آنان تأویل شده است که اینک به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

۱ - از امام صادق و حضرت باقر (ع) در تأویل آیه «وَلَّيْنَا آخِرَنَا عَنْهُمَا الْعَذَابَ إِلَى أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ»<sup>۱</sup> آمده است که «إِنَّ الْأُمَّةَ الْمَعْدُودَةَ هُمْ أَصْحَابُ الْمَهْدِيِّ فِي آخِرِ الزَّمَانِ. ثَلَاثِمِائَةٍ وَثَلَاثَةِ عَشْرٍ رَجُلًا كَعِدَّةِ أَهْلِ بَدْرٍ يَحْتَبِعُونَ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ كَمَا تَجْتَمِعُ قَزَعِ الْخَرِيفِ»<sup>۲</sup>.

ترجمه: امت<sup>۳</sup> مورد اشاره در آیه یاران حضرت مهدی (ع) در تاریخ آخرالزمان آنان بشمار یاران پیامبر (ص) در جنگ بدر (۳۱۳) نفر هستند که همانند ابرهای پراکنده پاییزی ظرف یک ساعت از سراسر جهان بر گرد وجود آن خورشید جهان‌افروز جمع می‌شوند.

۲ - از امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه «فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَمَا تُكُونُوا

۱ - سوره هود، آیه ۸

۲ - ينابيع المودة، ج ۳، ص ۷۹؛ تغییر برهان ذیل آیه شریفه.

۳ - امت از ماده‌ام و در اصل به مفهوم انضمام چیزها به یکدیگر و به گروهی هم جهت و هم عقیده گفته می‌شود.

يَاتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعاً<sup>۱</sup> فرموده‌اند یعنی «أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَبِضْعَ عَشْرَةَ وَهُمْ وَاللَّهُ أَلَمَّةُ الْمَعْدُودَةِ يَخْتَبِعُونَ فِي سَاعَةٍ وَاحِدَةٍ كَقَزَعِ الْخَرِيفِ»<sup>۲</sup>.

ترجمه: آیه شریفه اشاره به ۳۱۳ یاران خاص مهدی (ع) دارد که در یک ساعت

گرد وجود آن حضرت همانند ابرهای پراکنده پاییزی جمع می‌شوند.

۳ - از امیرمؤمنان علی (ع) وارد شده که: «يَخْتَبِعُونَ قَزَعًا كَقَزَعِ الْخَرِيفِ مِنْ

الْقَبَائِلِ مَا بَيْنَ الْوَاحِدِ وَالْأَثْنَيْنِ وَالثَّلَاثَةِ وَالْأَرْبَعَةِ وَالْخَمْسَةِ وَالسَّيِّئَةِ وَالسَّبْعَةِ وَالثَّمَانِيَةِ وَالتَّسْعَةِ وَالْعَشْرَةِ»<sup>۳</sup>.

ترجمه: یاران او بسان ابرهای پاییزی که به ناگاه برای نزول باران جمع می‌شوند

از هر قبیله و قوم به صورت یک نفر، دو نفر، سه نفر، چهار نفر، پنج نفر، شش نفر، هفت نفر، هشت نفر، نه نفر، ده نفر و... به دور آن وجود محبوب مجتمع می‌شوند.

۴ - امیرمؤمنان در جواب سؤال کسی که از یاران قائم می‌پرسد،

می‌فرماید: «فَيَجْمَعُ اللَّهُ تَعَالَى لَهُ قَوْمًا كَقَزَعِ السَّحَابِ وَ يُؤَلِّفُ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَا يَسْتُو حِشُونًا مِنْ أَحَدٍ وَلَا يَفْرَحُونَ بِأَحَدٍ يَدْخُلُ فِيهِمْ وَعَلَى عِدَّةِ أَصْحَابِ بَدْرٍ لَمْ يَسْبِقَهُمُ الْأَوْلُونَ وَلَا يَذَرِكِهِمُ الْآخِرُونَ»<sup>۴</sup>.

ترجمه: خداوند آنگاه که گروهی را همانند ابرهای پاییزی که یک دفعه جمع

می‌شوند به دور او جمع کند که دل‌های آنان را از مهر و محبت پیوند داده از کسی

۱ - سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۱، ص ۵۵؛ منابع المودة، ج ۳، ص ۷۶.

۳ - غیبت نعمانی، ص ۳۱۵؛ منابع المودة، ج ۳، ص ۷۶.

۴ - معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۳، ص ۱۰۰.

نمی‌ترسند و برای ورود کمکی شادمان نمی‌شوند و تعداد آنان به تعداد اصحاب جنگ بدر بوده و از نظر منزلت نه گذشتگان به آنان سبقت گرفته و نه آیندگان به جایگاه آنان می‌رسد.

۵ - از امام صادق (ع) نقل شده که فرمود: «فَيَصِيرُ إِلَيْهِ أَنْصَارُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُطَوِّى لَهُمْ طَبِئًا حَتَّى يُبَايِعُوهُ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: یاران مهدی (ع) از کران تا کران گیتی به سوی او با طی الارض می‌رسند تا با او بیعت می‌کنند.

۶ - امیرمؤمنان فرمود: «أَلَا وَ إِنَّ الْمَهْدِيَّ أَحْسَنَ النَّاسِ خُلُقًا وَشَ خُلُقًا وَ إِذَا قَامَ يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ أَصْحَابُهُ عَلَى عِدَّةِ أَهْلِ الْبَدْرِ وَهُمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةٌ عَشْرَ رَجُلًا وَ كَانَتْهُمْ لِيُوثٌ قَدْ خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِمْ مِثْلَ زُبُرِ وَالْحَدِيدِ وَ لَوْ أَنَّهُمْ هَمُّوا بِإِزَالَةِ الْجِبَالِ الرَّوَاسِي لِأَزَالُوهَا عَنْ مَوَاضِعِهَا وَ فَهْمُ الَّذِينَ وَ حَدُّوا لِلَّهِ حَقَّ تَوْحِيدِهِ وَ لَهُمْ بِاللَّيْلِ اصْوَاتٌ كَأَصْوَاتِ الثَّوَاكِلِ خَوْفًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ تَعَالَى وَ قَوَامِ اللَّيْلِ وَ صَوَامِ النَّهَارِ وَ كَانُوا رَبَّاهُمْ أَبٌ وَاحِدٌ وَ أُمَّةٌ وَاحِدَةٌ قُلُوبُهُمْ مُجْتَمِعَةٌ بِالْمَحَبَّةِ وَ النَّصِيحَةِ وَ أَلَا وَ إِنِّي أَعْرِفُ بِأَسْمَائِهِمْ وَ أَمْصَارِهِمْ»<sup>۲</sup>.

ترجمه: آگاه باشید که مهدی (ع) زیباترین انسان‌ها از حیث خلقت و اخلاق است و هنگامی که قیام کند اصحابش که به تعداد اصحاب بدر ۳۱۳ نفر هستند به دور آن کعبه مقصود جمع می‌شوند. همگی بسان شیرانیکه از قرارگاه خود خارج گشته

۱ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۴؛ معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۳، ص ۲۹۰.

۲ - الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۰۰؛ نواب الدهور میرجهانی، ج ۲، ص ۱۱۴.

همانند آهن پاره‌های آبدیده. اگر بر متلاشی نمودن کوه‌های محکم تصمیم بگیرند آنها از جا می‌کند و نابود می‌سازند و آنان خدای را در یکتایی آنچنان می‌پرستند که شایسته توحید است. شبانگاهان صدای نیایش یاران مهدی همانند صدای مادران پسر مرده می‌ماند و آنان شب‌زنده‌داران شب و روزه‌داران روزند و اخلاق و دل‌های آنان طوری است که گویا از یک پدر و مادر هستند. و دل‌هایشان لبریز از مهر و خیرخواهی است و به هوش باشید که من نام بلند آنان و نام شهرهایشان را می‌دانم.

۷ - و اینک هفتمین حدیث جامع در اوصاف یاران آن حضرت از زبان امام صادق (ع):

۷ - ۱ «رِجَالٌ كَأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبُرُ الْحَدِيدِ وَلَا يَثُوبُهَا شَكٌّ فِي ذَاتِ اللَّهِ أَشَدُّ مِنْ الْحَجَرِ».

ترجمه: مردانی که گویا قلب‌هایشان از آهن محکم و در راه خدا هیچ شکی در آن راه نداشته و از سنگ بادوام‌ترند.

۷ - ۲ «لَوْ حَمَلُوا عَلَى الْجِبَالِ الرَّوَاسِي لَأَزَالُوهَا».

ترجمه: اگر به کوه‌های محکم حمله نمایند او را از بین برده و زایل می‌نمایند.

۷ - ۳ «يَتَمَسَّحُونَ بِسَرَجِ الْأَمَامِ وَيَطْلُبُونَ بِذَلِكَ الْبَرَكَاتَةَ».

ترجمه: خود را به زین اسب امام مالیده و روی بر آن می‌نهند، یعنی بهترین و بالاترین عشق را به امامشان دارند.

۷ - ۴ «وَيُحَقِّقُونَ بِهِ يَقُونَهُ بِأَنْفُسِهِمْ فِي الْحُرُوبِ».

ترجمه: در جنگ‌ها بر گرداگرد حلقه زده و با جان و نفسشان از او حفاظت می‌کنند. یعنی جان بر کف و ایثارگرانه در خدمت امامشان هستند.



۷ - ۵ «وَيَكْفُونَهُ مَا يُرِيدُ فِيهِمْ».

ترجمه: در هر کاری که او اراده فرماید و از آنان بخواهد عمل می‌کنند. یعنی کارآیی در عمل و توان انجام آن را دارند.

۷ - ۶ «رَجَالٌ لَا يَتَأَمُّونَ فِي اللَّيْلِ لَهُمْ دَوِيٌّ فِي صَلَاتِهِمْ كَدَوِيِّ النَّحْلِ».

ترجمه: مردانی که زنده دارند و در نمازهایشان سوز و گداز همچون ناله‌های زنبور کندوی عسل را دارند. یعنی تهجد و عشق به معبود و مناجات عارفانه دارند.

۷ - ۷ «رُهْبَانٌ فِي اللَّيْلِ وَكُيُوثٌ فِي النَّهَارِ».

ترجمه: زاهدان و عابدان شب و شیران و مجاهدان روزند.

۷ - ۸ «هُمْ أَطْوَعُ لَهُ مِنَ الْأُمَّةِ لِسَيِّدِهَا».

ترجمه: یاران امام در اطاعت او فرمانبردارتر از کنیز به مولایش می‌باشند.

۷ - ۹ «كَالْمَصَابِيحِ كَأَنَّ قُلُوبَهُمُ الْقَنَادِيلُ».

ترجمه: آنان چراغ هدایت و گویا در قلب‌هایشان قندیلی از نور است.

۷ - ۱۰ «وَهُمْ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ مُشْفِقُونَ».

ترجمه: آنان از ترس خداوند پروا پیشه و ترسان و لرزانند.

۷ - ۱۱ «يَدْعُونَ الشَّهَادَةَ وَيَتَمَنُّونَ أَنْ يَقْتُلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ».

ترجمه: آرزوی کشته شدن در راه خدا و همگی شهادت طلبند و فداکار.

۷ - ۱۲ «شِعَارُهُمْ يَا لثَارَاتِ الْحُسَيْنِ».

ترجمه: شعارشان خونخوانی امام حسین (ع) است.

۷ - ۱۳ «إِذَا صَارُوا يَسِيرُ الرَّعْبُ أَمَامَهُمْ سِيرَةَ شَهْرٍ».

ترجمه: وقتی که حرکت می‌کنند به سوی دشمن و به کارزار کفار رُعب و صلابتشان به اندازه یک ماه مسیر زمانی پیشاپیششان پخش می‌شود.

۷ - ۱۴ «بِهِمْ يَنْصُرُ اللَّهُ إِمَامَ الْحَقِّ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: خداوند به وسیله آنان امام زمان برحق را یاری نموده و آنان وسیله پیروزی او هستند و واسطه نصرت دین خداوند.

ب - در رابطه با واژه‌های مبارک اصحاب و انصار بهتر است به محتوای هر دو کلمه و تفاوت‌های آنها توجه کنیم. اصحاب یعنی مدیران و والیان آن بزرگوار در ولایات و کارگزاران آن حضرت و پرچمداران نهضت او که دارای جایگاه بس رفیع و آگاهی‌ها و صلاحیت لازم برای فرماندهی نیروهای طرفدار آن حضرت می‌باشند. ولی یاران و انصار همه مردم پاک و عاشق و عارف امام و طرفدار حق و حقیقت هستند که به مولا می‌پیوندند.

۱ - در روایات از اصحاب و از آن ۳۱۳ بزرگوار (حُكَّامُ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ) تعبیر گردیده است.<sup>۲</sup>

۲ - اما از انصار که با قیام مهدی (ع) از مکه به تدریج به او می‌پیوندند و در بعضی از کتب مربوطه تعداد آنها هنگام خروج از مکه دوازده هزار نفر نوشته شده است.<sup>۳</sup>

۱ - روایت فضیل ابن سیار از امام صادق (ع)؛ بحارالانوار، مجلسی، چاپ بیروت، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۲ - بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۲۶.

۳ - امام مهدی، آیت... قزوینی، ص ۶۰۲؛ ملاحم وفتن سیدابن طاووس، ص ۱۴۵.

۳ - در میان اصحاب آن حضرت که خواصّ او و حاکمان زمین از طرف او خواهند بود در حدیث مشهور و مستفیض است که پنجاه زن وجود دارد که جزو اصحابند.<sup>۱</sup>

۴ - قائم روز شنبه که روز عاشورا و روزی که امام حسین (ع) شهید شد، ظهور می کند و در بعضی روایات که مشهورترند آن حضرت در روز جمعه بعد از نماز عشاء قیام می کند.<sup>۲</sup>

۵ - مهدی (ع) از گردنه کوه طوی در مکه با ۳۱۳ تن یارانش به مسجدالحرام فرود می آیند و در مقام ابراهیم بعد از طواف ۲ رکعت نماز گزارده و حجر را استلام نموده و لب به سخن می گشاید. به طوری که احدی آنگونه سخن نگفته، امام باقر (ع) فرمود در حالیکه یارانش به دور او حلقه زده اند لب به سخن گشوده و اولین کلامش اینست: «بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»<sup>۳</sup> سپس می فرماید: من بقية الله هستم و من حجت خدا بر شما هستم و نخستین کسانی که دست بیعت به او می دهند جبرائیل و میکائیل هستند.<sup>۴</sup>

۶ - پس از چند روز توقف در مکه عده یاران حضرت از مرز دوازده هزار تن می گذرد و حضرت رو به سوی مدینه می نماید. و از مدینه به

۱ - معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۲، ص ۵۲۳؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۲۳.

۲ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

۳ - سوره هود، آیه ۸۶.

۴ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

سوی کوفه پایتخت جاودانه‌اش. و مسجد سهله در واقع منزل آن حضرت خواهد شد و کوفه به کربلا متصل می‌شود و حضرت در کوفه مسجد کوفه را آنقدر توسعه می‌دهد که یکهزار درب برای آن مسجد قرار می‌دهد.<sup>۱</sup>

۷ - فی روایة المفضَّل قال سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: «إِذَا قَامَ قَائِمٌ آلِ

مُحَمَّدٍ (ص) فِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ».<sup>۲</sup>

۸ - شخصیت‌های مشهوری که در روایات، نام‌هایشان آمده که امام را

یاری خواهند کرد.

۸ - ۱ هاشمی خراسانی که رهبر بزرگ مشرق زمین است که به حضرت

پیوسته و بیعت می‌کند.

۸ - ۲ شُعَيبُ ابْنِ صَالِحٍ که فرمانده لشکر خراسانی بوده و در خدمت

امام خواهد بود.

۸ - ۳ سَيِّدُ حَسَنِی که در روایات از یاران خاصّ حضرت بوده و به او

خواهد پیوست.

۸ - ۴ یَمَنِي معروف.

۸ - ۵ بزرگ مصری.

۸ - ۶ عنوانی حاکم آفریقا در روایات آمده.

۸ - ۷ اصحاب کُفِّ که همانند سایر احرار مجاهدین قهرمان امت‌ها به

امام پیوسته و جهاد خواهند نمود.

۱ - امام مهدی (ع) از ولادت تا ظهور، سیدحسین تقوی، ص ۳۱۲؛ آیت... قزوینی، ص ۶۷۵.

۲ - بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۷.

۸ - ۸ حضرت خضر(ع).

۸ - ۹ حضرت الیاس(ع) که زنده‌اند و به امام خواهند پیوست.

۸ - ۱۰ حضرت عیسی(ع) از آسمان فرود آمده و به امام ملحق می‌شود و در مسجد کوفه پشت سر امام نماز می‌خواند، و عنوان وزیر حضرت را خواهد داشت و به سبب او همه مسیحیان تسلیم خواهند شد.<sup>۱</sup>

۹ - نخستین سخنرانی امام مهدی(ع) در مکه: امام باقر(ع) می‌فرماید:

«وَالْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ مَسْتَجِيراً بِهِه فِينَادِي وَ  
أَيُّهَا النَّاسُ. إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ وَ مَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ مُحَمَّدٌ وَ  
نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ.

فَمَنْ حَاجَّنِي فِي آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَى بِآدَمَ وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي نُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ  
بِنُوحٍ وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي  
مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَإِنَّا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي النَّبِيِّينَ فَإِنَّا  
أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ.

اليس الله يقول في مُحكم كتابه «ان الله اصطفى آدمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ

آلَ عُمَرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ».<sup>۲</sup>

۱ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۸۳؛ معجم الاحادیث الامام المهدی(ع)، ج ۱، ص ۵۱۹؛ مهدی از ظهور تا

پیروزی، سیدحسین تقوی، ص ۳۶۰.

۲ - سوره آل عمران، آیه ۳۳.

«فَأَنَا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ وَ ذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ وَ مُصْطَفَى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ صَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ. أَلَا فَمَنْ حَاجَنِي فِي كِتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ.

أَلَا فَمَنْ حَاجَنِي فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ. فَأَنْشِيدُ مَنْ سَمِعَ كَلَامِي الْيَوْمَ، لَمَّا أَبْلَغَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ. وَ أَسْأَلُكُمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ وَ بِحَقِّي وَ فَإِنَّ لِي عَلَيْكُمْ حَقَّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا أَعْتَمُونَا وَ مَنَعْتُمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُنَا وَ فَقَدْ أَخْفَنَا وَ ظَلَمْنَا وَ طَرَدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَانِنَا وَ بُغْيَ عَلَيْنَا وَ دَفَعْنَا عَنْ حَقِّنَا وَ افْتَرَى أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا.

فَاللَّهُ فَاللَّهُ فِينَا وَ لَا تَخْذُلُونَا وَ أَنْصُرْنَا يَنْصُرُكُمْ اللَّهُ تَعَالَى.»<sup>۱</sup>

ترجمه نطق مبارک: آن اصلاحگر بزرگ جهانی در آغاز قیام و در مسجد الحرام تکیه بر دیوار کعبه نموده. جهانیان را مخاطب قرار داده و بیان می‌کند.

هان ای بشریت، جهانیان و مردم روی زمین، اینک ما از خدای توانا یاری می‌طلبیم و هر کسی که از مردم به ندای جهانی پاسخ مثبت دهد دعوت می‌کنیم. ای مردم ما خاندان پیامبر شما محمد(ص) و ما شایسته‌ترین و نزدیکترین مردم به خداوند و پیامبر او محمد(ص) هستیم.

هان ای مردم هر کس با من در مورد آدم(ع) محاجّه نماید من شایسته‌ترین مردم به آدم(ع) نیای بزرگ بشریت هستم. و هر کس در مورد نوح(ع) و ابراهیم(ع) پدر

۱ - غیبت نعمانی، ص ۲۷۹؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۳۹؛ معجم الاحادیث الامام المهدي(ع)، ج ۲، ص ۴۳؛ امام مهدی، آیت... قزوینی، ص ۶۲۶.

پیامبران خدا و محمد(ص)، پیامبر عدالت و رحمت گفتگو و محاجّه نماید، من نزدیکترین انسان‌ها به این پیامبران و پرچمداران توحید هستم و آیا نه اینست که خداوند در کتابش می‌فرماید: «که خداوند؛ آدم، نوح، خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برتری داده، فرزندان بودند که برخی از نسل برخی دیگر پدیدار گشته و خداوند شنوا و داناست». من شایسته‌ترین باقیمانده از فرزندان آدم و بهترین ذخیره از نوح و برگزیده‌ترین از ابراهیم و آخرین امامان راستین از نسل محمد(ص) هستم. آگاه باشید هر کس در مورد کتاب خدا بحث نماید و شیفته آن باشد من نزدیکترین انسان‌ها به کتاب آسمانی هستم و هر کس در مورد سنت پیامبر سخنی گوید من شایسته‌ترین فرد به روش پیامبر و عامل به آن و تحقق بخشنده آرمان‌های والای قرآن و سنت هستم. پس تمامی کسانی که در سراسر گیتی سخنان مرا می‌شنود، اینک همه را سوگند می‌دهم که حاضران پیام مرا به غایبان برساند. و شما را ای مردم جهان به شکوه و حرمت خداوند و پیامبرش و به حرمت حق خویش، که حق قرابت به پیامبر(ص) باشد فراخوانده و سوگند می‌دهم که ما را در راه تحقق بخشیدن به آرمان‌های والای آسمانی یاری نمائید و از ما و اهداف بلند ما حمایت نموده و از آن دفاع نمائید. در روزگاران ستمکاران ما را به جرم دفاع از حق و عدالت مورد تهاجم و تهدید قرار داده ما را از شهر و دیار و خانه و خاندان خویش راندند و حقوق ما را پایمال نمودند و میان ما و حق ولایت و امور به حق ما که خدا آن را به ما سپرده بود، جدایی افکندند و بر ما دروغ‌ها و بهتان‌ها بستند. اینک خدای را، خدای را در مورد رعایت حقوق و پذیرش آرمان‌های ما فراموش نکنید.

و ما را در میدان عدالت گستری و ستم ستیزی تنها نگذارید. و دست از یاری ما برندارید، تا خداوند شما را یاری نماید.

در روایت‌های شیعی مخصوصاً از امام باقر(ع)<sup>۱</sup> خطبه‌های دیگری نقل گردیده که در واژه‌های آن اندکی تفاوت هست و در بعضی روایات اول سخن را با نام و یاد و مظلومیت امام حسین آغاز می‌کند «أَلَا يَا أَهْلَ الْعَالَمِ إِنَّ جَدِيَّ الْحُسَيْنَ قَتَلُوهُ عَطْشَانَا».

ترجمه: ای مردم من پسر آن حسینم که او را برای احقاق حق تشنه شهیدش کردند.

و فقرات دیگری هم دارد که به مصیبت‌های دیگر اشاره می‌کند.

**نکته:** در خطبه نکاتی است که قابل توجه می‌باشد: اول اینکه امام خدا را یار و ناصر خود اعلام نموده و خود را به اهل بیت محمد(ص)، وارث معرفی می‌نماید. دوّم، امام(ع) خود را وارث و فرزند و ذخیره همه انبیاء بزرگ الهی همانند آدم، نوح ابراهیم و محمد می‌داند و معرفی می‌کند که همه انسان‌ها در آن مشترک‌العقیده و همه موحدین بر آن متفق‌القولند. سوّم، خود را ناطق به کتاب و سزاوار به محتوای آن و وارث و عامل سنت پیامبر معرفی می‌کند. و با استناد به آیه قرآن در رابطه با آدم، نوح، ابراهیم و آل عمران خود را مصداق آن می‌داند. همه اینها منطبق بر دین اسلام و بشارت‌های انبیای عظام و پیامبر خاتم(علیهم‌السّلام) و فرزندان پاک و ائمه(علیهم‌السّلام) می‌باشد.



## خطبه دوم امام:

از امام صادق (ع) در روایتی از بحارالانوار خطبه طولانی نقل گردیده که فرازهایی از آن آورده می‌شود که خیلی زیبا و رسا و گویا است. اینک متن خطبه:

«الْقَائِمُ مُسْنِدٌ ظَهْرُهُ إِلَى الْكَعْبَةِ وَ يَقُولُ يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ.»

أَلَا مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى آدَمَ وَ شَيْثٍ، فَمَا أَنَاذَا آدَمَ وَ شَيْثٍ.

أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى نُوحٍ وَ وَكْدِهِ سَامٍ فَهَا أَنَاذَا نُوحٍ وَ سَامٍ.

أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ فَهَا أَنَاذَا إِبْرَاهِيمَ وَ إِسْمَاعِيلَ.

أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى عِيسَى وَ شَمْعُونَ فَهَا أَنَاذَا عِيسَى وَ شَمْعُونَ.

أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى مُحَمَّدٍ وَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَهَا أَنَاذَا مُحَمَّدٍ وَ

أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ.

أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ فَهَا أَنَاذَا الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ.

أَلَا وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَنْظُرَ إِلَى الْإِمَّةِ مِنْ وَدِّ الْحُسَيْنِ فَهَا أَنَاذَا الْإِمَّةِ.<sup>۱</sup>

ترجمه: امام صادق (ع) فرمود در حالی که قائم (ع) تکیه بر کعبه نموده ندا می‌کند

ای مردم و ای بندگان خدا و ای همه جهانیان توجه نموده و گوش کنید.

آگاه باشید هر کس می‌خواهد به اولین انسان و پیامبر آدم و فرزندش شیث نظاره

کند اینک من آن آدم و شیث هستم.

به هوش باشید هر کس بخواهد نوح و فرزندش سام را نگام کند من نوح و من سام هستم.

بدانید هر کسی که بخواهد ابراهیم پیامبر و فرزندش اسماعیل (علیهما السلام) را نظاره‌گر باشد پس من آن ابراهیم و اسماعیل‌ام.

آگاه باشید هر کس بخواهد به عیسی روح... و وصی‌اش شمعون نظر کند من آن عیسی و شمعونم.

ای مردم هر کس بخواهد به محمد پیامبر خاتم و امیرالمؤمنین علی (صلوات... علیها) نظاره‌گر باشد پس بدانند که من آن محمد و علی هستم.

و هر کس بخواهد به حسن و حسین (علیهما السلام) نگاه کند من حسن و حسینم. و بدانید هر کس به امامان از نسل حسین علاقه‌مند و شیفته باشد من آن امامانم. یعنی وارث همه انبیاء بزرگ خدا و ائمه (علیهم السلام) هستم و آخرین حجّت که آرمان و کار همه آنان را در اجرای احکام الهی انجام داده و سنت آنان را پیاده نمایم.

علامه مجلسی (رحمة... علیه) در تفسیر این حدیث می‌فرماید: که وقتی امام مهدی (ع) می‌فرماید: من آدم، شیث، نوح، سام، ابراهیم، اسماعیل، عیسی، شمعون، محمد، علی، حسن، حسین و امامان از نسل حسینم. یعنی در دانش و ارزش‌های الهی و انسان و سیره و قداست و عصمت که در آنها بوده و شما آنان را پیروی می‌کنید، من همه آنها را دارا بوده و عصاره

چکیده و خلاصه همه آنها هستم و می‌خواهم روش‌ها و سنت‌های آنان را که رضایت و فرامین الهی است تحقق بخشیده و اجرا نمایم. می‌فرماید: پس از پایان سخنرانی امام (ع) اول کسی که بیعت می‌کند و قبل از همه ۳۱۳ نفر از خواص امام، جبرئیل فرشته وحی و امین الهی است «انَّ اَوَّلَ مَنْ يُبَايِعُ الْقَائِمَ»<sup>۱</sup>.

امام جواد (ع) می‌فرماید: «كَانَ بِالْقَائِمِ - يَوْمَ عَاشُورَاءَ يَوْمَ السَّبْتِ وَ قَائِمًا بَيْنَ الرُّكْنِ وَالْمَقَامِ بَيْنَ يَدَيْهِ جِبْرَائِيلُ يُنَادِي الْبَيْعَةَ الْبَيْعَةَ»<sup>۲</sup>.

ترجمه: گویا می‌بینم قائم آل محمد (ص) در روز عاشورا که روز شنبه می‌باشد در حالی که میان رکن و مقام ایستاده باشد و جبرئیل فرشته وصی در پیش روی او ندا می‌کند: ای مردم، ای جهانیان، بیعت کنید، بیعت کنید به قائم و بقیّه... .

«فَيَقُولُ جِبْرَائِيلُ اَنَا اَوَّلُ مَنْ يُبَايِعُكَ اَبْسِطُ يَدَكَ فَيَمْسَحُ عَلٰى يَدِهِ وَ قَدْ وَاوَاهُ ثَلَاثِمِائَةً وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا فَيُبَايِعُهُ وَ يُقِيمُ بِمَكَّةَ حَتَّى يَتِمَّ اَصْحَابَهُ عَشْرَةَ اَلْفِ نَفْسٍ. ثُمَّ يَسِيرُ مِنْهَا اِلَى الْمَدِينَةِ»<sup>۳</sup>.

ترجمه: پس جبرئیل (ع) می‌گوید: من اول کسی هستم که با تو بیعت می‌کنم دست مبارک را دراز کن پس دست مبارک امام را مسح می‌کند و بعد از او سیصد و سیزده نفر مرد از یاران خاص امام به جبرئیل تبعیت نموده و بیعت می‌کنند. و امام در مکه

۱ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

۲ - غیبت طوسی، ص ۲۷۴؛ معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۳، ص ۲۹۳.

۳ - ارشاد مفید، ص ۳۶۴؛ همان، ج ۳، ص ۴۹۲.

می ماند تا اینکه تعداد پیروانش به ده هزار نفر می رسد. سپس به سوی مدینه حرکت می کنند.

**سؤال سیزدهم: حضرت مهدی (ع) در چه مکان‌هایی بیشتر حضور دارند؟**

قبل از هر سخنی ذکر این نکته لازم است که محدود نمودن امام روی زمین و رهبر همه جهانیان و حجت خدا در یک یا دو و یا چند نقطه مکانی صحیح نمی باشد. بلکه او امام همه بندگان خدا و پیشوای مردم به ویژه مسلمانان و تشیع و پیروان اهل بیت بوده و مسئولیت جهانی دارند. شاید در هر نقطه‌ای از روی زمین کوه و دشت و شهر و روستا و در هر قاره‌ای و کشوری حتی در کشورهای دشمنان و در دور افتاده‌ترین مکان کسی از خلوص قلب و با عرفان الهی و معرفت حق، امام او را بخواند و بخواهد که او را یاری دهد و یا از شرّی نجاتش دهد و یا او را واسطه ما بین خود و خدایش قرار داده و شفاعت طلبد، حتماً آن عزیز دوران و محبوب زمان و کعبه مقصود و یوسف زهرا و حجت خدا به فریادش رسیده و او را یاری نماید. و یا وسیله الهی در پیشگاه خدا برای اجابت دعای آن امید بسته‌اش باشد. که تاریخ اسلام و تشیع از غیبت به این طرف پر از الطاف و عنایات آن ذخیره الهی به کسانی است که به او متوسّل شده و از آن عزیز جهان یاری طلبیده‌اند.

اما با این حال در روایات و تاریخ علماء موفق به رؤیت آن خورشید عالمتاب به جاهایی بیشتر اشاره شده که به اختصار به آن جاها اشاره می‌گردد.

۱ - حضور همه ساله در مراسم حجّ «إِنَّهُ لَيَحْضُرُ الْمَوْسِمَ فَيَقْضِي الْمَنَاسِكَ»<sup>۱</sup>.

۲ - حضور در کربلای معلی، چنانکه بسیاری از بزرگان همانند ابن سوره و شیخ انصاری و شیخ اسماعیل نمازی و افراد دیگر در آنجا توفیق تشرّف یافته‌اند.

۳ - نجف اشرف و مسجد کوفه و سهله که مقدّس اردبیلی، بحر العلوم، آیت‌ا... نجفی، شیخ محمدتقی آملی و بسیاری دیگر در آن امکانه مقدّسه تشرّف یافته‌اند.

۴ - در مدینه النبی که در دعای ندبه به آنجا و مکه مکرمه اشاره گردیده است.

۵ - مسجد جمکران قم که به دستور خود حضرت بنا گردیده و تا به حال خیلی‌ها مثل مرحوم آیت‌ا... محمدتقی بافقی در آنجا مشرّف شده‌اند.

۶ - مشهد مقدّس که بعضی از سعادت‌مندان در آن آستان ولایت به حضور مولایشان مشرّف شده‌اند.

۷ - سرداب مقدّس که بعضی‌ها همانند سید ابن طاوس در آنجا مشرّف

گردیده‌اند.

۸ - سامراً و کاظمین و وادی السّلام و امکانه مقدّس دیگر که هر یک داستان مفصّلی دارد و به جای خود موکول می‌شود.<sup>۱</sup>

### سؤال چهاردهم: نشانه‌های ظهور امام چیست؟

در همه کتاب‌ها در رابطه با امام مهدی (ع) نوشته شده اعم از شیعه و اهل سنت موضوع نشانه‌های ظهور را آورده و گاهی شرح و بسط فراوانی هم داده‌اند. حتی در کتب اهل سنت جریان سفیانی، دجّال و یمنی و... به تفصیل آمده است<sup>۲</sup> که در مورد مربوطه توضیح داده خواهد شد و در جمع‌بندی همه آنان با سند و روایاتش می‌توان به بخش‌هایی به تفکیک و به شرح‌های آتی اشاره نمود.

### ۱ - علائم و نشانه‌های عمومی

که از انحرافات وسیع فکری و عقیدتی و اخلاقی در سراسر جهان سخن می‌گوید و الزاماً با ظهور آن حضرت مقارن نبوده بلکه شاید ده‌ها سال قبل از آن پدیدار گردیده و مربوط به انحطاط و آلودگی عمومی آخرالزمانی می‌شود. در این مورد علائم خیلی زیاد بوده و در روایات فراوانی به آنها اشاره شده است. از پیامبر اکرم (ص) در رابطه با اوضاع و احوال آخرالزمان

۱ - کتاب حضرت مهدی از ظهور تا پیروزی، سیدحسین تقوی، صص ۴۰۰ - ۳۹۹.

۲ - جهت تفصیل قضیه در کتب اهل سنت به معجم‌الاحادیث الامام‌المهدی (ع)، ج ۱، صص ۴۲۴ - ۴۰۰ رجوع

احادیث و روایات زیادی رسیده همچین از ائمه اطهار(ع) که با هشدارهای تکان دهنده بیان نموده‌اند. که در این مورد به یک حدیث از امیرالمؤمنین علی(ع) که شیخ صدوق(علیه‌الرحمة) در اکمال‌الدین آورده اکتفا می‌کنیم. از مردی به نام «نُزَالِ ابْنِ سَبْرَه» نقل شده که امیرمؤمنان(ع) خطبه می‌خواند بعد از حمد و ثنای الهی و درود بر خاندان محمد و آلش فرمود: «أَيُّهَا النَّاسُ سَلُونِي قَبْلَ أَنْ تَفْقُدُونِي» صَعَصَعَةَ إِنِّي صُوحَانِ بِيَا خَاسِتٍ وَ عَرَضِ كَرْدٍ: «یا امیرالمؤمنین متى یخرجُ الدَّجَالُ؟ فقال(ع) أَقْعُدُ فَقَدْ سَمِعَ اللهُ كَلَامَكَ إِسْمَعُ وَاحْفَظْ».

ترجمه: صعصعه گفت یا علی دجال کی خروج می‌کند و حضرت فرمود: بنشین و بشنو و حفظ کن تا بگویم.

«إِذَا أَمَاتَ النَّاسُ الصَّلَاةَ وَ أَضَاعُوا الْأَمَانَةَ وَ اسْتَحَلُّوا الْكِذْبَ وَ آكَلُوا الرِّيَاءَ وَ أَخَذُوا الرِّشَاءَ وَ بَاعُوا الدِّينَ بِالدُّنْيَا وَ اسْتَعْمَلُوا السُّفَهَاءَ وَ قَطَعُوا الْأَرْحَامَ وَ اتَّبَعُوا الْأَهْوَاءَ وَ اسْتَحَفُّوا الدِّمَاءَ وَ كَانَ الْحِلْمُ ضَعْفًا وَ الظُّلْمُ فَخْرًا وَ كَانَ الْأَمْرَاءُ فَجْرَةً وَ الْوَزَرَاءُ ظُلْمَةً وَ الْعُرَفَاءُ خَوْتَةً وَ الْقُرَاءُ فَسَقَةً وَ وَظَّهَرَتِ شَهَادَاتِ الزُّورِ وَ اسْتَعْلَنَ الْفُجُورُ وَ قَوْلُ الْبُهْتَانِ وَ الْأَثْمُ وَ الطُّغْيَانِ وَ حَلَّتِ الْمَصَاحِفُ وَ زُخِرْفَتِ الْمَسَاجِدُ وَ يُولَّتِ الْمِنَارَاتُ وَ أَكْرِمَ الْأَشْرَارُ وَ أَزْدَحَمَتِ الصُّقُوفُ وَ اخْتَلَفَتِ الْأَهْوَاءُ وَ نَقِضَتِ الْعُهُودُ وَ شَارَكَ النَّسَاءُ أَزْوَاجَهُنَّ فِي التِّجَارَةِ حِرْصًا عَلَى الدُّنْيَا وَ عَلَتُ أَصْوَاتُ الْفُسَّاقِ وَ اسْتَمِعَ مِنْهُمْ وَ كَانَ زَعِيمُ الْقَوْمِ أَرْدَلُهُمْ وَ اتَّقَى الْفَاجِرَ مَخَافَةَ

شَرُّهُ وَ صُدِّقَ الْكَاذِبَ وَ أُتْمِنَ الْخَائِنُ وَ اتُّخِذَتِ الْقِيَانُ وَالْمَعَارِفُ وَ لَعَنَ آخِرُ هَذِهِ  
 الْأُمَّةِ أَوْلَهَا وَ رَكَبَتْ ذَوَاتِ لُفْرُوجِ السُّرُوجِ وَ تَشَبَّهَ النِّسَاءُ بِالرِّجَالِ وَ الرِّجَالُ  
 بِالنِّسَاءِ وَ شَهِدَ شَاهِدٌ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَسْتَشْهَدَ وَ شَهِدَ الْآخِرُ قَضَاءَ لِدَّمَامٍ بِغَيْرِ حَقِّ  
 عَرَفَهُ وَ تَفَقَّهَ لِغَيْرِ الدِّينِ وَ اثْرُوا عَمَلَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَ لَبِسُوا جُلُودَ الضَّانِ عَلَى  
 قُلُوبِ الذُّنَابِ وَ قُلُوبُهُمْ أَنْتَنُ مِنَ الْجَيْفِ وَ أَمْرٌ مِنَ الصَّبْرِ وَ فَعِنْدَ ذَلِكَ أَلُّوحَا  
 أَلُّوحَا ثُمَّ الْعَجَلُ»<sup>۱</sup>

ترجمه: هنگامی که مردم راه و رسم و فرهنگ و معنویت نماز را نابود ساختند و  
 به پوسته آن قناعت کردند و ویژگی امانت و امانتداری را ضایع ساختند و  
 دروغ‌پردازی را روا شمردند و رباخواری و ربا را مباح دانستند و رشوه دادند و  
 گرفتند و دین به دنیا فروختند و سفيهان و کم‌خردان را به اداره امور جامعه گماشتند  
 و قطع رحم کردند و هواهای دل را پیروی کردند و ریختن خون‌ها را آسان ساختند.  
 همگانی که بردباری، ناتوانی شمرده شد و بیدادگری، باعث افتخار گردید و  
 زمامداران فاجر و بدکار! و وزیران، ستمکار شدند و مأموران و مجریان عدالت،  
 جنایت‌پیشه ساختند و گویندگان و قاریان قرآن، به فسق و گناهان روی آوردند و  
 شهادت‌های دروغین در جامعه پدیدار شد و کارهای زشت ناپسند و تهمت‌تراشی‌ها  
 و گناهکاری و تجاوزگری علنی گردید، آنگاه که قرآن به صورت زیبایی چاپ و  
 جلد و تزیین گردید و مسجدها آراسته شد و مناره‌ها سر به آسمان سایید و اشرار  
 مورد تجلیل قرار گرفتند و صف‌های جماعت فشرده و دل‌ها از هم دور شد و عهد‌ها



و پیمان‌ها گسسته و آن وعده بزرگ نزدیک گردید و زنان به خاطر حرص به دنیا، در کسب و کار همسران خود شرکت کردند و به بازارها و مغازه‌ها و کارخانه‌ها سرازیر گشتند.

صدای آواز فاسقان، همه جا پخش و به گوش‌ها رسید و هرچه گفتند و خواندند از آنان پذیرفته شد. رهبری جامعه‌ها به دست اراذل و اگذاشته شد و با فاجر به خاطر ترس از شرارتش، مدارا گردید و دروغسازي و دروغپردازی، تصدیق و تأیید شد و خیانتکار، امین شمرده شد.

هنگامی که کنیزان آوازه‌خوان و رقاصه‌ها و آلات لهو و موسیقی، بکار گرفته شد و نسل‌های آخرین به نسل‌های پیشین نفرین کردند و زنان بر زین‌ها سوار شدند و تلاش کردند خود را شبیه مردان سازند و مردان نیز خود را در ظاهر و اخلاق بسان زنان ساختند و شاهد بی‌آنکه از او شهادت بخواهند به دادگاه رفت و شهادت داد و دیگری برخلاف حق و عدالت و بدون آگاهی، به خاطر رفاقت با کسی، به نفع او به دروغ گواهی کرد.

آنگاه که تفقه در دین و آموزش علوم دینی، نه برای خدمت به دین بلکه برای دنیا و قدرت و ریاست به کار گرفته شد و کار دنیا را بر کار آخرت برگزیدند و با ریا و تظاهر و عوام‌فریبی به گرگ‌های خونخوار، لباس گوسفند آرام پوشاندند، ظاهرهای مردم، آراسته، اما دل‌ها عفونت‌بارتر از مردار متعفن و تلخ‌تر از گیاه تلخ و بد طعم گردید.

آری! در این شرایط منحط و وخامت بار و گناه‌آلود جامعه‌ها و تمدن‌های اسلامی و جهانی است که دجال ظاهر می‌گردد و در آمدن شتاب می‌کند.<sup>۱</sup> می‌بینیم که روایت به برخی از آفت‌ها و عوامل انحطاط و مفسد اجتماعی که پیش از ظهور در جوامع پدیدار می‌گردد اشاره می‌کند و نظیر این روایت خیلی زیاد است.

## ۲ - نشانه‌های نزدیک ظهور

الف) در خطبه طولانی (خطبة البیان)<sup>۲</sup> که به امیرالمؤمنین (ع) منسوب است نقل شده که روزی امیرالمؤمنین (ع) در میان انبوه مردم بر فراز منبر خطبه‌ای می‌خواند، فرمود هان ای مردم من پدر همان مهدی و همان قائم نجات‌بخش هستم که در آخرالزمان به فرمان خدا ظهور نموده و جهان را اصلاح می‌کند و پر از عدل و داد می‌نماید. در این حال (مالک‌اشتر) به پا خاست و گفت سرورم مهدی چه زمانی قیام خواهد کرد؟ حضرت در پاسخ به نشانه‌هایی اشاره فرموده که: «وای بر «ری» و کشتار سهمگین و بریده شدن سرها و اسارت زنان و فجایعی که رخ می‌دهد. وای بر جزیره «قیس» از شرارت‌های عنصر ناپاک که با سپاه خود به آنجا حمله می‌کند. وای بر اهل «بحرین» از رخدادهای ناگوار که در آن مردان کشته شده و کودکان اسیر می‌شوند. وای بر واقعه تلخ وحشتناک فلان و بهمان که

۱ - ترجمه عیناً از کتاب آیت... قزوینی اقتباس و نقل گردیده است.

۲ - توضیح این نکته لازم و مفید فایده است که در رابطه با خطبة البیان هم از حیث سند و هم از حیث متن اشکالات زیادی وارد ساخته و بعضی‌ها همانند جعفر مرتضی‌عاملی به کلی آن را ردّ نموده‌اند.

حضرت عناوین گوناگون و نام‌های عجیب و غریبی را می‌شمارد و با هشدار و فریاد تنبّه و توجّه را جلب می‌کند.<sup>۱</sup>

ب) در ارشاد مرحوم شیخ مفید، انبوهی از نشانه‌ها و علائم را از روایات و احادیث آورده. و آنها را از علائم پیش از ظهور و نزدیک آن شمرده است که عبارتند از:

- ۱ - گرفتن خورشید در نیمه رمضان و ماه در آخر رمضان که برخلاف سیر عادی منظومه شمسی می‌باشد.
- ۲ - قتل سید حسنی خراسانی.
- ۳ - شکافته شدن زمین و فرو بردن متجاوزان.
- ۴ - طلوع خورشید از مغرب.
- ۵ - ایستادن خورشید در وسط آسمان.
- ۶ - بریده شدن سر مردی از بنی‌هاشم میان رکن و مقام.
- ۷ - قتل نفس زکیّه پشت دروازه کوفه به همراه هفتاد نفر از شایستگان.
- ۸ - ویران شدن دیوار مسجد کوفه.
- ۹ - آمدن پرچم‌های سپاه از طرف خراسان.
- ۱۰ - قیام و جنبش یمنی.
- ۱۱ - فرود آمدن ترک‌ها در جزیره.
- ۱۲ - طلوع ستاره‌ای درخشان و نورانی همانند ماه در آسمان.
- ۱۳ - آشکار شدن مرد مغربی و تصرف شام به وسیله سپاه او.

- ۱۴ - پیدایش ستونی از آتش در مشرق به مدت هفت روز.
- ۱۵ - قیام امت عرب و برکناری زماندارانشان به وسیله ملت‌های خویش و گرفتن زمام امور به وسیله مردم.
- ۱۶ - انهدام شام و اختلاف سه جریان سیاسی در آن.
- ۱۷ - خروج ۶ پیامبر دروغین و طرفداران آنها.
- ۱۸ - پدیدار شدن سینه و چهره‌ای در کره خورشید.
- ۱۹ - شنیده شدن ندایی از آسمان و رسیدن آن به گوش همه جهانیان.
- ۲۰ - بارش رگبار و باران به مدت ۲۲ روز که کل جهان را سیراب می‌کند.<sup>۱</sup>

### ۳ - نشانه‌های غیرقطعی و پراکنده

- ۱ - آمدن سیدهاشمی خراسانی حسنی نسب که روایات متعددی هم دارد.<sup>۲</sup>
- ۲ - خروج سپاهی با پرچم‌های سیاه از سوی خراسان که متأسفانه تطبیق با ابومسلم و یا سپاه مغول گردیده که حقیقتاً سبک و غیرمعقول است.<sup>۳</sup>
- «تُنزَلُ الرَّايَاتُ السُّودَالَّتِي تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَى الْكُوفَةِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِيُّ بِمَكَّةَ بُعِثَتْ إِلَيْهِ بِالْبَيْعَةِ».<sup>۴</sup>

۱ - ارشاد، ص ۳۵۶.

۲ - مستدرک صحیحین، ج ۴، ص ۴۶۲.

۳ - ابن کثیر در الصرف الوردی فی احوال المهدی.

۴ - ملاحم ابن طاوس، ص ۱۰۴.

۳ - مردی از فرزندان امام حسن با دوازده هزار سواره مجهز به سلاح صلاح به مهدی (ع) می پیوندد.<sup>۱</sup>

۴ - سومین جنگ جهانی که اغلب مردم کشته شده «لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ حَتَّى يُقْتَلَ ثُلُثٌ وَ يَمُوتُ ثُلُثٌ وَ يَبْقَى ثُلُثٌ».

ترجمه: مهدی ظهور نمی کند مگر اینکه  $\frac{1}{3}$  مردم کشته شده و  $\frac{1}{3}$  خودشان بمیرند و  $\frac{1}{3}$  باقی بماند.<sup>۲</sup>

۵ - از امام صادق (ع) نقل شده: «قُدَّامَ الْقَائِمِ مَوْتَانِ وَ مَوْتُ أَحْمَرٌ وَ مَوْتُ أَبْيَضٌ حَتَّى يَذْهَبَ مِنْ كُلِّ سَبْعَةِ خَمْسَةٍ وَالْمَوْتُ الْأَحْمَرُ السَّيْفُ الْأَبْيَضُ وَالطَّاعُونَ».<sup>۳</sup>

ترجمه: پیش از آمدن قائم (ع) دو مرگ برای مردم جهان هست و مرگ سرخ و مرگ سیاه. تا اینکه از هر هفت قسمت مردم پنج قسمت آن از بین می روند و مرگ سرخ یعنی شمشیر و مرگ سیاه یعنی طاعون.<sup>۴</sup>

۶ - و نیز از امام صادق (ع) آورده اند: «لَا يَكُونُ هَذَا الْأَمْرُ حَتَّى يَذْهَبَ ثُلَاثَا النَّاسِ وَ فَقِيلَ لَهُ فَإِذَا ذَهَبَ ثُلَاثَا النَّاسِ فَمَا يَبْقَى؟ فَقَالَ (ع) أَمَاتَرُضُونَ أَنْ تَكُونُوا الثُّلُثَ الْبَاقِي؟»<sup>۵</sup>

۱ - کنز العمال، ج ۶، ص ۶۸.

۲ - عقد الدرر، ص ۶۳.

۳ - اکمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۵.

۴ - همه موارد در معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۴ آورده شده است.

۵ - اکمال الدین، ج ۲؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲.

ترجمه: ظهور آن حضرت محقق نمی‌شود مگر اینکه دو سوّم  $\frac{2}{3}$  مردم جهان از بین بروند. به ایشان عرض شد وقتی که دو سوّم  $\frac{2}{3}$  رفتند چه کسی باقی می‌ماند؟ فرمود: آیا راضی نیستید که  $\frac{1}{3}$  باقی مانده باشید.

۷ - در روایتی از امام صادق (ع) نقل گردیده: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ

عَلَى رُؤُوسِ الْعِبَادِ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَامُهُمْ وَجُمِعَتْ بِهِ عُقُولُهُمْ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: در وقت ظهور و قیام قائم ما زمینه چنان فراهم می‌گردد و خداوند دست خود را بر سر بندگان می‌نهد یعنی رحمت و لطف او چنان شامل حال بندگان شده و آنان از حیث عقل و حق‌طلبی و حقیقت‌جویی به جایی می‌رسند که علاوه بر انتظار واقعی استقبال واقعی نیز از او می‌کنند. و شاید رمز و راز بیان این نشانه‌ها خود ایجاد انتظار و توجه دل‌ها و عقول به سوی آن محبوب باشد.

#### ۴ - نشانه‌های قطعی و علائم حتمی

نشانه‌های حتمی و تخلّف‌ناپذیر ظهور آن حضرت را که مقارن ظهورش می‌باشند، پنج نشانه ذکر کرده‌اند که از روایات معتبر و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) اقتباس نموده‌اند. ما نخست به روایات مختصر اشاره داریم که بیشتر از کتاب آیت‌... قزوینی نقل شده اگرچه در کتب معتبر دیگر نیز موجود بوده و بدان‌ها نیز اشاره می‌کنیم. و اینک روایات:

الف) امام صادق (ع) می‌فرمایند: «خَمْسٌ قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ (ع) وَالْيَمَانِي

۱ - معجم الاحادیث الامام المهدي (ع)، ج ۴.

وَالسُّفْيَانِي وَالْمُنَادِي يُنَادِي مِنَ السَّمَاءِ وَخَسَفٌ بِالْبَيْدَاءِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: پیش از قیام مهدی (ع) پنج رخداد مهم خواهد بود:

۱ - جنبش حق و ترقی خواهانه مرد یمنی.

۲ - جنبش باطل و ارتجاعی مرد سفیانی.

۳ - ندای آگاهی بخش آسمانی که مردم را به سوی حق دعوت می کند.

۴ - فرو رفتن زمین و بردن لشکریان باطل.

۵ - و قتل نفس زکیه از نسل امام حسن (ع) که عنوان سفیر امام را دارد.

ب) و نیز امام صادق (ع) فرمود: «النداءُ مِنَ الْمَحْتُومِ وَالسُّفْيَانِي مِنَ الْمَحْتُومِ وَخَسَفُ الْبَيْدَاءِ مِنَ الْمَحْتُومِ وَالْيَمَانِي مِنَ الْمَحْتُومِ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ مِنَ الْمَحْتُومِ»<sup>۲</sup>.

ترجمه: ندای آسمانی و خروج سفیانی و فرو رفتن زمین و جنبش حق طلبانه مرد یمنی و کشته شدن نفس زکیه در میان رکن و مقام از علائم حتمی و نشانه های قطعی اند.

ج) و نیز آن حضرت فرمود: «قَبْلَ قِيَامِ الْقَائِمِ خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَحْتُومَاتٍ وَالْيَمَانِي وَالسُّفْيَانِي وَالصَّيْحَةَ وَقَتْلُ النَّفْسِ الزَّكِيَّةِ وَالْخَسَفُ بِالْبَيْدَاءِ»<sup>۳</sup>.

ترجمه: پیش از قیام قائم آل محمد (ص) پنج علامت و نشانه حتمی و قطعی است

۱ - اکمال الدین، ج ۲؛ غیبت طوسی، ص ۲۶۷؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۰۳.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۲۵۲؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۲۳۳.

۳ - اکمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۰؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۰۴.

که اتفاق خواهد افتاد. قیام مرد یمنی و قیام سفیانی پلید و ندای آسمانی اعلام قیام مهدی(ع) و کشته شدن نفس زکیه و فرو رفتن زمین که به توضیح مختصر هر یک پرداخته می‌شود.

### ۱ - ندای آسمانی

از روایات وارده فهمیده می‌شود که خروش آسمانی از جانب فرشته وحی است که جهانیان را به قیام قائم آگاهی می‌دهد. یا به صورت زبان عربی فصیح و رسا که سرتاسر گیتی را پر می‌کند یا از طریق ارتباط جمعی و رسانه‌ها آن صیحه آسمانی به سراسر جهان می‌رسد. که ژراره از امام صادق(ع) نقل می‌کند «يَسْمَعُهُ كُلُّ قَوْمٍ بِالسِّنْتِهِمْ»<sup>۱</sup> حقیقت اینست که آن ندای آسمانی به مثابه اعلامیه جهانی می‌ماند. چرا که رخدادی با آن عظمت و با آن قداست و شکوه در آن سطح گسترده جهانی که به کل بشریت و جهان تعلق دارد، یک نهضت آسمانی و عدالت خواهانه است یک اعلان روشن و جهانی می‌طلبد که نزدیکی آن ظهور را به همه جهانیان به هر طریقی که خداوند بخواهد رساند در این رابطه به روایاتی جهت نمونه اشاره می‌گردد.

۱ - «الصَّيْحَةُ الَّتِي فِي شَهْرِ رَمَّضَانَ تَكُونُ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ لِثَلَاثٍ وَعَشْرِينَ

مَضِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَّضَانَ»<sup>۲</sup>.

۱ - غیبت طوسی، ص ۲۶۶؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۲۸.

۲ - اکمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲؛ غیبت طوسی، ص ۲۶۷.



ترجمه: ندای آسمانی که در روز جمعه، بیست سه از ماه رمضان گذشته اتفاق می افتد.

۲ - ابو حمزه ثمالی از امام صادق (ع) می پرسد: كَيْفَ يَكُونُ النَّدَاءُ؟ آن حضرت می فرماید: «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ يَسْمَعُهُ كُلُّ قَوْمٍ بِالسِّنْتِهِمْ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي عَلِيٍّ وَشِيعَتِهِ»<sup>۱</sup>.

۳ - امام باقر (ع) فرمود: «يُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ (ع) فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ لَا يَبْقَى رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَيْقَظَ وَلَا قَائِمٌ إِلَّا قَعَدَ وَلَا قَاعِدٌ إِلَّا قَامَ فَرَعَا مِنْ ذَلِكَ الصَّوْتِ فَرَحِمَ اللَّهُ مَنْ اِعْتَبَرَ بِذَلِكَ الصَّوْتِ فَأَجَابَ فَإِنَّ الصَّوْتِ الْأَوَّلَ هُوَ صَوْتُ جِبْرَائِيلَ - ثُمَّ يُنَادِي إِبْلِيسُ فِي آخِرِ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِي السُّفْيَانِي وَ شِيعَتِهِ فَيَرْتَابُ عِنْدَ ذَلِكَ الْمُبْطِلُونَ - ثُمَّ قَالَ (ع) لَا بُدَّ مِنْ هَذَيْنِ الصَّوْتَيْنِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ (ع)»<sup>۲</sup>.

ترجمه: ندا کننده‌ای از آسمان ندا می کند به نام قائم (ع) پس آن ندا را تمامی انسان‌ها از مشرق تا مغرب می شنوند و هیچ خوابیده نمی ماند، مگر اینکه بیدار می گردد و هر ایستاده می نشیند و هر نشسته‌ای بپا می خیزد از هیبت آن ندا، پس خداوند رحمت کند کسی که از آن ندا عبرت بگیرد و دنبال پیروی آن ندای اول رود که آن صوت اول صوت جبرئیل امین است که به سوی قائم (ع) فرا می خواهد و سپس در آخر همان روز شیطان ندا می کند که حق از آن سُفْيَانِي وَ پيروان اوست که

۱ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۸۸؛ اکمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲.

۲ - غیبت نعمانی، ص ۲۵۴؛ عقد الدرر، ص ۱۰۵؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۳۰.

شکاکان را به شک انداخته و به ریبه می‌افتند. پس امام(ع) فرمود: پس حتماً این دو ندای متقابل قبل از قیام قائم(ع) اتفاق خواهد افتاد.

مطالبی زیاد و روایات فراوانی در این رابطه موجود است که به کتب مربوطه آن باید مراجعه شود.

## ۲- جنبش ارتجاعی و باطل سفیانی

خروج سفیانی که عنصری پلید و آلوده و نامش عثمان بن عَنبَه می‌باشد و از نسل ابوسفیان و اموی‌نساب است در سوریه و شامات قیام می‌کند و بر دو گروه مخالف خود غلبه می‌کند و فضای سیاسی و اجتماعی آن روز در آن خطه‌ها برای مقابله با حقّ و لشکر مهدی به سود او می‌باشد و او تقریباً به همه شامات دمشق، حلب، اردن، فلسطین، مصر و قسمتی از ترکیه و عراق مسلط می‌شود که ذیلاً به نکاتی در این رابطه اشاره می‌گردد.

۱- به جهت خدا انکاری و ظلم و ستمی که از او در روایات آمده بعضی‌ها او را به شوروی و کمونیستی تعبیر نموده‌اند و بعضی از علماء سلف و تحلیل‌گران او را به رژیم صهیونیستی مطابق دانسته‌اند قطعاً صحیح نیست چرا که نام و نسب و خروج او در روایات به صراحت آمده است که به بعضی از آنها اشاره خواهیم نمود و ما مجاز نیستیم هر کس و هر چیزی که درست نمی‌شناسیم و درک نمی‌کنیم آن را تحلیل و یا تأویل نمائیم.

۲- سفیانی همزمان و کمی قبل از ظهور حضرت قائم(ع) می‌باشد که روایاتی در این مورد وارد گردیده است و برای مقابله با حقّ و مهدی(ع)

همه بدکاران و پلیدان به دور او جمع می‌شوند. و در روایات نقل گردیده که همزمان ندای آسمانی به نفع او نیز از سوی ابلیس سر داده می‌شود. و این سنت الهی است. که «الذین یقاتلون فی سبیل الله» و مردان حق و پیروان امام «بالذین یقاتلون فی سبیل الطاغوت» رو در روی شوند و این هم نماد رو در روی حق و باطل و هم امتحان انسان‌ها است که کدامین گروه را برگزینند.

۳ - در اولین حملات سفیانی به قلمرو اسلام لشکریان او دو دسته می‌شوند. دسته‌ای به مدینه رفته و چه جنایت‌هایی را مرتکب می‌شوند و بعد در راه خود به مکه در بیداء (دره‌ای میان مکه و مدینه) به زمین فرو می‌روند که در بخش سوّم علائم به آن موضع پرداخته می‌شود و دسته دوم از لشکریان که مهمّترین قسمت لشکریانش می‌باشد به عراق و بین‌النهرین گسیل می‌دارد و آنان در اطراف نجف محلی به نام (روحاء) مستقرّ می‌گردند که این قسمت با رسیدن سیدهاشمی، حسنی خراسانی و قهرمان دیگر از یاران مهدی (ع) به نام (یمنی) جنگ‌ها و مبارزات سختی را ادامه داده و عاقبت مغلوب و منکوب شده و بقیّة‌السیف از عراق گریخته به رمله که در شرق فلسطین و اردن کنونی است و سفیانی در آنجا نیرو جمع نموده به او می‌پیوندند و در آنجاست که رویارویی تمام عیار لشکریان حق مهدی (ع) با نیروهای سفیانی اتفاق افتاده و پس از نابودی و مغلوب شدن لشکریان سفیانی او نیز دستگیر و به دستور امام در دروازه بیت‌المقدس کشته می‌شود و بدینسان فتنه شدید او و جنایت‌های آن عنصر پلید

قسی القلب به پایان رسیده و منطقه به تدریج همه از آن مؤمنین و صالحین می‌باشد و در اختیار آنان قرار می‌گیرد.

۴ - به روایتی در این رابطه بسنده می‌کنیم: از حذیفه نقل شده که از پیامبر (ص) آورده که آن حضرت فرمود: «فَبَيْنَمَا هُمْ كَذَلِكَ يَخْرُجُ عَلَيْهِمُ السُّفْيَانِيُّ مِنَ الْوَادِي الْيَابِسِ فِي فُورٍ ذَالِكَ حَتَّى يَنْزِلُ وَ دِمَشْقَ فَيَبْعَثُ جَيْشَيْنِ وَ جَيْشاً إِلَى الْمَشْرِقِ وَ آخِرُ إِلَى الْمَدِينَةِ. حَتَّى يَنْزِلُوا بِأَرْضِ بَابِلٍ فَيَقْتُلُونَ أَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَةِ أَلْفٍ وَ يَفْضَحُونَ أَكْثَرَ مِنْ مِائَةِ امْرَأَةٍ ثُمَّ يَنْحَدِرُونَ إِلَى الْكُوفَةِ فَيَخْرِبُونَ مَا حَوْلَهَا... الخ.

وَ يَحُلُّ الْجَيْشُ الثَّانِي بِالْمَدِينَةِ فَيَنْتَبِهُونَهَا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلِيَالِيهَا وَ ثُمَّ يَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِينَ إِلَى الْمَكَّةِ حَتَّى إِذَا كَانُوا بِالْبَيْدَاءِ بَعَثَ اللَّهُ جَبْرَائِيلَ فَيَضْرِبُهَا أَي يَضْرِبُ الْأَرْضَ بِرِجْلِهِ ضَرْبَةً يَخْسِفُ اللَّهُ بِهِمْ عِنْدَهَا وَ لَا يَقْلِتُ مِنْهَا إِلَّا رَجُلَانِ مِنْ جُهَيْنَةَ...»<sup>۱</sup>

لازم به ذکر است که روایات در این مورد در بیش از دهها کتب شیعه و سنی موجود است که اشاره می‌گردد. یعنی در همان اوج فتنهها عنصر پلیدی به نام سفیانی از دره خشک وادی یابس که در دمشق فرود آید و دو لشکر آراسته یکی را به سوی شرق و عراق و دیگری را به مدینه گسیل می‌دارد. لشکر شرقی در بابل اطراف بغداد فرود آمده و خون‌ها ریخته و هتک نوامیس نموده و سرازیر به کوفه می‌شوند. و خرابی‌ها بار می‌آورد که

۱. - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۸۶؛ عقد الدرر، ص ۷۴؛ معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۱، ص ۴۸۱.

شرح آن گذشت و اما لشکر مدینه سه شبانه‌روز در آنجا قتل و غارت نهب انجام می‌دهند و بعد متوجه مکه می‌شوند که در بیداء دره‌ای میان مکه و مدینه، خداوند جبرئیل را مأمور نموده که با پای خود به زمین زده و همه آنان به زمین فرو می‌روند فقط ۲ نفر از طایفه جهینه می‌ماند که شاهد قائل قضیه باشند.

۵ - جهت مزید اطلاع علاوه بر منابع شیعی که جریان سفیانی را مفصل نقل نموده و روایات بسیاری آورده‌اند از اهل سنت هم در معتبرترین کتاب‌ها داستان سفیانی را نقل نموده‌اند اینک شرح نمونه‌ها.

- ۱ - الصرف الوردی، ج ۲، سیوطی شافعی؛ ۲ - مجمع الزوائد، ج ۷؛
- ۳ - صحیح مسلم، ج ۲؛ ۴ - عقد الدرر، ص ۷۲؛ ۵ - کنز العمال، ج ۶؛
- ۶ - کتاب الفتن ابن حماد استاد بخاری؛ ۷ - مستدرک الصحیحین، ج ۴؛
- ۸ - تفسیر ثعلبی، ج ۲۲؛ ۹ - تفسیر طبری و...

### ۳ - فرو رفتن سپاه سفیانی

یکی از علامات حتمی و نشانه‌های قطعی قبل از ظهور و همزمان با ظهور، قضیه فرو رفتن لشکر سفیانی در بیداء میان مکه و مدینه است که کم و کیف آن برای ما معلوم نیست ولی از نشانه حتمی است که در روایات آمده که اگر به مکه می‌رسیدند آنجا را هم خراب می‌کردند و در بند ۴

۱ - جهت دانستن فراوانی کتب اهل سنت و شیعه که مورد سفیانی را نوشته‌اند به معجم الاحادیث الامام المهدی(ع)، ج ۱ مراجعه شود.

نشانه دوّم جریان سفیانی که از طریق خدیفه از پیامبر نقل شد جریان فرو رفتن سپاه سفیانی در بیداء نقل گردید.

#### ۴ - جنبش اصلاح طلبانه یمنی

یکی دیگر از نشانه‌های حتمی ظهور، قیام مرد بزرگوار یمنی و ملحق شدن او به مهدی (ع) و بیعت کردن او چنانکه امام باقر (ع) می‌فرماید: «خُرُوجَ السُّفْيَانِي وَالْيَمَانِي وَالْخُرَّاسَانِي فِي سَنَةِ وَاحِدَةٍ فِي شَهْرٍ وَاحِدٍ نِظَامٌ كَنِظَامِ الْخَزَرِ يَتَّبِعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَ لَيْسَ فِي الرَّأْيَاتِ أَهْدَايَ مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِي...»<sup>۱</sup>

ترجمه: خروج سفیانی و یمنی و خراسانی یعنی هاشمی خراسانی در یک سال و در یک ماه است و درست بسان دانه‌های تسبیح یکی پس از دیگری راه می‌افتند. و در میان قیام‌ها و پرچم‌ها قیام و پرچمی صالح‌تر و هدایت‌کننده‌تر از پرچم و قیام شخصیت یمنی وجود ندارد.

#### ۵ - قتل نفس زکیّه

شهادت نفس زکیّه در واقع سفیر پاکبخته امام (ع) به سوی اهل مکه که برخی از علماء او را حسینی و برخی دیگر حسنی می‌دانند. در میان رکن و حجرالاسود و مقام ابراهیم (ع) کشته می‌شود. و جریان شهادت او را پانزده روز قبل از قیام حضرت دانسته‌اند. و او را بدان جهت (نفس زکیّه) می‌نامند

۱ - بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۳۳؛ غیبت نعمانی، ص ۲۵۵.

که بدون جرم فقط برای رساندن پیام امام اهل مکه او را کشته‌اند. از حضرت باقر(ع) نقل شده که فرمود: «يَدْعُوا الْقَائِمُ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَيَقُولُ لَهُ ائْمُضِ إِلَى أَهْلِ مَكَّةَ فَقُلْ يَا أَهْلَ مَكَّةَ أَنَا رَسُولُ فَلَانٍ إِلَيْكُمْ وَهُوَ يَقُولُ لَكُمْ وَ إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ الرَّحْمَةِ وَ مَعْدِنِ الرِّسَالَةِ وَ الْخِلَافَةِ وَ نَحْنُ ذُرِّيَّةُ مُحَمَّدٍ وَ سُلَالَةُ النَّبِيِّينَ. وَ إِنَّا قَدْ ظَلَمْنَا وَ اضْطَهَدْنَا وَ قَهَرْنَا وَ ابْتَزَّ مَنَاحِقَنَا مُنْذُ قُبِضَ نَبِيُّنَا إِلَى يَوْمِ مَنَا هَذَا فَ نَحْشُ لَنَسْتَنْصِرُكُمْ فَالضُّرُونَا فَإِذَا تَكَلَّمَ هَذَا الْفَتَى بِهَذَا الْكَلَامِ أَتُوا إِلَيْهِ فَذَبْحُوهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ لِمَقَامٍ، وَ هِيَ النَّفْسُ الزَّكِيَّةُ»<sup>۱</sup>.

امام(ع) او را برای رساندن آن پیام مقدس برای اهل مکه انتخاب می‌کند و آن نفس زکیه و سفیر پاکبخته بعد از رساندن اولین پیام امام در میان رکن و مقام مظلومانه کشته شده و اولین شهید قیام است.

### سؤال پانزدهم: دجال کیست و مشخصات و حامیان او کیانند؟

الف) قبل از اینکه بدانیم دجال واقعی و یا سمبلیک و کنائی کیست و چیست یا چگونه است. در مشخصات او در روایات آمده است.

- ۱ - او یک چشم در میان پیشانی دارد و می‌درخشد و خون‌آلود است.<sup>۲</sup>
- ۲ - از مرکب او الاغ تعبیر گردیده که آنقدر تند می‌رود یک گام آن یک میل است و به سرعت زمین را طی می‌کند و همه به تماشای او و بهره‌مندی

۱ - بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۰۷؛ اکمال‌الدین، ج ۲، ص ۳۳۰؛ معجم‌الاحادیث الامام‌المهدی(ع)، ج ۱.

۲ - معجم‌الاحادیث الامام‌المهدی(ع)، ج ۳، ص ۱۳۲؛ بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

از خوردنی‌ها که در اوست می‌ایستند.<sup>۱</sup>

۳ - او (دجّال) ادّعی خدایی می‌کند و هنگامی که دوستان و طرفدارانش را بخواند صدای او را در همهٔ اقطار عالم و جهان می‌شنوند و دور او را می‌گیرند.<sup>۲</sup>

۴ - او دریاها را در نور دیده و در آن فرو می‌رود و در پشت سر او کوه سفیدی قرار دارد که موادّ غذایی به چشم مردم می‌آید و مردم بی‌ایمان چشم به او دوخته‌اند.<sup>۳</sup>

۵ - به هنگام قدرت دجّال با اینکه ادّعی خدایی و سیر نمودن مردم را دارد. امّا اغلب مردم جهان گرسنه و دچار قحطی شدید و کمبود غذایی شده‌اند.<sup>۴</sup>

(ب) یاران و حامیان دجّال در روایات چنین است:

۱ - امیرالمؤمنین (ع) فرمود اکثر پیروان دجّال یهود هستند و پیامبر (ص) فرمود همراه دجّال هفتاد هزار یهودی بی‌دین حرکت می‌کنند که مسلّح هستند.<sup>۵</sup>

۲ - افراد سفیه و نادان و لاابالی که در زندگی پوچ‌گرا بوده و به چیزی

۱ - معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۳، ص ۱۳۲؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۹۲.

۲ - همان.

۳ - همان.

۴ - همان.

۵ - معجم الاحادیث، الامام المهدی (ع)، ج ۲، صص ۷۰ - ۶۸؛ مهدی از ظهور تا پیروزی، سیدحسین تقوی،

ص ۳۲۴.



اعتقاد نداشته‌اند همراه اویند.<sup>۱</sup>

۳ - اعراب شهوتران در پیروی دجال که لباس بلند پوشیده‌اند به تعداد ششصد هزار نفر همراه او بوده و تابع دستورات او در برآمدن هوی و هوس‌های خود می‌باشند.<sup>۲</sup>

۴ - زنازادگان و شرابخواران و شیطان‌های جهان و جاسوسان و همه کسانی که اهل ظلم و جور و جنایتند و بی‌رحم و خونخوارند و پیروی از هیچ مکتبی الهی و آسمانی نمی‌کنند فوراً همراه دجال می‌شوند.<sup>۳</sup>

ج) شکی نیست که ما مجاز نیستیم هر مفهوم و موضوع مذهبی را که در روایات وارد شده است هر طور دلمان خواست تعبیر نمائیم و یا صورت سمبلیک به آن بدهیم. زیرا آن تفسیر به رأی، تطبیق به فهم و نظر خواهد آمد که در اسلام ممنوع است. به دلیل اینکه ما اینجور می‌فهمیم یا در زمان ما توجیه دیگری ندارد. حتماً در روایات پیامبر و ائمه (علیهم‌السلام) معانی‌ای دارد که در زمان خود معنا خواهد شد.

با این حال در مورد دجال در بسیاری از کتب اسلامی و حتی غیر اسلامی مطالبی آمده است که موجب تعبیرها و تحلیل‌های متعدد و مختلفی گردیده که خیلی طولانی و اقوال فراوانی را در مورد خود سبب گردیده

۱ - معجم الاحادیث، الامام المهدی (ع)، ج ۲، صص ۷۰ - ۶۸؛ مهدی از ظهور تا پیروزی، سیدحسین تقوی،

ص ۳۲۴.

۲ - همان.

۳ - همان.

است و اینک از میان همه آن آراء و اقوال بدون رأی و نظر تحلیل و تطبیق دانشمند بزرگوار حجت الاسلام جناب سیدحسین تقوی را از کتاب امام مهدی (ع) از ظهور تا پیروزی نقل می‌کنیم تا برداشت مخاطبین و خوانندگان گرامی چه باشد. ایشان بعد از مقدمه‌ای زیبا و مناسب و نقل قول بعضی از خاورشناسان و اساتید فن که صفات مذکور دجال را منطبق بر مستکبران و فریبکار و ستمگران بشریت دانسته‌اند به شرح زیر آورده است.

۱ - آنها یک چشم دارند، آن هم چشم مادی و اقتصادی که هم می‌درخشد و هم خون‌آلود است. آن هم خون گرسنگان آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و همه مستضعفان جهان و مظلومان.<sup>۱</sup>

۲ - مرکب‌هایی در اختیار دارند بسیار تندرو و سریع‌السیر که دنیا را دور می‌زنند و جاسوسان انسانی و ایوکس و ماهواره و سایر دستگاه‌های جاسوسی که اطلاعات جهان در دست آنها است.<sup>۲</sup>

۳ - آنها در عمل و گفتار ادعای خدایی می‌کنند و خود را مالک جهان و مقدرات و سرنوشت بشریت را می‌خواهند آنطوری که آنها اراده می‌کنند رقم بزنند و در ظاهر همانند دجال بشریت با ظواهری فریبنده و با الفاظی چون حقوق بشر و دموکراسی، فریب داده و دغل‌بازی می‌کنند و حقیقتاً

۱ - معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۲؛ عقدالذکر، ص ۲۷۵؛ مهدی از ظهور و تا پیروزی، سیدحسین تقوی، ص ۱۷۶.

۲ - همان.

شیاطنند.<sup>۱</sup>

۴ - با زیردریایی‌های مدرن و فوق مدرن در دریاها و اقیانوس‌ها فرو رفته و در پشت کارخانه‌های عظیم‌شان کوهی از مواد غذایی دارند ولی با اینحال اغلب مردم جهان به خاطر استعمار و استثمار آنان و تبعیضات و انحصاراتشان گرسنه و دچار قحطی و انواع بلاها هستند.<sup>۲</sup>

د) در مورد یاران و حامیان دجال نیز که در روایات آمده اینک به چشم خود جهان می‌بیند حامیان دجال پلید و شیطان بزرگ در عصر فعلی مصادیق کیانند.

۱ - یهودیان صهیونیست‌ها که نه تنها حامی بلکه تحریک کننده و شریک واقعی و منشأ همه جنایات دجال‌ها می‌باشند.<sup>۳</sup>

۲ - اعراب اشرافی و شهوتران و شیوخ رفاه‌طلب و عیاشی که ارزش‌های اسلامی و منافع ملت‌ها و کشورشان را نیز در راه مطاع دجال به کار گرفته‌اند. از طرفی پوچان و پلیدان و لیبرال‌ها و همه ملحدین و دنیاپرستان جهان با دجال حرکت می‌کنند.<sup>۴</sup>

۳ - زنازادگان، همجنس‌بازان و آلوده‌های ابتذال پلید به نام هز و برهنه‌گان که شرف انسانیت را فراموش کرده‌اند.<sup>۵</sup>

۱ - معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۲؛ عقدالدرر، ص ۲۷۵؛ مهدی از ظهور و تا پیروزی، سیدحسین تقوی، ص ۱۷۶.

۲ - همان.

۳ - همان.

۴ - همان.

۵ - معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۲؛ عقدالدرر، ص ۲۷۵؛ مهدی از ظهور و تا پیروزی، سیدحسین تقوی، ص ۱۷۶.

## نتیجه

در روایات آمده که عاقبت حقّ پیروز شده و دَجّال و دَجّال صفتان از بین رفته و دَجّال به دست حضرت مهدی(ع) و یا حضرت عیسی کشته می‌شود.<sup>۱</sup>

هِيَ أَرْضٌ طَيِّبَةٌ وَلَا تَسْكُنُ رَجُلٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَلَا يُقْتَلُ إِلَّا بِأَرْضِ طَيِّبَةٍ زَاكِيَةٍ  
فَهُمُ الْأَوْصِيَاءُ الطَّيِّبُونَ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: امیرالمؤمنین (ع) فرمود: او بعد از مدینه رو به سوی کوفه حرکت می‌کند و منزلش در آنجا خواهد بود. هیچ بنده مسلمانی را نمی‌گذارد مگر اینکه او را خریده و آزاد می‌کند و هیچ ورشکستی را وانی‌گذارد مگر اینکه دین او را ادا می‌کند. و هیچ حقی را از کسی رها نمی‌کند مگر اینکه به صاحبش برگرداند. و هیچ بنده‌ای کشته نمی‌شود مگر اینکه قیمت او را بپردازد. و هیچ کشته‌ای را بدون ادای دین او رها نمی‌کند و افراد تحت تکفل و عیالات او را از عطای بیت‌المال بهره‌مند می‌سازد و او (قائم) و اهل بیتش در (رحبه) کوفه مسکن می‌کنند. رحبه قرارگاه نوح (ع) بوده است و آنجا نقطه پاک و مقدّسیست. چرا که آل محمد (علیهم‌السلام) درجاتی مسکن نمی‌کنند و در جایی به شهادت نمی‌رسند مگر در زمین پاک و مقدّس و آنان پاکان پاکیزگانند.

۲ - مفضلّ به امام صادق (ع) عرض کرد: «يَا مَوْلَايَ وَ كُلُّ الْمُؤْمِنِينَ  
يَكُونُونَ بِالْكُوفَةِ؟ قَالَ (ع): اَيُّ وَاللّٰهِ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ اِلَّا كَانَ بِهَا اَوْ حَوا لِيهَا وَ لَيَبْلُغَنَّ  
مَجَالَهٔ فَرَسٍ مِنْهَا اَلْفِي دَرِهِمٍ وَ لَيُودَّنَ اَكْثَرُ النَّاسِ اِنَّهٗ اِذَا قَامَ الْقَائِمُ وَ دَخَلَ الْكُوفَةَ  
لَمْ يَبْقَى مُؤْمِنٌ اِلَّا وَ هُوَ بِهَا»<sup>۲</sup>.

ترجمه: مفضلّ یکی از یاران امام از امام صادق (ع) می‌پرسد: مَوْلَايَ آیا همه

۱ - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۶۶؛ معجم‌الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۵، ص ۲۲.

۲ - بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۷۵؛ معجم‌الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۵.

ترجمه: هنگام قیام قائم (ع) کوفه پایتخت عدالت و توحید آنقدر توسعه می‌یابد که خانه آن به شهر و نهر کربلای معلی متصل می‌شود.

۶ - امام صادق (ع) می‌فرماید: «دَارُ مُلْكِه الْكُوفَةُ وَ مَجْلِسِ حُكْمِهِ جَامِعُهَا وَ بَيْتُ مَالِهِ وَ مَقْسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِينَ مَسْجِدُ السَّهْلَةِ وَ مَوْضِعَ اشْتَرَى شَيْبَرًا - مِنْ أَرْضِ التَّبَعِ بِشَيْبَرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَتَصِيرَنَّ الْكُوفَةُ أَرْبَعَةَ وَ خَمْسِينَ مَيْلًا وَ لِيُجَاوِرَنَّ قُصُورَهَا كَرْبَلَاءُ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: امام صادق فرمود: پایتخت آن حضرت کوفه و مرکز قضاوت عادلانه او مسجد جامع و مرکز اصلی بیت‌المال مسجد سهله می‌باشد و کوفه آن موقع ارزش پیدا خواهد کرد که با طلا برابری کند و مساحت آن از حیث توسعه و گسترش به حدی خواهد بود که قصرهای آن به کربلا و فرات متصل شده و ۵۴ میل وسعت آن خواهد بود.

## ۷ - بزرگترین مسجد جهان

وقتی که شهری مرکز حکومت جهان باشد و آن حکومت نماز جمعه و خطبه برای حکومت توحیدی واحد جهانی بخواند و در روایات خواندیم که شهر کوفه به وسعت ۶۰ کیلومتر از هر طرف باشد در جمعه دوّم استقرار مولا، مردم عرض می‌کنند ای فرزند پیامبر گرامی نماز با شما با نماز پیامبر برابری می‌کند و مسجد جوابگوی سیل نمازگزاران نیست امام می‌فرماید:

۱ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۴۰؛ ارشاد مفید، ص ۳۶۲؛ معجم الاحادیث الامام المهدی (ع).

برای شما مسجدی می‌سازم که هزار درب داشته باشد «فِي رِوَايَةِ الْمُفَضَّلِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ إِذَا قَامَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) فِي بَنِي ظَهْرِ الْكُوفَةِ مَسْجِدًا لَهُ أَلْفُ بَابٍ»<sup>۱</sup>.

نکته‌ای که قابل یادآوری است اینکه در روایات که خیلی هم فراوان هستند در رابطه با مسجد کوفه و محراب علی امیرالمؤمنین (ع) و پرچم‌های مقدّسی با آیات و نوشته‌های مقدّس و اولین خطبه نماز جمعه آن و آمدن انبیاء (علیهم‌السلام) از جمله ادریس، خضر، عیسی مسیح و احرار عالم و ابدال آنقدر مطالب زیاد است که اگر توفیق باشد به بعضی از آنها در جای خود اشاره می‌گردد.

### ب) پیروزی امام بر قدرت‌های جهان چگونه خواهد بود؟

۱ - قبل از پرداختن به بحث و جواب سؤال فوق روایتی را از امام باقر (ع) نقل می‌کنیم که فرمود: «دَوْلَتْنَا آخِرُ الدُّوَلِ وَ لَمْ يَبْقَ أَهْلِي بَيْتِ لِهْمِ دَوْلَةٌ إِلَّا مَلَكُوا قَبْلَنَا لَيْلًا يَقُولُوا إِذَا رَأَوْا اسِيرَتَنَا - وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْقَابِئَةُ لِلْمُتَّقِينَ»<sup>۲</sup>.

ترجمه: حکومت ما خاندان آخرین دولت است و هیچ خاندان و قومی نخواهد بود که زمام امور جامعه را به دست گرفته باشند قبل از ما تا وقتی که راه و رسم

۱ - بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۷؛ غیبت طوسی، ص ۲۸۰.

۲ - غیبت طوسی، ص ۳۸۲؛ کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۵۵؛ منتخب‌الاثار، ص ۳۰۸.

صحيح و عادلانه ما را دیدند ادعا نکنند که ما نیز چنین می‌کردیم و این همان سخن خداوند است که عاقبت از آن پرهیزکاران است.

و قطعاً فرجام شکوه‌مند تاریخ و جامعه در پرتو حکومت مهدی (ع) خواهد بود. پس بنابراین از روایت فوق و نظیر آن که کم هم نیست، این حقیقت به دست می‌آید که شرایط جهانی در آستانه ظهور آن حضرت به گونه‌ایست که بشریت از اوضاع پریشان اخلاقی و اجتماعی و اقتصادی به تنگ آمده و از همه حکومت‌ها و مکاتیب و سیستم‌های گوناگونی بشری خسته شده و نومید گشته و همگان در انتظار یک منجی و اصلاحگر جهانی نجات‌بخش می‌باشند. و به همین جهت در برابر صفا و خلوص و دین‌پروری و عدالت‌گستری آن حجّت خدا سرتعظیم فرود آورده و آماده پذیرش می‌شوند.

۱ - وقتی در روایات آمده «إِنَّهُ يَخْرُجُ بِالسَّيْفِ» و یا در بعضی روایات

آمده «إِنَّهُ يَخْرُجُ بِالسَّيْفِ وَالْمَالِ»<sup>۱</sup> و در این رابطه روایات فراوان است.

وقتی که میراث همه انبیاء (علیهم‌السلام) در پیش اوست یعنی تابوت سکینه، یعنی عصای موسی، یعنی باد که در حکم سلیمان بود و همه نیروهای طبیعت یعنی گنوز ارض یعنی دریاها پس شمشیر رمز قدرت ظاهری و طبیعی است و آن ذخیره الهی و حجّت فاتح و اصلاحگر بزرگ از همه نیروها و قوای ظاهری استفاده نموده و همه گردنکشان و ستمگران



را نابود می‌کند. چرا که او وارث همه انبیاء (علیهم‌السلام) است و باید به ابزار و عوامل آنها نیز مجهز باشد و در کنار انواع تدابیر فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اخلاقی، تربیتی، اجتماعی، روانی، قضائی، فکری و... چرا از نیروی طبیعی و قوه قهریه برای شکستن ظالمان استفاده نکند و چنانکه در زیارات و دعاها مثل دعای ندبه و روایات چقدر این مضامین آشکارا به چشم می‌خورد که آن بزرگوار هم از شمشیر یعنی قدرت طبیعی و یاران قوی استفاده می‌کند و هم از وفور نعمت و امنیت و عدالت و تبلیغ حقایق و معارف الهی.<sup>۱</sup>

۲ - سلاح ترس و رُعب چنانکه از عوامل پیروزی جدش پیامبر اسلام نیز بوده است که قرآن می‌فرماید: «سَنُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ».<sup>۲</sup>

ترجمه: ما در دل‌های کافران بیم و هراس خواهیم افکند.

و خود پیامبر (ص) فرموده است: «أَعْطِيَتْ خُمْسًا... وَ نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ».<sup>۳</sup>

ترجمه: پنج چیز به من عطا شده که یکی رُعب در دل دشمنان است.

«وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَ تَأْسِرُونَ فَرِيقًا».<sup>۴</sup>

ترجمه: در دل‌هایشان چنان ترس و دلهره افکندیم که گروهی را کشتید و گروهی را اسیر نمودید.

۱ - آیت... صافی، آیت... قزوینی در این مورد در کتاب امام مهدی (ع) حق مطلب را ادا کرده است.

۲ - سوره آل عمران، آیه ۱۵۱.

۳ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۱۶، ص ۳۱۳.

۴ - سوره احزاب، آیه ۲۶.

و آیات و روایات دیگری نیز در رابطه سلاح رعب و ترس دشمنان در پیروزی‌های پیامبر گرامی اسلام (ص) وجود دارد که از مجال بحث فزون است. همچنین در مورد فرزند پیامبر حجّت خدا نیز آنگونه خواهد بود. امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ وَ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ وَ تَطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تُظَهَّرُ لَهُ لَهُ الْكُنُوزُ كُلُّهَا وَ يُظَهِّرُ اللَّهُ بِهِ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: قائم ما با سلاح ترس و رعب که خداوند بر دل دشمنان می‌افکند یاری می‌گردد. و به وسیله یاری خداوند پیروز می‌گردد و زمین برای او مطیع گردیده و گنج‌های خود را بر او آشکار می‌سازد و خداوند به دست او دین خود را بر تمامی ادیان غلبه می‌بخشد گرچه مشرکان و ستمکاران خوش نداشته باشند.

### ۳ - به وسیله فرشتگان

امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه «أَتَى أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ»<sup>۲</sup> فرمود: «هُوَ أَمْرُنَا أَمْرُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ لَانَسْتَعْجِلَ بِهِ حَتَّى يُؤَيِّدَهُ اللَّهُ بِثَلَاثَةِ أَجْنَادٍ وَ الْمَلَائِكَةِ وَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الرُّعْبِ»<sup>۳</sup>.

ترجمه: امر خدا اشاره به امر ما خاندان است به هنگام قیام قائم ما که خداوند آن را با سه نیرو و لشکر پیروز می‌کند: فرشتگان، مؤمنان و رعب.

۱ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۱۹۱؛ معجم الاحادیث الامام المهدي (ع)، منتخب الاثر، ص ۴۶۸.

۲ - سوره نحل، آیه ۱.

۳ - غیبت نعمانی، ص ۲۴۳.

امام باقر(ع) فرمود: «لَوْ خَرَجَ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ (ص) لَنَصَرَهُ اللَّهُ بِالْمَلَائِكَةِ الْمُسَوِّمِينَ وَالْمُرْدَفِينَ وَالْمُنْزَلِينَ وَ لَكَرُوبِينَ يَكُونُ جِبْرَائِيلُ أَمَامَهُ وَ مِيكَائِيلُ عَنْ يَمِينِهِ وَ اسْرَافِيلُ عَنْ يَسَارِهِ وَالرُّعْبُ يَسِيرُ وَ مَيْسِرَةٌ شَهْرٌ أَمَامَهُ وَ خَلْفَهُ وَ عَنْ يَمِينِهِ وَ عَنْ شِمَالِهِ وَالْمَلَائِكَةُ الْمُقْرَبُونَ حِذَاهُ».

ترجمه: هنگامی قائم آل محمد ظهور می نماید خداوند او را با چهار گروه از فرشتگان یاری می کند که پیامبر را یاری کرده بود و کروبین سالار آنان و جبرائیل پرچمدار و میکائیل و اسرافیل از یمین و یسار او هستند و ترس و رعب و هراس در دل دشمنانش به مسافت یک ماه پیش رو و سمت راست و چپش افکنده می شود. و ملائکه مسومین = نشاندار، مُردفین = ردیف شده و صف به صف، منزلین = فرود آمده و کروبین از قرآن اقتباس شده که پیامبر به وسیله آنان یاری شده است.

امام صادق(ع) فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (ع) نَزَلَتْ مَلَائِكَةُ بَدْرٍ وَ هُمْ خَمْسَةٌ الْاِف»<sup>۱</sup>.

ترجمه: هنگامی که قائم قیام می کند فرشتگانی که به صورت پنج هزار نفری در جنگ بدر به یاری پیامبر(ص) آمده بود فرود می آیند. که البته در این مورد نیز روایات فراوانی وجود دارد که به این سه مورد به عنوان نمونه اکتفاء گردید و نزول ملائک و یاری آنان در امر مهدی(ع) موضوعی مسلم است.

۱ - غیبت نعمانی، ص ۲۴۴؛ معجم الاحادیث الامام المهدی(ع)، ج ۴، ص ۱۹.

### ج) میراث پیامبران و کتاب و سنت‌های آنان با مهدی(ع) است

وقتی که آن عزیز قیام می‌کند همه میراث پیامبران در پیش او خواهد بود. و منظور از میراث انبیاء ملک و مال و مادیات نیست بلکه چیزهای معنوی با ارزش از سوی خداوند به انبیاء بزرگ عطا شده و از همه آنان به خاتم و اشرف‌شان حضرت محمد ابن عبدا... (ص) رسیده و از آن بزرگوار به وصی بر حقش امیرالمؤمنین(ع) و پس از او به امامان بعدش تا رسیده به آخرین حجّت خدا و وارث همه انبیا و اولیاء حضرت مهدی(ع) و ارزش آن میراث‌ها ارزش مادی و باستانی نیست بلکه ارزش معنوی و نشانه خلیفة‌اللّهی امام مهدی و وارث بودن او برای همه حجج‌الهی و احیاء کننده همان خطّ و سنت انبیاء الهی است. و شاید آن موارث الهی دارای ده‌ها اسرار الهی است که از اوّل بشریت تا آخر آن به مردان خدا و سفیران معصومش نازل فرموده و همه آن را به حجّت خود آخرین معصوم عنایت می‌کند. و اینک به بعضی از روایات در این رابطه اشاره می‌کنیم.

۱ - «ذَا ظَهَرَ الْقَائِمُ (ع) ظَهَرَ بِرَايَةِ رَسُولِ اللَّهِ وَ خَاتَمِ سُلَيْمَانَ وَ حَجَرِ مُوسَى وَ عَصَاهُ».

ترجمه: امام باقر(ع) فرمود: هنگامی که قائم ظهور می‌کند پرچم مخصوص پیامبر اسلام و خاتم سلیمان و سنگ بهشتی موسی که از آن چشمه‌ها جاری می‌ساخت و همچنین عصای معجزه‌آسای او با مهدی(ع) خواهد بود.<sup>۱</sup>

۱ - غیبت نعمانی، ص ۲۳۸؛ معجم الاحادیث الامام المهدی(ع)، ج ۳، ص ۲۴۸.

## ۲- پرچم ویژه رسول... (ص)

«نَزَلَ بِهَا جِبْرَائِيلُ يَوْمَ بَدْرٍ نَشَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص) ثُمَّ لَفَّهَا وَدَفَعَهَا إِلَى عَلِيٍّ (ع) فَلَمْ تَزَلْ عِنْدَ عَلِيٍّ حَتَّى إِذَا كَانَ يَوْمَ الْبَصْرَةِ نَشَرَهَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ ثُمَّ لَفَّهَا وَهِيَ عِنْدَنَا لَا يَنْشُرُهَا أَحَدٌ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ فَنَشَرُهَا»<sup>۱</sup>

ترجمه: پرچم ویژه پیامبر را جبرئیل در روز بدر اولین جنگ مهم اسلام با کفر از آسمان آورد و پیامبر (ص) آن را گشود و سپس پیچیده و به امیرمؤمنان داد و علی (ع) آن را در جنگ بصره اولین جنگ ایمان با فسق گشود خداوند فتح را نصیب او کرد و بعد آن را پیچیده و آن در پیش، اهل بیت می باشد و کسی آن را نمی گشاید تا اینکه قائم قیام نموده و آن را می گشاید. (امام صادق (ع))

## ۳- خاتم سلیمان (ع)

«إِذَا لَبَسَهُ سَخَّرَ اللَّهُ لَهُ الطَّيْرَ وَالرِّيحَ وَالْمُلْكَ»<sup>۲</sup>

ترجمه: هنگامی که آن حضرت انگشتر سلیمانی را به انگشت می کند خداوند همه عالم، پرندگان، باد، طبیعت و ملک جهانی را به او مسخر می سازد.

## ۴- عصای موسی (ع)

«قَالَ الصَّادِقُ (ع) عَصَى مُوسَى قَضِيبُ آسٍ مِنْ غِرْسِ الْجَنَّةِ آتَاهُ بِهَا جِبْرَائِيلُ لَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ»<sup>۳</sup>

۱ - غیبت نعمانی، ص ۳۰۷؛ معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۳، ص ۳۸۷.

۲ - بحالانوار، مجلسی، ج ۶۳، ص ۱۹۴.

۳ - غیبت نعمانی، ص ۲۳۸؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۱۳، ص ۲۲.

ترجمه: امام صادق(ع) فرمود: عصای موسی(ع) از چوب آس از درخت‌های بهشتی بوده و هنگامی که موسی(ع) به سوی مَدَّیْن حرکت می‌کرد جبرئیل(ع) برایش آورد که در مقابل ساحران تبدیل به اژدها شد و سحر ساحران مارهای ریسمانی آنان را می‌بلعید.<sup>۱</sup>

۵- پیراهن مخصوص پیامبر اسلام که پیراهن ابراهیم و یوسف(ع) بود  
«قال الصادق(ع) لِيَعْقُوبَ ابْنِ شُعَيْبٍ مِنْ صَحْبِهِ الْأَارِيكَ قَمِيصَ الْقَائِمِ الَّذِي يَقُومُ عَلَيْهِ؟ قَالَ بَلَى فِدَاعِي بِقَمِيصٍ فَضَحَّحَهُ وَ أَخْرَجَ مِنْهُ قَمِيصَ كَرَابِيسَ فَنَشَرَهُ فَإِذَا فِي كُمَّهِ الْأَيْسَرِدَمُ وَ فَقَالَ هَذَا قَمِيصُ رَسُولِ اللَّهِ الَّذِي كَانَ عَلَيْهِ يَوْمَ ضُرِبَتْ رُبَاعِيَّتُهُ وَ فِيهِ يَقُومُ الْقَائِمُ(ع) قَالَ يَعْقُوبُ ابْنُ شُعَيْبٍ فَقَبَّلْتُ الدَّمَ وَ وَضَعْتُهُ عَلَى وَجْهِ ثُمَّ طَوَاهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ وَ رَفَعَهُ».<sup>۲</sup>

ترجمه: امام صادق(ع) به یکی از اصحابش یعقوب ابن شعیب فرمود: آیا پیراهن خاصی که قائم به هنگام ظهور به تن می‌کند به تونشان دهم؟ گفت آری فدایت شوم. امام بسته مخصوصی را طلبیده و آن را گشود و پیراهن ویژه را نشان داد که در آستین چپش قطرات خونی بود آنگاه فرمود این پیراهن پیامبر خاتم است که در جنگ احد بر تنش بود و قائم ما نیز هنگام ظهور آن را بر تن خواهد کرد. یعقوب می‌گوید آن را بوسیده و به رویم کشیدم آنگاه امام آن را بست و به جای خود قرار داد.

۱- سوره اعراف، آیه ۱۱۷.

۲- غیبت نعمانی، ص ۲۴۳؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۵۵.

امام صادق(ع) به مفضل فرمود: آیا می‌دانی پیراهن یوسف(ع) چه بود؟ آن را هنگامی که ابراهیم خلیل خداوند(ع) را که به آتش می‌انداختند جبرئیل آورد و ابراهیم(ع) به تن کرد و بعد از اسحاق به یعقوب و از آن به یوسف(ع) رسید و بعد به نبی خاتم و بعد به اوصیاء او تا به اهلش قائم(ع) خواهد رسید.

«ثُمَّ قَالَ (ع) كُلُّ نَبِيٍّ وَرَثَ عِلْمًا أَوْ غَيْرَهُ فَقَدْ اِنْتَهَى إِلَى آلِ مُحَمَّدٍ (ع)».

ترجمه: سپس امام صادق(ع) فرمود: هر پیامبری هر علمی یا میراث دیگری داشت همه‌اش به آل محمد منتهی می‌شود.

علاوه بر روایات متعدد درباره میراث انبیاء و اولیاء(علیهم‌السلام) که بر مهدی موعود و آخرین حجّت خدا منتهی می‌شود و کتاب‌ها و سنت‌های مرضی آنان که همه در وجود آن گرامی جمع می‌شود فرود آمدن آخرین و چهارمین پیامبر اولوالعزم قبل از اسلام حضرت عیسی ابن مریم عزیز عالم و اعجوبه اولاد آدم جهت یاری مهدی(ع) که خود یکی از شگفت‌انگیزترین انسان‌ها و سرّی از اسرار الهی است و اینک نکاتی در پیرامون این موضوع مهمّ الهی و رمز و راز آن که در بخش مستقلّی آورده می‌شود.

(د) فرود آمدن حضرت عیسی ابن مریم(علیهما‌السلام)

فرود آمدن حضرت عیسی ابن مریم از آسمان به هنگام قیام مهدی(ع) از نظر همه مسلمانان اعم از سنی و شیعه یک واقعیت ثابت است و هیچ تردیدی در آن راه ندارد. و حکمت آن شاید تقویت حرکت جهانی و

تصدیق و تأیید حَقانیت آن بزرگوار به ویژه اقتداء حضرت عیسی (ع) به آن حضرت یعنی تأیید و تقویت امامت جهانی و رهبری امام مهدی (ع) است. یکی از شگفت‌انگیزتری حادثه تاریخ بشری و باشکوه‌ترین دلیل بر حَقانیت رهبری جهانی امام مهدی (ع) همان فرود آمدن حضرت مسیح (ع) است که انسانی ممتاز و سرّی از اسرار الهی به شرح زیر می‌باشد.

۱ - پیامبر اولوالعزم و صاحب شریعت و یکی از شاهکار خلقت از مادری باکره بدون پدر و روح خدا.

۲ - دارای میلیون‌ها پیرو در جهان به ویژه در جهان غرب و به ظاهر پیشرفته و متمدّن وقتی که ناظر اقتداء او به مهدی موعود بوده و ببینند که در صف یاران او و به مثابه وزیر آن حضرت است طبعاً پیروان او نیز تبعیت نموده و سرتعظیم و تسلیم فرود می‌آورند.

و به خاطر اهمّیت این موضوع روایات بسیاری از پیامبر اعظم (ص) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) از طریق اهل سنت و تشیع وارد گردید که به برخی از آن روایات ذیلاً اشاره می‌گردد.

۱ - بخاری از ائمه اهل سنت که کتاب او به عنوان صحیح بخاری تلقی می‌کنند. می‌گوید: «قال رسول الله (ص) كَيْفَ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْيَمَ فَيْكُمُ وَ إِمَامِكُمْ مِنْكُمْ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: چگونه خواهد بود وقتی که عیسی ابن مریم در میان شما فرود آید و



امامتان هم در جامعه شما حضور دارد.

۲ - مسلم در صحیح خود و دیلمی در فردوس الاخبار و احمد حنبل در مسند و سایرین از بزرگان اهل سنت داستان فرود آمدن حضرت عیسی (ع) و اقتدای او به حضرت مهدی (ع) را آورده‌اند.<sup>۱</sup>

۳ - نعیم ابن حمّاد از پیامبر اسلام نقل می‌کند: «فِيهِبُ عَيْسَى (ع) فَيُرْحَبُ بِهِ النَّاسُ وَ يَفْرَحُونَ بِنُزُولِهِ لِتَصْدِيقِ حَدِيثِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) ثُمَّ يَقُولُ لِلْمُؤَدِّنِ أَقِمِ الصَّلَاةَ ثُمَّ يَقُولُ النَّاسُ صَلِّ بِنَا فَيَقُولُ انْطَلِقُوا إِلَى إِمَامِكُمْ فَلْيُصَلِّ بِكُمْ فَإِنَّهُ نِعْمَ الْأَمَامُ فَيُصَلِّي بِهِمْ إِمَامُهُمْ فَيُصَلِّي مَعَهُمْ عَيْسَى (ع)».<sup>۲</sup>

ترجمه: عیسی ابن مریم نازل به مردم می‌شود و مردم به او خوشامد می‌گویند و از آمدنش که تصدیق پیشگویی پیامبر اسلام است خوشحال می‌گردند. سپس به مؤذن می‌گوید اذان بگو تا نماز اقامه شود. مردم از او می‌خواهند که امامت نماز را به عهده بگیرد. آن وقت می‌فرماید هان ای مردم به سوی امام خویش رو کنید که او شایسته به امامت و پیشوایی است و آن وقت مردم به امامت امام مهدی (ع) اقامه نماز می‌کنند در حالی که حضرت عیسی نیز اقتدا کرده است.

۴ - ابوسعید خدری از پیامبر گرامی نقل می‌کند که پیامبر اسلام (ص) فرمود: «مِنَّا الَّذِي يُصَلِّي ابْنَ مَرْيَمَ خَلْفَهُ».<sup>۳</sup>

۱ - صحیح، ج ۲؛ مسلم مسند، ج ۲، حنبل و نورالابصار شبلنجی، ص ۱۷۰؛ معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۱.

۲ - الملاحم الفتن ابن طاووس، باب ۱۸۷؛ معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۱، ص ۳۲۱.

۳ - عقد الدرر، باب ۱۰، ص ۲۳۰؛ معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۱، ص ۵۳۷.

ترجمه: از خاندان ماست آن قائمی که عیسی ابن مریم در پشت سر او نماز می خواند.

ه) تحولات عظیم فرهنگی و تربیتی و امنیتی و اجرای احکام قرآن در حکومت جهانی مهدی (ع)

«إِنَّهُ يَمَلَأُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأَتْ ظُلْمًا وَ جَوْرًا»<sup>۱</sup>

ترجمه: او جهان را پر از عدل و داد می کند بعد از آنکه با ظلم و جور پر شده باشد.

۱ - وقتی که پاکترین پاکان و پیشوای معصوم قرآن مجسم و تبلور اسوه حسنه و تجلی خلق عظیم و نماد عصمت فاطمه با عدل و عقل و قلب امیرالمؤمنین و حلم حسنی و شهامت حسینی و عبادت سجادی و دریای مواج علم باقری و تربیت و تعلیم صادقی و همچنین دارای صفات همه امامان و انبیای الهی بنخواهد با بسط ید و شجاعت و عدالت و قضاوت داودی با اقتدار سلیمانی و زهد عیسوی و هیبت موسایی و خلعت و رأفت ابراهیمی و صبر نوح و ایوبی بر جهان حکومت کند. واضح و مبرهن است که از لحاظ فرهنگی و تربیتی و اخلاقی و آداب و سنن اجتماعی مردم چگونه می شوند و چگونه خواهند بود.

امیرالمؤمنین (ع) فرموده: «لَا تَتْرُكُ بُدْعَةَ إِلَّا أزالها وَلَا سُنَّةَ إِلَّا أقامها»<sup>۲</sup>.

۱ - بحارالانوار، مجلسی، ج ۳۶، ص ۳۵۸.

۲ - بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۹؛ معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۳.

۲ - امنیت مهم‌ترین عامل و بستر تربیت و فرهنگ است رهبر دانا و مدبّر و حکیم و قدرتمند آنچنان امنیت و آسایش بشری را فراهم می‌کند که امیرالمؤمنین علی(ع) فرمود «وَيُهْلِكُ الْأَشْرَارَ وَيَبْقَى الْأَخْيَارُ»<sup>۱</sup> تمامی طاغوت‌ها و گردنکشان و فسّاق و دزدان و انگل‌های اجتماعی و اشرار را نابود کرده و اخیار و ابرار و پاکان و صالحان را باقی می‌گذارد. و جامعه را توحیدی زیر پرچم واحد جهانی (لا اله الا الله) از چنان امید و نشاط و آرامش روحی و سلامت فکر و اخلاق برخوردار می‌سازد که از پی مبراسلام(ص) وارد شده که فرمود: «أَبْشِرُوا بِالْمَهْدِيِّ يُقَسِّمُ الْمَالَ صِحَاحاً بِالسُّوْيَةِ وَيَمْلَأُ قُلُوبَ أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ غَنِيٍّ وَ يَسْعُهُمْ عَدْلُهُ حَتَّى أَنَّهُ يَأْمُرُ مُنَادِيّاً يُنَادِي مَنْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَىَّ؟»<sup>۲</sup>.

ترجمه: بشارتتان می‌دهم به مهدی موعود او ثروت‌های درست میان مردم تقسیم می‌کند و دل امت مرا با غنی پُر می‌کند و عدالت او به هم می‌رسد تا آنجا که دستور می‌دهد منادی ندا کند هر کس به من حاجتی دارد به سوی ما بیاید تا آخر حدیث.

۳ - کانون خانواده را چنان با قرآن و اسلام و اخلاق حمیده آشنا می‌سازد که همه مردان و زنان و کودکان حق و حقوق خویش را شناخته و در خانه و بیرون با اسلام زندگی نموده و از حکمت الهی و احکام نورانی قرآن و سنت حسنه پیامبراسلام پیروی می‌کنند. تا جایی که امام باقر(ع)

۱ - عقدالذّر، باب ۷، ص ۱۵۹.

۲ - الصواعق المحرقة، ص ۱۰۲؛ معجم الاحادیث الامام المهدی(ع)، ج ۱، ص ۲۴۰.

فرمود: «تُؤْتُونَ الْحِكْمَةَ فِي زَمَانِهِ حَتَّىٰ أَنْ الْمَرْأَةَ تَقْضِي فِي بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ رَسُولِهِ»<sup>۱</sup>.

ترجمه: به مردم عصر امام مهدی (ع) ارزانی می‌گردد که یک زن در کانون خانواده خویش براساس کتاب خدا و سنت رسول عادلانه و آگاهانه داوری می‌کند و نیازی به قاضی ندارد. چرا که در عصر درخشان اسلامی و نورانی او آداب اسلامی و اخلاق فضیلت و تربیت صحیح الهی و قرآنی به خانه‌ها راه یافته و همه با آن آشنا شده و عمل می‌کنند.

۴ - در عصر امام زمان آسایش و رفاه چنان به اوج خود می‌رسد که احدی نیازمند و فقیر و محروم پیدا نمی‌شود. چرا که در حاکمیت قرآن با اجرای امامی عادل و معصوم و در سایه‌سار امنیت و عدالت و ثروت سرشار الهی که خداوند برای او از آسمان و زمین عطا می‌کند جایی برای فقر و نیاز باقی نمی‌ماند.

نقل شده از پیامبر اسلام (ص) در رابطه مال دنیا در عصر او فرموده: «فَيَجِيءُ إِلَيْهِ الرَّجُلُ فَيَقُولُ يَا مَهْدِي اَعْطِنِي وَ فَيَحْشَى لَهُ فِي ثُوبِهِ مَا اسْتَطَاعَ أَنْ يَحْمِلَهُ»<sup>۲</sup>.

ترجمه: مردی به سوی او آمده و تقاضای کمک می‌کند. پس امام (ع) آنقدر مال به او عطا می‌کند که نتواند آن را حمل نماید.

۱ - غیبت نعمانی، باب ۱۳، ص ۲۳۸.

۲ - منابع المودة، ص ۴۳۱؛ معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۱، ص ۸۵.

این کنایه از کثرت مال و اعطای آن حضرت است به کسانی که نیاز داشته باشند بگذریم از اینکه صنعت و کشاورزی و تجارت صحیح به اوج خود از رونق می‌رسد.

### (و) جایگاه و منزلت شیعه و مؤمنین در حکومت امام مهدی (ع)

این موضوع مسلم و ثابت است که شیعیان و پیروان خاندان وحی افرادی هستند که جسم و جان و سلول‌های وجودشان مالا مال از حبّ آل محمد به ویژه پروانه شمع وجود امام مهدی می‌باشند و قلب‌شان به عشق او می‌تپد و کاملاً طبیعی است که آن وجود گرامی نیز به پیروان و عاشقان خود توجه ویژه‌ای داشته باشد و اولین اصحاب و انصار و یارانش را از شیعیان خویش انتخاب خواهد نمود. چرا که آنان با آگاهی کامل عمری را در انتظار او سپری نموده‌اند. لذا شیعیان در عصر حکومت او از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و همچنانکه در روایات اسلامی در اوصاف آنان وارد شده که از عبد به مولایش تبعیت پذیرتر و مطیع و فرمانبردارند.

اینک نمونه‌هایی از روایات که به این واقعیت اشاره دارد آورده می‌شود. تا دیدگاه پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) درباره شیعیان در حکومت امام قائم کاملاً روشن و واضح گردد.

۱ - امام صادق (ع) می‌فرماید: «يَكُونُ شِيعَتُنَا دَوْلَةَ الْقَائِمِ (ع) سَنَامُ الْاَرْضِ وَ

حُكَّامُهَا يُعْطَى كُلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا»<sup>۱</sup>.

ترجمه: شیعیان ما در حکومت قائم سروران و زمامداران زمین و فرمانروایان آن هستند و به هر کدام از آنان قدرت و نیروی چهل مرد داده می‌شود.

۲ - امام باقر(ع) فرمود: «إِذَا وَقَعَ أَمْرُنَا وَ خَرَجَ مَهْدِينَا كَانَ أَحَدُهُمْ أَجْرًا مِنْ الْيَثِ وَ أَمْضَى مِنَ السَّنَانِ يَطَأُ عَدُوَّهُ بِقَدَمَيْهِ وَ يَقْتُلُهُ بِكَفَّيْهِ»<sup>۲</sup>.

ترجمه: هنگامی که دوران حکومت ما فرا رسد و مهدی ما قیام نماید پیروان او هر کدام از شیر شجاع‌تر و جسورتر و از سر نیزه بُرنده‌تر می‌شود و دشمنان‌شان را پایمال ساخته و از بین می‌برند.

۳ - امیرمؤمنان(ع) فرمود: «كَأَنِّي أَنْظِرُ إِلَى شِيعَتِنَا بِمَسْجِدِ الْكُوفَةِ قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ»<sup>۳</sup>.

ترجمه: گویا نگاه می‌کنم به شیعیانمان در مسجد کوفه خیمه‌هایی را برپا نموده و به مردم قرآن یاد می‌دهند.

۴ - امام باقر(ع) فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ يَدَهُ عَلَى رُؤْسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ»<sup>۴</sup>.

ترجمه: وقتی که قائم ما قیام کند دست تربیتی بر سر بندگان خدا می‌گذارد و به سبب آن عقل‌های آنان به رشد کمال می‌رساند.

۱ - بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۷۲؛ معجم الاحادیث الامام المهدی(ع)، ج ۴، ص ۶.

۲ - همان، ج ۵۲، ص ۳۷۳؛ همان، ج ۳، ص ۲۸۴.

۳ - غیبت نعمانی، باب ۲۱، ص ۳۱۷.

۴ - بحارالانوار، مجلسی، ج ۵۲؛ اکمال‌الدین، ص ۶۷۵.

۵ - امام باقر (ع) فرمود: «إِنَّهُ لَوْ كَانَ ذَلِكَ إِظْهُورِ الْمَهْدِيِّ أُعْطِيَ الرَّجُلَ مِنْكُمْ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ جَعَلَ قُلُوبَكُمْ كَزُبُرِ الْحَدِيدِ لَوْ قَذَفْتُمْ بِهَا الْجِبَالَ فَلَقَتْهَا وَ أَنْتُمْ قَوَّامُ الْأَرْضِ وَ خَزَائِنُهَا»<sup>۱</sup>.

ترجمه: هنگامی که او قیام کند به هر کدام از شما توانایی چهل مرد اعطاء می شود. و دل هایتان همانند آهن پاره محکم می شود که اگر به کوه ها بکوبید آن را متلاشی می سازید و شماها در عصر او محور و مدیر حکومت او بوده و خزانه دار اموال و کارگزار او خواهید بود.

۶ - امام صادق (ع) فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِيعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّى لَا يَكُونَ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ يُكَلِّمُهُمْ فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ»<sup>۲</sup>.

ترجمه: هنگامی که قائم قیام کند خداوند در گوش ها و چشمان شیعیان ما کشش و گستردگی می بخشد به طوری که میان آنان و مهدی واسطه و قاصدی نیست بلکه او با آنان صحبت می کند و آنان می شنوند و می بینند او را در جایگاه خویش.

۷ - «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لَيَرَى أَخَاهُ وَ هُوَ بِالْمَغْرِبِ»<sup>۳</sup>.

ترجمه: مؤمن در عصر قائم در حالی که در مشرق عالم است برادرش را می بیند که در مغرب عالم است.

۱ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۳۰.

۲ - کافی، ج ۸، ص ۲۴۰؛ خرائج، ج ۲، ص ۸۴۰؛ معجم الاحادیث الامام المهدی (ع)، ج ۴، ص ۵۷.

۳ - حق الیقین، ج ۱، ص ۲۲۹؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

ز) عمر شریف و حکومت و رجعت خاصه و نماز معصوم بر او دوران حکومت و عمر شریف و پایان زندگی امام مهدی (ع) نه می‌توان به درستی به دست آورد و دانست و نه لزومی دارد که از حالا به فکر طولانی بودن دوران زمامداری او باشیم و یا نحوه پایان زندگی و یا شهادت او را به اطلاع مردم برسانیم و اگر در این باره مطالبی نوشته شد و در کتاب‌های مربوطه صحبت گردید از طریق روایاتی است که رسیده و آن هم در این موضوع نه یک دست اندونه موثق صحیح بلکه چند روایت مختلف و پراکنده است که اشاره می‌کنیم.

۱ - دسته از روایات مدت حکومت آن عزیز عالم را پس از پیروزی هفت سال عنوان می‌کند.

۲ - دسته دیگر از روایات عدد دیگری را بازگو نموده و تا هفتاد سال می‌رساند. و شاید با عدد هفت اشتباه نسخ و خط شده باشد.

۳ - دسته سوم روایاتی است که به نظر مرحوم آیت‌الله محمدکاظم قزوینی درست‌تر و قابل اعتمادتر است. بیست سال عنوان می‌کند تا حدودی هم از لحن روایات و اقراثن آن برمی‌آید که درست‌تر باشد. چرا که دو روایت رسیده از امام صادق با روایت جابر ابن یزید جعفی از امام باقر همسان بوده و تضادی ندارند.

روایت اول: امام صادق (ع) فرمود: «مُلْكُ الْقَائِمِي مِائًا تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ أَشْهُرًا»<sup>۱</sup>.

ترجمه: حکومت قائم (ع) نوزده سال و چند ماه خواهد بود.

۱ - غیبت نعمانی، باب ۲۶، ص ۳۳۱؛ بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۹۸.



روایت دوّم: باز امام صادق(ع) فرموده: «يَمْلِكُ الْقَائِمُ تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً وَ أَشْهُرًا»<sup>۱</sup>.

ترجمه: قائم(ع) نوزده سال و چند ماه حکومت و زمامداری خواهد کرد.

روایت سوّم: جابر ابن یزید جُعفی آن صحابی خاصّ و محرم اسرار امام باقر(ع) می گوید: از امام باقر پرسیدم سرورم قائم(ع) چند سال حکومت خواهند فرمود؟ که در جواب من امام باقر(ع) فرمود: (از روز قیام او تا رحلتش حدود ۱۹ سال فاصله خواهد بود).

علیّ ایّ حال روایات دیگری در کتاب‌های مربوطه موجود است که در این موضوع چندان لزومی ندارد که آورده شود.

**خاتمه و نکات کسانی که در زمان غیبت کبری به دیدار آن سرور نائل شده‌اند**

قبل از هر چیز ذکر این نکته لازم است که بسیاری از کسانی که توفیق زیارت و دیدار آن حضرت را یافته‌اند به دلایلی همانند:

### نکته اوّل

۱ - عرفان و خلوص و عشق به آن حضرت و حتی شاید به اشاره آن حضرت دیگران را از این سرّ بزرگ آگاه نکرده‌اند.

۲ - جهت پرهیز از شهرت و مورد مراجعه و توجّه مردم قرار گرفتن

۱ - بحار الانوار، مجلسی، ج ۵۲، ص ۲۹۹؛ غیبت نعمانی، باب ۲۶، ص ۳۳۲.

نگفته‌اند.

۳ - به خاطر مورد اتهام و تکذیب مردم قرار گرفتن نگفته‌اند.

۴ - و شاید به خاطر ترس از حکومت‌های جائر زمانشان و یا دلایل دیگر نگفته باشند.

### نکته دوّم

کسانی که از بزرگان علما و عرفاء و خاصّان اصحاب آن حضرت و شیفتگان یا نجات یافتگان و یا دردمندان شفا یافته که گفته‌اند یا نوشته‌اند یا دیگران را آگاه ساخته‌اند و آن دیگران آن را گفته یا نوشته‌اند. یا به خاطر اثبات حقانیت وجود آن حضرت و یا استواری عقاید عامه و یا ضرورتی دیگر همانند اصرار محرمان و دوستان عارف و یا شاگرد مورد اعتمادشان بوده است.

### نکته سوّم

کسانی که در کتاب‌های تاریخی و یا حدیثی خویش تحت نام و عنوان‌های مختلف و متعدد نام نشان کسانی که به فوز لقاء آن سرور نائل شده‌اند آنقدر زیاد است که آوردن همه آنها کار بس گران و مشکل است. چند تا به عنوان نمونه ذکر می‌گردد که هم معتبر و هم جامع‌ترینند و علاقمندان می‌توانند به آنها مراجعه نمایند.

- ۱ - علامه مجلسی رحمة الله در کتاب خویش، ج ۵۲ بحار الانوار نام تعدادی را ذکر نموده است.
- ۲ - علامه نوری (ره) در کتاب خویش النجم الثاقب داستان یکصد تن از فائزین به لقاء را آورده است.
- ۳ - سیدهاشم بحرانی در کتاب تبصرة الولی فیمن رای القائم المهدی نام تعدادی را آورده است.
- ۴ - میثمی عراقی در کتاب تذکرة الطالب فیمن رای الامام الغائب همچنین.
- ۵ - مرحوم محدث نوری در کتاب دارالسلام فیمن فاز بسلام الامام علاوه بر النجم الثاقب.
- ۶ - سیدجمال الدین محمد طباطبایی در کتاب بدائع الکلام فیمن اجتمع بالامام.
- ۷ - محمدنقی الماسی اصفهانی در کتاب البهجة فیمن فاز بلقاء الحجّة.
- ۸ - مرحوم علی اکبر نهاوندی در کتاب العبقری الحسان.
- ۹ - واحد تحقیقات مسجد مقدس جمکران در کتاب کرامات المهدی (ع).
- ۱۰ - سیدجعفر رفیعی در کتاب ملاقات با امام عصر روحی فداه.
- ۱۱ - احمد قاضی زاهدی در کتاب شیفتگان حضرت مهدی (عج)
- ۱۲ - حضرت آیتا... صافی گلپایگانی در کتاب منتخب الاثر و صدها کتاب دیگر از قدماء و معاصرین.

## نکته آخر

مرحوم آیت‌ا... قزوینی در کتاب گرانقدر خویش (امام مهدی(ع) از ولادت تا ظهور) نام ده نفر و داستان شیرین فوزلقاء آنان آورده که باختصار نام و داستانشان اشاره می‌شود.

- ۱ - داستان محمدابن عیسی بحرینی که با استمداد از امام توطئه وزیر خائن را در نوشته انار خشتی نمود.
- ۲ - داستان نجات از گمراهی و گم شدن در بیابان جوانی که از طریق مادر امام را شناخته و به او پناه برد.
- ۳ - داستان اسماعیل هرقلی که به دست امام شفا یافته و مردم از جمله سیدابن طاوس به استقبالش آمدند.
- ۴ - داستان ابوراجح در شهر حله که از دست حاکم کینه‌توز و از مرگ حتمی نجات یافت.
- ۵ - قضیه مقدس اردبیلی که به اشاره امیرالمؤمنین با امام مهدی صحبت نموده و میرعلام شاگردش شاهد آن بوده است.
- ۶ - داستان شیخ محمدحسن سریره که سه مشکل داشت و در مسجد کوفه به ملاقات امام نائل شد.
- ۷ - دیدار سیدمهدی قزوینی در حله با امام زمان(ع).
- ۸ - داستان احمد عسگری تهرانی که آیت‌ا... صافی در کتاب خود آورده است.

۹ - داستان مرحوم حاج علی بغدادی در راه کاظمین که مرحوم شیخ عباس در مفاتیح نوشته است.

۱۰ - داستان دیدار آیت... سید ابوالحسن اصفهانی و آیت... بحر العلوم که بارها مشرف شده‌اند.

لازم به ذکر است که اغلب علمای پاک و صالح و عارف همانند مراجع عظیم‌القدر به این فیض عظمی نائل گشته‌اند منتهی آنان جواهرشناس‌اند و صاحب اسرار الهی تا زنده‌اند به کسی بروز نمی‌دهند مگر گاهی که مقرّبین چیزهایی را بفهمند و بازگو نمایند. ثقه‌ای از آیت‌الله مجتهدی تهرانی نقل می‌کند در نجف اشرف به امامت آیت‌الله شهید سیداسد... مدنی نماز جماعت می‌خواندیم که بعد از نماز یک دفعه دیدم های های و غیر عادی گریه می‌کند، علت پرسیدم فرمود: یکی از نمازگزاران امام مهدی را ملاقات نموده و ایشان فرموده می‌بینید این شیعیان ما را بعد از نماز هیچ کدام برای فرج ما دعا نکردند. می‌گویند فهمیدم که خودش بوده و امام به فرموده او از زبان دیگری می‌گوید از کثرت تواضع و خلوص و پرهیز از شهرت.<sup>۱</sup>

## منابع و مأخذ

- ۱ - قرآن مجید و تفاسیر مختلف آن به ویژه تفسیر المیزان و نمونه و صافی و مجمع البیان.
- ۲ - مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی.
- ۳ - آثار الصادقین، مرحوم آیتا... احسان بخش.
- ۴ - آخرین سفیر، سید جمال الدین حجازی.
- ۵ - اثبات الهداة، محمد ابن حسن حرّ عاملی، متوفای ۱۱۰۴ هجری قمری.
- ۶ - احتجاج، مرحوم طبرسی، صاحب مجمع البیان.
- ۷ - احقاق الحق، سید نورا حسین مرعشی، متوفای ۱۰۱۹ هجری قمری.
- ۸ - ادیان و مهدویّت، محمد بهشتی.
- ۹ - ارشاد، شیخ مفید (علیه الرحمة)، قرن چهارم.
- ۱۰ - اعلاحم والفتن.
- ۱۱ - اکمال الدین، شیخ صدوق (علیه الرحمة).
- ۱۲ - الامام المهدي عند اهل السنة، فقیه ایمانی معاصر ج ۱.

- ۱۳ - امام مهدی از ظهور تا پیروزی، سید حسین تقوی.
- ۱۴ - امام مهدی از ولادت تا ظهور، آیت... قزوینی.
- ۱۵ - امام مهدی در قرآن، شریعت خراسانی.
- ۱۶ - الامامة، احمد محمود صبحی چاپ بیروت.
- ۱۷ - انیس الاعلام، محمد صادق فخرالاسلام.
- ۱۸ - او خواهد آمد، نشریه دارالتبلیغ.
- ۱۹ - بحث حول المهدي، شهید صدر (رضی... علیه).
- ۲۰ - بشارات عهدین، محمد صادقی، نشر دارالکتب اسلامیة.
- ۲۱ - التاج الجامع للاصول، شیخ منصور علی ناصف، متوفای ۱۳۷۱ هجری قمری.
- ۲۲ - تفسیر بُرهان، سید هاشم ابن سلیمان بحرانی، متوفای ۱۱۰۷ هجری قمری.
- ۲۳ - تفسیر عیاشی، صاحب تفسیر مهم عیاشی، از علمای قرن چهارم.
- ۲۴ - جاماسب‌نامه، فرهنگ عمید، تألیف حسن عمید.
- ۲۵ - چهار مقاله در رابطه با مهدویت، بنیاد امام مهدی، قم.
- ۲۶ - حق‌الیقین، مرحوم علامه، دفتر تبلیغات قم.
- ۲۷ - الحیاء، محمد رضا حکیمی.
- ۲۸ - دیباچه بر رهبری، ناصرالدین صاحب‌الزمانی.
- ۲۹ - رجال، کشتی از علمای نامدار قرن چهارم.
- ۳۰ - ره توشه رمضان ۸۵، مرحوم علامه، دفتر تبلیغات قم.
- ۳۱ - الزام الناصب، شیخ علی یزدی حائری.
- ۳۲ - الصواعق المحرقة، ابن هجر هیشمی، متوفای ۹۷۴ هجری قمری.

- ۳۳ - عقد الدرر، یوسف ابن یحیی سلمی شافعی، قرن هفتم.
- ۳۴ - علائم ظهور از کتاب زند زرتشت، ترجمه قائمیان.
- ۳۵ - علل الشرایع، شیخ صدوق (علیه الرحمة).
- ۳۶ - غیبت نعمانی، محمد ابن ابراهیم نعمانی، متوفای ۳۶۰ هجری قمری.
- ۳۷ - الفتوحات المکیه، محمد ابن علی ابن عربی، عارف بزرگ، متوفای ۶۳۸ هجری قمری.
- ۳۸ - فصلنامه انتظار، بنیاد المهدی جمکران.
- ۳۹ - الفصول المهمه فی احوال الائمة.
- ۴۰ - کتاب الغیبه، شیخ ابو جعفر محمد ابن حسن طوسی، متوفای ۴۶۰ هجری قمری.
- ۴۱ - کشف الغمه، علی ابن عیسی اربلی.
- ۴۲ - مجمع البیان، مرحوم طبرسی.
- ۴۳ - معجم احادیث امام مهدی (ع)، تألیف و نشر مؤسسه الاسلامیه، تحت شیخ علی کورانی، ۴ جلد.
- ۴۴ - مقاله دکتر برنارد لوئیس کنفرانس تل اوویو، کتاب امام مهدی از ولادت تا ظهور، سید حسین تقوی.
- ۴۵ - مقدمه ابن خلدون، عبدالرحمن مغربی، متوفای ۸۰۸ هجری قمری.
- ۴۶ - منتخب الاثر، آیت... العظمی صافی گلپایگانی.
- ۴۷ - منتهی الامال، شیخ عباس قمی (ره).
- ۴۸ - مهدویت در ادیان، مهدی باباپور.
- ۴۹ - مهدی انقلابی بزرگ، آیت... العظمی ناصر مکارم شیرازی.



- ۵۰ - مهدی در دیدگاه ملل و نحل، اسدا... هاشمی شهیدی.
- ۵۱ - مهدی مغربی، ترجمه احسان داداشزاده.
- ۵۲ - میزان الحکمه، محمدی ری شهری.
- ۵۳ - النجم الثاقب و دارالسلام، علامه مُحدث نوری.
- ۵۴ - نوائب الدهور، مرحوم میرجهانی.
- ۵۵ - نواب خاصّ امام زمان، تألیف علی غفارزاده.
- ۵۶ - نهج البلاغه، ابن ابی الحدید معتزلی شارح نهج البلاغه.
- ۵۷ - نهج البلاغه، بخش حکمت، کلمات قصار نهج البلاغه.
- ۵۸ - وسائل الشیعه، محمد ابن حسن حرّ عاملی.
- ۵۹ - ینابیع الموده، سلمان ابراهیم قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ هجری قمری.